بسم الله الجهادین علی القاعدین اجراً عظیماً

مجاهد

نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

سال اول (شماره ۴۰) ـ دوشنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۸ ـ تکشماره ۱۵ ریال

لیلة القدر یا مرحلهٔ جهش

برداشتی از سوره "قدر" و تفسیر "شب قدر" بمناسبت شبهای پر اوج ماه رمضان

انا انزلناه فی لیلة القدر ـ ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم.

وما ادریک ما لیلة القدر ـ و چه میدانی که شب و مرحلهٔ "قدر" چیست؟

لیلة القدر خیر من الف شهر ـ مرحله قدر گزیده تر از هزار ماه است.

تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر ـ فرشتگان و روح در آن به اجازهٔ پروردگارشان بخششی همی آیند با کل امر. سطور کلی سوره های آخر قرآن مطلب ...

(بقیه در صفحهٔ ۵)

ملی کردن سرمایه‌های وابسته در شهرک اکباتان

در صفحه ۲

نقش امپریالیزم در روستاها

در صفحه ۲

مردم و مجاهدین

در صفحه ۵

آیا ضعف آگاهی مردم علت نارسائی های انتخاباتی است

آیا اساساً نمیشد انتخاباتی داشته باشیم که فاقد این اشکالات باشد؟

به مسأله انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی از وجوه مختلفی نظر شده است. از یکطرف اشکالات و انتقادات زیادی مطرح میگردد، تا آنجا که قانونی بودن و مشروع بودن نتایج آن نیز مورد عدم قبول واقع میشود. از طرف دیگر بانیان و دست اندرکاران این انتخابات، انتقادات و اشکالات را کوچک کرده و در نهایت غیرقابل اجتناب دانسته، مدعی میشوند که در بهترین و دموکراتیکترین انتخابات نیز اینقدر اشکال بوجود می‌آید.

در این مقاله هدف بررسی میزان اشکالات و انتقادات وارد به اجرای انتخابات را دنبال نمیکنیم، بلکه می‌خواهیم این مسأله را بررسی کنیم که آیا واقعاً "نمیشد انتخاباتی داشتیم که اساساً" فارغ از این اشکالات باشد؟ در بررسی سؤال فوق دو نظرگاه در دو سر طیفی قرار گرفته‌اند که بقیه جوابها به گونه‌ای بینابینی به آن دو مربوط میباشند. یک جواب واقع بینانه نیز وجود دارد که به تشریح آن هم میپردازیم.

مهمترین تقلبات درون صندوقی:

تقلب های انتخاباتی به دو نوع متفاوت تقسیم میشوند:

۱ ـ تقلب درون صندوقی، عبارت است از آراء بدون صاحب به صندوقی ریختن و تقلب در شمارش آراء و ...

۲ ـ تقلب برون صندوقی که به شیوهٔ تبلیغات و تحت تأثیرهای کاذب قرار دادن مردم بر میگردد و به اجبارهای اقتصادی و سیاسی و ... که از دوران رستاخیز کاملاً با آن آشنا هستیم.

در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی مهمترین تقلب برون صندوقی که انجام شد در درجهٔ اول استفادهٔ عوام‌فریبانه از حاذبهٔ عمومی امام بود، و در درجهٔ بعد استفاده از عدم آشنائی مردم به ضوابط دمکراتیک یک انتخابات آزاد. در مورد تقلب فوق‌الذکر بقدر کافی نمونه وجود دارد، تا آنجا که هرکس میتواند خود در این زمینه صاحب تجربه شخصی نیز باشد.

دو برخورد غیرواقعی با مسأله انتخابات:

در برخورد با تقلبهای انتخاباتی عده‌ای میگویند که سطح پائین آگاهی مردم باعث شده که این تقلبها صورت گیرد. بیسوادی، قشری‌گری، دسالهوری ناآگاهانه و امثالهم، سبب این انتخابات این چنینی بوده‌است. از این جواب این نتیجه‌گیری گرفته میشود که حد اقل در این مقطع امکان هیچ انتخابات بهتری نبوده است. بایستی زمان بگذرد، مردم آگاه شوند، تا خودشان مانع اینگونه سوء استفاده‌ها گردند.

بقیه در صفحهٔ ۲

مجلس بررسی قانون اساسی براستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است.

نامهٔ سرگشاده جنبش، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، جنبش مسلمانان مبارز، سازمان اسلامی شورا (ساش) و سازمان مجاهدین خلق ایران

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی درباره مخدوش بودن انتخابات تهران

"بسم الله الرحمن الرحیم"

حضرت آیت الله امام خمینی

گروههای امضاء کننده نامه حاضر در پاسخ به دعوت شما مبنی بر شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی، علاقه در انتخابات مزبور شرکت کرده و بمعرفی کاندیدا نیز اقدام نمودند. این در حالی بود که شناخت رهنمودهای فراوانی برای عموم خواهران و برادران در سوء استفاده نیز وجود داشت. اینجانب ضمن تشکر از زحمات شما و تأکید بر اینکه مجلس موجود نمیتواند نماینده واقعی مردم باشد، امیدوارم با تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید، زمینه برای حضور نمایندگان واقعی مردم فراهم گردد.

سودکه فشارها و محدودیتهای بسیاری که متأسفانه هم‌ورهم مستقیم و غیرمستقیم تحت نام شما اعمال میشود کمتر امیدی در جهت تأثیرگذاری انقلابی برای ما مرجا گذاشته بود. بهمین دلیل نتوانستیم بسیاری از هواداران خود را بشرکت در انتخابات قانع کنیم. آنها بر این عقیده بودند که شرکت ما در جو موجود مفید هیچ فایده‌ای نخواهد بود.

اگرچه ما همیشه بر این عقیده بوده‌ایم که مقام رهبری شما فراتر از وابستگی به هر جمعیت و حزب بخصوص بوده و متعلق بفرد فرد ما ملت ایران است، با این همه در جریان انتخابات ما شاهد دخالتهای غیرقانونی گسترده احزاب و جناحهای بخصوص بودیم که به اجبار طرق، تودهٔ مردم را تحت نام شما به رأی دادن به فهرستی وا میداشتند که در واقع از انتخابات را به انتخابات تبدیل میسود. این دخالتها که در چند مورد با جان و وضعی صورت گرفت که آراء صندوقهای مربوطه بنا به اعتراض بازرسان ما باطل اعلام گردید، از پاره کردن آوراق تبلیغاتی دیگران تا رأی‌سوزی صریحاً و رسماً سعایت از رأی دادن به نامزدهای مورد نظرشان در صندوقها و اعمال نظر در شمارش آراء، و امثالهم گسترش داشت. اعمال بی رویه‌ای که مدارک آن طی قریب بیش از ۲۰۰ فقره شکایت به مسئولین امر تسلیم شده و بنا به نتیجه ملاحظه‌اید آماده ایم تا در ملاءات حضوری به خود آن حضرت نیز تقدیم دارم.

مسأله اساسی برای طرفداران ما اینست که حضرت برسر دو انتخابات که چند ماه از تأسیس آن نیز سخت نمیگذرد، چگونه میتوانند بدون اینکه همه چیز خود را به شما منتسب سازد در اکثریت قاطع کشور حائز اکثریت آراء گردد. و آیا این استفاده شایسته‌ای از خون‌دهها هزار شهید انقلاب ایران که در امتداد عمومی به شخص آن حضرت منعکس گردیده است محسوب می‌شود؟ و آیا نطقی که در راه و معاونین آن بجا طرز مسئولیت‌های اجرائی خود از مردمی مجلس محروم شد چگونه اعضای شورای انقلاب که هم اکنون در دولت سرا دفاع شده‌اند میتوانند شدت رغم مسئولیتها و اقتدارات گسترده خود راهی مجلس شوند.

ارهمه اینها با احترام کننده تر این بود که علیرغم تکذیبهای مکرر رادیو در روز انتخابات، قویاً دو روزهای قبل از انتخابات شایعه کرده بودند که شخص آن حضرت فهرست به خصوصی را امضاء کرده‌اید که قابل انتشار نیز هست. مجموعهٔ این دخالتها و محدودیتها هم اکنون ما را با مجلسی مواجه ساخته است که پیرشما و قلیلی از علما و افراد شرکت کننده در آن، به راستی ما قدرنمایندگان طرز تفکر

بقیه در صفحهٔ ۲

آیا بازسازی دستگاههای اطلاعاتی آریامهری را می‌توان اقدامی مردمی تلقی کرد؟

انجام کارهای موفقیت آمیز نخواهد بود. بنابراین ما هم بعنوان اداره‌کننده مملکت احتیاج به یکنوع اطلاعات داریم. و تا تشکیل این مرکز در نخست وزیری، فعلاً "اطلاعات" برای مسائل و سیاست‌های ملی مملکت جمع‌آوری میشود ... مخصوصاً "عنوان کردن این مسأله در کنار باصطلاح "ضرورت دخالت ارتش" امری تصادفی نبوده که بعداً به آن اشاره‌ای خواهیم داشت. همچنین این نکته که میسم برپور با چه مکانیزمی و توسط چه افرادی بکار خواهد افتاد نیز بسیار حائز تأمل است.

دستگاه اطلاعاتی مردمی یا ...؟

اساساً هیچ دستگاه محصلی پیش‌ساختهای که توسط طبقات حاکم (نه مردم) بوجود آمده و ماکزیمم درجه خدمت منافع آنها باشد، نمیتواند ماهیتی مردمی داشته‌باشد. مخصوصاً وقتی این ماهیت را بنتیجه ظهور میرساند که برای کنترل داخل هم بکار رود. مبنای جنس شبکه اطلاعاتی را ترس از توده‌ها و مبارزات آنها و سعی در سرکوب وحشی بودن آن تشکیل میدهد.

بقیه در صفحهٔ ۸

سیون آمدن از دوران طولانی و کمرشکن اختناق آریامهری هشیاری عجیبی در خلق ما بوجود آورده است. نوعی آگاهی و پختگی سیاسی که بوی اختناق و سرکوب را میتواند پیشاپیش حس کند. چندی است شواهد و اخبار دلالت بر آن دارد که تولد نامیمونی در شرف انجام است. نباید هم مولود تازه نه، بلکه همان هیولائی که خود را آراسته. دیگربار قصد دارد با جامه‌ای تازه بجان مردم بیفتد. قبل از اظهارنظر اخیر برزکنور، در موارد متعددی دولت و رسانه‌ها مسئول یاد آور شده بودند که ما به یک دستگاه اطلاعاتی احتیاج داریم و باید از امکانات رژیم قبل در این مورد استفاده کنیم و ... گرچه در جها فعالیتهائی در جریان بود که گیگاه با هشدارهائی از حاکمیت بود های انقلابی روبرو میشد. اما صریحاً سخنی در این باره گفته نشده تا اخیراً صافیان وزیر کشور در (روزنامه اطلاعات ۵/۱۱) عنوان کرد که: "... دخالت ارتش را در مناطق نمیتوان پیش‌بینی کرد. ولی طبیعی است اگر مشکلی پیش بیاید، ارتش باید به وظیفه خود عمل کند. ... هیچ مملکتی بدون مسائل اطلاعاتی تا در به

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

یک سیاست مستقل و انقلابی در زمینه روابط خارجی مستلزم چه عواملی است؟

مبارزه آزادیبخش خلق ایران، که کام نخستین آن یعنی سقوط دیکتاتوری شاه با پیروزی همراه بود، صرورتاً با تلاشهای پلیدتر و استوارتری دنبال شود. این گامها اساساً در مسیر بلوغ مبارزه ضدامپریالیستی است. گمانیکه نفی رژیم هم نمی‌تواند صرفاً مهم به قلب و حباب سائح امپریالیستی در ایران بود. چرا که دیکتاتوری ایران ماهیتی امپریالیستی داشت. یعنی تمام جنایتها و غارتگریهای امپریالیسم، دقیقاً در پناه آن دیکتاتوری صورت می‌گرفت.

همانطورکه می‌دانیم آمریکا بعنوان سردمدار امپریالیسم جهانی دشمن و مارگر همه خلقها و مستحقاً مسئول درجه اول تمام بدبختی‌های طاقرسلطه است. از اینرو حرکتهای آزادیخواهانه ورهائی‌بخش هم در هرگوشه‌ای از جهان بدون شک بر علیه آمریکا خواهد بود.

بقیه در صفحهٔ ۲

آیت الله طالقانی در دیدار با هیئت کوبائی: از نظر ما در هر منطقه دنیا

"هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد و علیه استثمار یک انقلاب اسلامی است"

شب‌شب گذشته (۱۳ مرداد) در دیدار هیئت کوبائی با حضرت آیت‌الله طالقانی بین اعضای این هیئت و آیت‌الله طالقانی بحث و گفتگوهای مفصلی پیرامون "اسلام و مارکسیسم" صورت گرفت. از آنجا که دقت و تعمق در این بحث می‌تواند رهنمودهای ارزنده‌ای برای عموم خواهران و برادران در سوء داشته باشد، اقدام به توضیح و تشریحاتی در بارهٔ برخی قسمت‌های این گفتگو نمودیم.

آیت الله طالقانی در این گفتگو بیان داشتند که: "ما انقلاب کوبا را انقلابی عظیم می‌دانیم .... در واقع هر انقلاب علیه ظلم و علیه استبداد و علیه استثمار در هرجای دنیا که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است. چرا که روح اسلام و تعالیم اسلام در جهت رفع ظلم از همهٔ ابنای بشر، همه اساساً، و همهٔ مظلومین و مستضعفین است.

این واقع بینانه‌ترین و درعین‌حال عالیترین دفاعی است که می‌توان از ایدئولوژی اسلام بعمل آورد.

این همان نحوه برخورد شایسته اصولی است که یک مسلمان انقلابی همواره بایستی در مواجهه با افکار و اندیشه‌های دیگران در پیش گیرد.

معیار توقع‌خواهی و انقلابی بودن از دیدگاه توحیدی:

از دیدگاه ایدئولوژی ما، هر فرد تا جریان به اندازه‌ای که در مسیر

بقیه در صفحهٔ ۶

دیدگاههای ایدئولوژیک مجاهدین خلق

برداشتهائی از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه‌های ۹۱ و ۱۹۶) (قسمت دوم)

امام علی

میکوشد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد.

اصل اساسی "عدل" و مساوات در توزیع ثروت اجتماعی

بر اساس این بینش و درک عمیق امام علی، از کار مکتبی و حرکت اصولی است که در پاسخ کسانی که او را نصیحت می‌کردند که چرا اعطاء و بخشش بیت المال و غنائم از میان مردم، مساوی تقسیم می‌نماید و اشخاص را که در اسلام سوابق طولانی‌تر داشته و دارای "شرافت و بزرگی" بوده‌اند، برتری می‌دهد، قاطعانه جواب می‌دهد که "آیا بمن دستور می‌دهید که با ستم روا داشتن بر کسانی که بر آنان حکومت می‌کنم پیروزی را بجویم؟"

"بخدا قسم تا روزگار می‌گردد و تا ستاره‌ای در آسمان، ستاره دیگری را همراه می‌کند، چنین نخواهم کرد. اگر دارایی مال خودم هم بود، به مساوی تقسیم می‌کردم چه رسد به اینکه مال اساساً از آن خداست" خطبه ۱۲۶

از دیدگاه امام علی این یک اصل اساسی است. اصلی که یک موج انقلابی را ملزم می‌سازد که همهٔ مصلحت‌ها و منافع رودکدر ایی دیگر را بخاطر آن‌دا بارد. اصل "عدل" و قیام بخاطر برپا داشتن "قسط". همان هدف والا و بلندپایه‌ای که خدا بپاسر خود را برای محقق ساختن آن فرستاده بود. و بنابر این نباید کسری حدثه‌ای بدان وارد شود. این همان چیزی است که انبیاء و راستین توحیدی و انقلابون تاریخ، بخاطرش قیام کردند، و در این راه همتی خود را فدا ساختند. اصول سطور و مشروده و مطهر واحدیت‌های مرتبت و مرفاقبل نقص و احتیاج هستند. و اگر می‌نبود که گردش روزگار را مانع شد و حرکت ستاره‌ها را تغییر داد، از این اصول هم می‌توان عدول کرد. بنابراین تأکید علی بر این مسأله که "بیت المال باید بطور مساوی قسمت شود" یک شعار توخالی نیست. بلکه دقیقاً همین جهت و هدف تکاملی "تکامل ساری" است که می‌بایستی بر تمام فعالیت های ما در دنیای واقعی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و غیره حاکم باشد. ولذا دیگر جای هیچگونه کوتاه آمدن و تحقیب دادن در مورد آن‌ها نیست.

فرصت طلبان از امام علی اصرار و "تفهیم سیاسی" طلب میکنند

اینست که علی از همان نخستین روزی که عهده‌دار رهبری جامعه میگردد، اعلام می‌نماید که بر طبق سنت دیرین رسول خدا و بر اساس مساوات و عدل عمل می‌کند. در این باره در خطبه ۱۹۶ مطالب به طلحه و زبیر می‌گوید: "آنچه مطرح گردید که چرا در قسمت کردن بیت‌المال بطور مساوی عمل کردم، من مطابق عمل شخصی انجام ندادم. و از راه هوای نفس حکم نکردم. بلکه حاصل آن تلاشات ما، احکام و معیارهایی است که خدا مرقرار کرده و پیامبر آورده است. و من تاکنون بایستی بر مبنای آن رفتار کنم و

بقیه در صفحهٔ ۹

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

بقیه از صفحه ۱

ضرورت مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان تنها راه رهائی

این حقیقت از آنجا ناشی میشود که امریکا دوام و بقاء خود را در مبارزه چپاول حلقها می‌بیند . پس طبیعی است که هر جا هم با مخالفت و آزادیخواهی مردم روبرو شود ، از حنایت و سرکوب و وحشیگری خودداری نکند . مدافع اکثریت رژیم‌های دیکتاتوری ضد خلقی و فاسد است . همچنین تمام حنگهای تجاوزکارانه و امپریالیستی ، همه کودتاهای ضدانقلابی ، فتنه‌گریها ، آشوبها و جنایاتی که هر روز در گوشه و کنار ناهنجم ، مستقیم یا غیر مستقیم بوسیله آمریکا طرح‌ریزی و پیاده می‌شود . درست به این دلیل هر جنبش انقلابی و خلقی قلب آمریکا را نشانه می‌رود ، و شریانهای حیاتی او را قطع می‌کند ، و راه را بر گلوگاه‌هایش می‌بندد . و در یک کلام تا آنجا که به رسالت یک انقلاب خلقی و ضدامپریالیستی مربوط میشود : کلیه نیروها را در جهت مبارزه ردی به سلطه ، منافع و بالاخره موجودیت امپریالیسم بسیج می‌کند . و این انقلاب مستمری است که با نابودی کامل نظام صدستمری مرور ادامه خواهد داشت .

به بیان دیگر از آنجا که در مقطع کنونی تاریخ ، تضاد اصلی حاکم بر جامعه بشری ، تضاد بین خلق‌ها و امپریالیسم است ، نیروها ، احزاب و رژیم‌ها بایستی در اردوی خلقها و همراه آنان با امپریالیسم جهانی (بسرکردگی امریکا) در نبرد و ستیز باشند ، وگرنه احزاب ، گروه‌ها و امپریالیسم و به موضع ضدیت با خلقها سقوط می‌کند !!

ملاک حمایت سیاستهای سیاسی در دوران ما

با توجه به توضیحات فوق اهمیت نوع برخورد با آمریکا (این پرچمدار جهانخواران) را درمی‌یابیم . و به حق باید گفت که چگونگی این رابطه به بهترین وجه بیانگر درجه اصالت یک انقلاب و بطور کلی ، هر سیستم و جریان سیاسی است . بعبارت دیگر هر جریان و سیستم سیاسی که بهتر بتواند با امپریالیسم مبارزه کند و به منابع و موجودیت آن شدیدتر ضربه وارد نماید ، از حقانیت ، ترقیخواهی و دینامیسم بیشتری برخوردار است . و برعکس هر نظامی که در جهت سازش و به اصطلاح تفاهم و دوستی با آن گام بردارد ، عناصر ارتجاعی و کهنگی ذاتی خود را آشکار می‌کند . و خبر از پوسیدگی و میرائی خود می‌دهد . این هم روشن است که وقتی جریانی پویائی و زندگی سیاسی خود را از دست داده باشد دیگر نمیتوان از پویائی و دینامیسم ایدئولوژیک و مکتبی او سخنی بمیان آورد .

برخورد نیروهای خلقی ایران با امریکا (در سالهای سکوت)

در جریان انقلاب اخیر ، خلق ما هر روز با پوست و استخوان دشمنی ها و ضربات آمریکا را درک می‌کرد . و به همین جهت شعله‌های خشم و کینه‌اش علیه این دشمن فروزان‌تر می‌گشت . و بی تردید هرچه روند انقلاب طولانی‌تر می‌شد ، لیه تیز آن نیز بیشتر متوجه امریکا می‌گشت . و بدنبال ترتیب از اصالت و عمق بیشتری برخوردار می‌شد .

بدیهی است که برای سازمان‌های انقلابی که از چندین سال پیشتر دست به نبردی قهرآمیز و سلحانه علیه رژیم و حامیان امپریالیستش زده بودند ، موضع رابطه با آمریکا بطور عینی و علمی روشن بود . حتی بسیاری از عملیات انقلابی مستقیماً بر علیه آمریکایی‌های جنایتکار بود . من باب مثال : ترور ژنرال پراپس ، برهنگ هاوکینز و بطور کلی سنت انقلابی اعدام جلادان آمریکایی و انفجار تاسیات امریکائی که مبتکر و محرک آن هم عمده مجاهدین خلق بودند ، از اعتبارات جنبش انقلابی ایران در سال‌های سکوت و خفقان محسوب می‌شود .

خلق ایران دشمن اصلی خود را بازمی‌شناسد

اما طی دو سال اخیر دشمنی آمریکا میرفت تا برای تمامی خلق ایران آشکار گردد . کما اینکه هرروز که به وحشیگری شاه خائن افزوده می‌شد ، حمایت اربابان آمریکائی‌اش هم غلیظتر میگشت . تا آنجا که بدنبال بزرگترین قتل‌عامهای رژیم دست نشانده (۱۷ شهریور ، حکومت نظامی ، دولت نظامی) ، آمریکا سرهما" مراتب پشتیبانی خود را از بازگرداندن نظم و قدرت به شاه خائن ابلاغ میکرد . اما مهمتر اینکه خلق ما به عینه می‌دید ، این توپ و تانک و هواپیما و مسلسل و تفنگ آمریکایی است که بدست شاه مزدور همه هستی او را بسهدیه می‌کند . و هر روز خون دهها و صدها نفر را با رگبار گلوله این سمبل بوسیله گلوله‌های و مزدوران آمریکائی بر زمین ریخته می‌شود .

این حمایت‌های مادی و معنوی از رژیم شاه ، و در واقع از منافع خود آمریکائی‌ها ، نمی‌توانست از دید مردم ما پوشیده بماند . در نتیجه در همان شرایط ، نبرد مردم برای سرنوشت خود اجتناب‌ناپذیر می‌شد (البته در صورتی که آمریکا بر حفظ شاه پافشاری می‌کرد) .

اما آمریکا علیرغم همه کوته‌بینی‌هایش که ناشی نظام تاملاته و رو به افزایش می‌باشد ، این حقیقت را بخوبی درک می‌کرد که دیگر شاه نه تنها حافظ منافع او نیست ، بلکه بصورت یک تهدید جدی درآمده است . و آتش خشم مردم ایران دیگر به شاه هم ختم نمی‌شود ، بلکه هستی ارباب او را هم خواهد سوخت !! لذا بایستی شاه را قربانی کرد .

موضع تردیدآمیز جناحهای حاکم در قبال امریکا :

بعد از سقوط رژیم شاه ، مردم ما بیشترین آگاهی و آمادگی را برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی داشتند . و کرسی انقلاب و جود آنها را قوت و تحرک می‌بخشد ، تا بقول خودشان " بعد از شاه نوبت امریکا " را تحقق بخشند . در مقابل این قاطعیت مردم متاسفانه سیاست و موضع دولت و دیگر جناحهای حاکم در برخورد با آمریکا مشخص و واحد نبود . مثلاً " در موارد متعددی امام خمینی با تاکید بر ضرورت ادامه انقلاب و محو کلیه آثار و عوامل استعمار ، و اینکه " ما چه سازی به رابطه با آمریکا داریم " ، " آمریکا محتاج رابطه با ما است " ، " آمریکا از رابطه با ما سود می‌برد " ، و از این قبیل تمایل و جهت خود را ابراز نموده‌اند . اما از سوی دیگر مقامات و دیگر جناحهای حاکم هرگز با صراحت و قاطعیت بر ضرورت مبارزه ضدامپریالیستی (که طبعاً " قبل از همه دامن آمریکا را خواهد گرفت) ، انگشت نگذاشته اند . برعکس گاهی با جملات دوپهلو ، ریائی یا دلخوشی ، از در تفاهم و دوستی درآمده‌اند . در مواردی صحبت از لغو یک قرارداد ، یا تثبیت " قراردادهای بقید کرده‌اند . بعضی اوقات بر اجتناب ناپذیربودن روابط حتی در زمینه‌های بستناری ، تسلیحاتی و . . . به آمریکا تاکید نموده‌اند . مثلاً " در روزنامه ۵۸/۴/۹ پندگان چنین می‌خوانیم :

" سختگوی دولت ایران ، عباس امیرانتظام ، دعوت دولت از چند متخصص و تکنسین آمریکایی برای تعمیر و نگهداری وسائل خریداری شده از آمریکا و رژیم سابق را تایید کرد . "

" این متخصصان عمدتاً " در زمینه ابزار الکترونیک و رادار متخصص‌اند ، که

بقیه از صفحه ۶

آیا اساساً نمی‌شد انتخاباتی داشته باشیم که فاقد این اشکالات باشد!

بقیه از صفحه ۱

این طرز تفکر در اساس فاقد برنامه‌ای سیاسی برای تغییر جامعه میباشد . و تنها کار فرهنگی دراز مدتی را میتواند ارائه کند که در نهایت به آگاهی مردم منجر میگردد . افرادی که از این دیدگاه به مسأله برخورد کرده‌اند یقیناً موضعی غیر فعال در جریان انتخابات داشته‌اند ، منظور از موضع غیر فعال شرکت کردن یا نکردن نیست ، بلکه اساساً این افراد از کنار این موضوع گذشته‌اند .

عده‌ای دیگر ناآگاهی مردم را نادیده گرفته ، وهمه موارد اشکالات و انتقادات را مستقیماً " به مسئولین مملکتی و حزب حاکم بر میگردانند . اشکال این برخورد در این است که به ریشه و چگونگی انجام تقلبات نمیتوان رسید . راه‌حل صحیحی نیز برای مبارزه دراز مدت و کوتاه‌مدت با این نارسائیها نمیتوان ارائه داد . در نتیجه صاحبان این نظرگاه به برخوردهای عصبی و گاه برخورد متقابل با مرتجعین و امثالهم خواهند پرداخت ، و چون بهر حال مسأله‌ای را نمیتوانند حل کنند ، به بایس و بدبینی کشیده خواهند شد .

نقش عدم آگاهی و بهره‌گیری حزب حاکم :

ولی در بررسی واقع‌گرایانه ، موضوع بشکل دیگری بررسی میشود . درست است که عدم آگاهی مردم " مبنای " تقلبات و جو غیر دموکراتیک انتخابات میباشد . یعنی درست است که مردم اگر به حقوق واقعی یکانسان در جامعه آزاد و مردمی آگاه بودند ، هرگز اجازه این سوءاستفاده‌های وسیع را نمیدادند ، بلکه فرد فرد مردم خود یک بازرس و ضابط برای رعایت حقوق اجتماع میگشتند . ولی عدم آگاهی خلقی که سالها در زیر یوغ استبداد پهلوی کمرش خرد گشته است و حالا تمامی اعتماد خود را نثار میکند ، این اجازه را به قدرت و حزب حاکم نمیدهد تا به هر وسیله‌ای و در هرجهتی از اعتماد و عدم آگاهی او استفاده کند . به عبارت دیگر عدم آگاهی توده‌های مردم علت بلاواسطه و مستقیم نارسائیها و تقلبات و سوءاستفاده‌های انتخاباتی نیست ، بلکه اگر حزب و قدرت حاکم را بعنوان " شرط " حرکت اجتماع تلقی کنیم ، آنوقت تا آنجا که به سیستم اداره " انتخابات مربوط میشود ، تمامی اشکالات و انتقادات و سوءاستفاده‌ها به همان قدرت و حزب حاکم بر میگردد . اگر بیش از این گناه سوءاستفاده‌ها و تقلبات را به گردن ناآگاهی مردم بیندازیم آنوقت هرکاری و حتی هرگونه خیانتی توجیه‌پذیر خواهد بود . بعنوان مثال اگر کودک خردسالی را بهاین علت که قدرت دفاع ندارد گرگ خورد ، آیا گرگ را نخواهند کشت ؟ و یا بطور مثال اگر درخانه‌ای بازبود و دزدی خانه را بتاراج برد ، ممکن است صاحب خانه را سرزنش کنند ، ولی دزد را نیز یقیناً " به کیفر گناهش خواهند رساند .

در رابطه با انتخابات هم سؤال این است که آیا تمام تقلبات و سوءاستفاده‌ها و . . . اجباری بود ؟ یعنی سیستم حاکم نتوانست بگونه‌ای عمل کند که جریان انتخابات بصورت یک جریان سالم و سازنده و همچنین رشددهنده آگاهی مردم درآید ؟

در این مقاله در صدد علت این موضوع نیستیم که آیا این سیستم حاکم میتوانست انتخاباتی سالمتر از این برگزار کند یا نه ، و تا چه حد این رفتار مثلاً از ماهیت حزب حاکم میجوشد ، بلکه می‌خواهیم بگوئیم بر مبنای همین حد از آگاهی مردم چه کارهائی میشد کرد ، تا انتخابات این چنین از آب در نیاید . درجهٔ مردمی بودن شیوه‌هائی که یک سیستم برای اداره اجتماع بکار می‌گیرد ، بیانگر مشروعیت و حقانیت آن سیستم میباشد .

یک جریان انقلابی با انتخابات چگونه برخورد میکرد؟

برای برگزاری یک انتخابات بالنسبه سالم میتوانست کارهای زیر انجام گیرد :

۱ ـ فاصله اعلام انتخابات تا روز رأی‌گیری بیشتر میشد ، تا امکان آموزش مردم در این مدت فراهم شود .

۲ ـ وزارت کشور ضوابط انتخابات را به رادیو و تلویزیون میداد ، و از آنها میخواست تا طی برنامه‌هائی آنها را آموزش دهند . مثلاً " درجریان انتخابات عموم مردم حتی نمیدانستند کاندیداتها در روز انتخابات ممنوع است .

۳ ـ حدود آزادی‌ها مرتباً " بمردم تأکید میشد ، تا اگر عده‌ای بوسترو پلاکارت دیگران را پاره میکنند ، ومیگویند آزادی است ، مردم بگونه‌ای درون جوش مانع این کار شوند .

۴ ـ رسماً " اعلام میشد که نیروهای نظامی و شبه‌نظامی حق دخالت نظامی به نفع هیچ گروه و حزبی را ندارند . درنتیجه برخوردهائی بین پاسداران و افراد کمیته‌ها از یکطرف و مردم از طرف دیگر پیش نمی‌آمد .

۵ ـ از کاندیداها خواسته میشد و امکانات رادیو تلویزیون کافی در اختیار آنها قرار میگرفت ، تا برنامه‌ها و نقطه نظرات خودشان را بگویند . باین طریق کمکی به انتخاب آگاهانه و آزادانه مردم میشد . در جریان این انتخابات تعداد معدودی از کاندیداها نقطه نظرهای خودشان را بیان کردند ، آنهم فقط با استفاده از امکانات مردمی ، حزب برنده هم برنامه‌ای ارائه نداد .

۶ ـ برای مردم تشریح میشد که همانطور که همه مردم امام را پذیرفتند ، متقابلاً " امام هم متعلق به هیچ فرد یا حزب یا دسته خصوصی نیستند ، بنابر این سوءاستفاده از جاذبه مردمی امام ممنوع است . این کار را آگاهانه نمیکردند . فقط برای آنکه بعدها مسأله‌ای پیش نیاید ، روز انتخابات و موقعی که کار از کار گذشته بود ، رادیو چندین مرتبه اعلام کرد . اما درحوزه‌های رأی‌گیری آنها که باید به کار خود پایان دادند .

ممکن است اینطور بنظر آید که در شرایط کنونی جامعه ما انتخاباتی با توضیحات فوق امکان ندارد . اگر در این نظر قاطع باشیم باین معنی است که حضور بنیادی امپریالیسم و ارتجاع وابسته آن مانع تحقق آزادی اراده ملت میباشد و بایستی فعلاً " مبارزه ضدامپریالیستی را ادامه داد . و تدوین قانون اساسی مردمی در این شرایط امکانپذیر نیست .

آیا ضعف آگاهی مردم علت نارسائیهای انتخاباتی است؟

مجلس بررسی قانون اساسی براستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است ؟

بقیه از صفحه ۱

انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است . مجلس که طبعاً " خود اعتبارش است چنانکه بایدبه حمایت بیشتر خواسته‌های توده انقلابی مسلمان درچهارچوب تدوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد .

حضرت امام :

استدعا داریم کسانی نظر ما پندکه اعضاء کنندگان سامانه‌ما مرکه بغایت درجه به سرنوشت‌وبینشت انقلاب و مکتب و شخص خودشما عشق میورزند را این مطالب خدای ناکرده قصدکنار کشتنی وتلاشی چوبی دربرابر عدم انتخاب خوددارند . غیر سوابق مبارزاتی درحال تک تک مبارزگرهای ما آنچنان سر همگان روشن است که دامن جمیع آنها را آزمشاکسه مقام بهرستانه منزه میسازد . مخصوص که ما فرد فرد آنها را با حداکثر اجبار و اکراه به چنین نامزدی که از پیش بی نتیجه بودن آن روشن بود وادار نمودیم . علیهذا این شبها وتنها معالج مکتب و انقلاب وخلق ورهبری است که ما را به نوشتن این سطور کشانیده است .

از این رو وظیفه خود دیدیم که مهمترین اصول و مواضعی را که بایستی درقانون اساسی آینده گنجانیده شود (ودر برنامه جداقل همه گروههای اعضاء کننده حاضر ارمدتها پیش عنوان شده است) تحت سوارذیل با اطلاع آن حضرت برسانیم . باشد که تحت رهبری وارشادات وسفارشات خودشما قانون اساسی داشته باشیم که مردم بویژه جوانان انقلابی بتمام وکمال از آن استقبال نموده واسباب سر بلندی همه وبخصوص شخص شما در سرا برخدا وخلق ونسلهای آینده باشد .

۱ ـ تأکید وتصریح بر محتوای صدا شیدادی وقید استعماری جمهوری اسلامی که یا رها مورد تأکید آن حضرت قرار گرفته وطبعاً رامکشای حصول به جامعه‌ای فارغ ازهرگونه بهره کشی واستثمار خواهد بود .

۲ ـ فرم حکومتی دولت اسلامی نظام شورایی است شوراها درتمامی دوایر وقسمتهای مملکت بایستی عهده‌دار مسئولیتهای مختلف گردند . برهمین اساس امور داخلی هر منطقه بایستی بدون هیچ محدودیت تماماً بوسیله شوراهای محلی مردمی همان منطقه وناحیه اداره شده واختیارات محلی غیر زیر نظر وبه تائید شوراهای محلی باشد .

۳ ـ میدان ارزش وحق بهره‌وری وتصرف درنظام جمهوری اسلامی تنها وتنها کار است و لا غیر .

۴ ـ زمین ومحصول از آن کسی است که کار کرده وکشته است .

۵ ـ کارگران ودهقانان ایران ازهرگونه مالیات و پرداخت دولتی معاف بوده واز بیمه وبیداشت وتحصیل رایگان بهره‌مند بایدباشند .

۶ ـ زنان به لحاظ سیاسی واقتصادی با مردان متساوی‌الحقوقند .

۷ ـ تا سرقیام مسلحانه آزادی همه احزاب ، جمعیتها و مطبوعات کاملاً تأمین ومحاکمات اختصاصی آنها درحضور هیأت منصفه انجام میشود . کما اینکه بهر نحو وتحت هرعنوان مخل آزادی های سربرو باشند باید کیفر سیدند .

۸ ـ هرنوع تکفیر به هر اسم وبهر عنوان مطلقاً ممنوع است .

۹ ـ جزدرمورد جرائم شغلی ویژه نظامی ارتشیان ، هرگونه دادرسی درپیشه دادگستری است وصلاحیت قضائیه راهیچ چیز دیگر محدود نخواهد ساخت .

۱۰ ـ حقوق حقه ملیتها مبنی برتعیین وادارهٔ امور داخلی خود درچهارچوب وحدت وتمامیت جغرافیائی جمهوری اسلامی محفوظ واز جهت به آنها آماده خواهد شد .

۱۱ ـ ارتش ما یک ارتش اسلامی ، مردمی ، ضدامپریالیست وضدا استعمار باید باشد که درخدمت دفاع از انقلاب وحقوق مستضعفان بوده ودردرون مرزهای ایران از هرگونه درگیری ممنوع شود . ارتش مستقل وملی که ما رای زهر گونه وابستگی به قدرتهای خارجی بوده ومستشاران امپریالیست را هرگز بخود راه ندهد . واز این طریق به سمت ارتش اساساً اسلامی که داوطلبی میان هر حرکت بیاید .

۱۲ ـ ژاندارمری و شهربانی دریک دیگر ادغام شده و بعنوان ضابط عدلیه تحت اختیار وفرمانبرداری دادگستری قرار گیرند . درمورد فرهنگ ، سیاست خارجی ، دفاع ازحقوق کارگران ، رادیو وتلویزیون و محافظت ازحقوق ملت وبازار ملی نیز هریک ازگروههای اعضاء کننده نقطه نظرهای مشخصی دارند که انشاء الله حضور او معروض خواهد گردید .

حضرت آیت اله :

مجدداً امیدواریم با رعایت این نقطه نظرهای اسلامی و مردمی قانون اساسی ما شامل حداقلهای لازم گردیده ، واسباب سربلندی وروسفیدی دربرابر تمام جهانیان ونسلهای آینده باشد . چراکه ما سیاه دهه شهدای گلگون کفن این سمبل همیشگونه خدشه‌ای را به حرمت اسلام و حیثیت رهبری خوش نداریم . به همین دلیل خودرا موظف دیدیم که هیچ حقیقت اساسی را در مقابل شما کتمان نکنیم منجمله سرسختترین مسأله کنونی سیاست کشور مسأله ملیتها ومناطق کردستان ، گنبد ، بلوچستان و خوزستان است که متأسفانه تا کنون کمتر درایت وکفایتی در دستگاههای مسئول رسیدگی به این قضایا دیده‌ایم . بحدی که دیرنیست با دخالت ارتش یک فاجعه ملی وجنگ داخلی سر بگیرد حال اینکه به شهادت تمام تاریخ این مسائل هیچگاه با دخالت ارتش وسفید خورسرکوبی قابل حل نیست . وانگهی کدام ارتش است که در عین خوشریزی وکشتار مردم بی پناه با زهم از مشروعیت برخوردار باشد . حال اینکه اگر ما یک دیدگاه واقع گرایانه مردمی و انقلابی و اسلامی ، مسئله ملیتها نگریسته شود ، مشکل را میتوان بدون کمترین دخالت ارتش وقوای قهریه به جانب حق سوق داد . راه حل در قالب تمامیت ارضی عده‌ئی پذیر جمهوری اسلامی وعاری از هرصفه تجزیه طلبانه که بی تردید تمام نیروهای انقلابی نیز در مسیر آن بهرگونه کمک و همکاری آمادگی خواهند داشت .

با احترام

جنبش جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (ما ما) جنبش مسلمانان مبارز سازمان اسلامی شورا (سا ش و سا ز سازمان مجاهدین خلق ایران

www.iran-archive.com

نقش امپریالیزم در روستاها

درحاشیه اردوهای آموزشی ـ عمرانی سازمان جوانان

در شماره‌های قبل گزارشهائی از اردوهای عمرانی ـ آموزشی سازمان جوانان در روستاها داشتیم و امیدواریم که سیاسیون در آینده نیز جوانندگان عزیز را در جریان کار دیگر اردوهایمان قرار دهیم .

در این رابطه آنچه ما را بر آن داشت تا به طرح موضوع فعلی بپردازیم ، پاسخ به این سئوال است که ریشه این همه نابسامانی در روستاها و اینهمه فشار و بدبختی چیست ؟ این سئوالی است که بسادگی در یک گذار ساده از اوضاع روستاها به آن برمی‌خوریم . و ما در کنار گزارشهای فوق خود را ملزم دیدیم که به بررسی این مساله نیز بپردازیم . در هفته‌نامه گذشته هم این مساله را با سئوال دیگری کامل کردیم . " آیا امکان دارد که سیاسیون بر مشکلات عظیم روستاها بپردازیم ؟ از چه طریقی ؟ " جواب این سئوالات را هنگامی درخواهیم یافت که هرچه بیشتر به ماهیت و عملکرد امپریالیزم ، این دشمن اصلی تمام خلقهای جهان پی ببریم . و درک کنیم که برای حیات خود چگونه به غارت و استثمار توده‌های مردم در کشورهای جهان سوم می‌پردازد و بالطبع روستاهای میهن ما که منبع بیکرانی از نیروی انسانی و مواد طبیعی است . از اولین هدفهای این تجاوز بوده و هست . برای روشن‌ترشدن مطلب لازم است به بررسی سابقه تاریخی مساله در ایران بپردازیم . اکنون بررسی خود را از قبل از سال ۴۲ آغاز می‌کنیم .

آمپریالیزم انگلیس بوسیله اربابها روستائیان را مورد بهره‌کشی قرار میداد

ویژگی این دوره تاریخی حاکمیت فئودالها و زمینداران بزرگ و در راس آنها دربار و شاه حائز بود . ایران با حاکمیت ملاها مواجه نبود ، از هیچگونه حمایت ، فردی ، چپاول و زورگوئی ابائی نداشتند . اربابان معتقد بودند که باید با رعیت چوپان یک پرده رفتار کرد . و او را از اولین و ابتدائی‌ترین امکانات زیستی از قبیل حمام ، مدرسه و ... محروم ساخت . و در صورت سرکشی ، او را به زندان انداخت . شکنجه کرد ، تا او مانند برای مطیع و رام فقط برای ارباب خود سودآور باشد . تنها ارباب این بود که اگر کشاورز جان بگیرد دیگر اطاعت نمی‌کند !

در همانحال فئودالهای درباری ، این نوکران دست به سینه امپریالیزم انگلیس ، با بهره‌برداری از امکاناتی که ثمره خون و رنج هزاران روستائی بود . به زندگی اشرافی و مجلل خود در شهرها و یا حتی خارج از کشور مشغول بودند و دستورات شیطانی و صدائیسم خود را از طریق مباشرین و معاونین به اجرا در می‌آوردند . وحتی بخش قابل توجهی از سهم رعیت را بعناوین مختلف بنفع مالک می‌گرفتند . در حالیکه سهم رعیت بسیار ناچیز و ناکافی تعیین شده بود . به لحاظ سیاسی ، ریشه ناپاک فئودالیزم بر کلیه ارگانهای مملکت گسترده شده بود . مجلس بطور عمده در دست مالکین بود ، و آنها با برگزاری انتخاباتی که فقط نامی از انتخابات داشت ، و در حقیقت رایهای از قبل مشخص شده به صندوق ریخته می‌شد ، در مجلس حاضر اکثریت بودند . آوردن روستائیان با ارعاب و تهدید به پای صندوق انتخابات ، از عادی‌ترین کارهائی بود که انجام می‌گرفت . شاه و دربار نیز وابسته به سیستم فئودالیزم حاکم بر ایران بودند . و مجریان بی‌ادعای دستورات ارباب بزرگ خود امپریالیزم انگلیس بشمار میرفتند . و طبیعی بود که مورد تائید و حمایت ارباب هم باشند .

امپریالیزم روش جدید بهره‌کشی از روستائیان را به شاه خائن می‌آموزد

در اوایل دهه ۴۰ فقر و فشار بیش از اندازه به روستائیان ، روستاهای ایران را آماده انفجار عظیمی کرده بود . و هر آن امکان انقلاب عظیم روستائی در ایران میرفت . از طرف دیگر امپریالیزم تازه‌نفس آمریکا تلاش داشت که با رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران نفوذ خود را در کشور ما توسعه دهد و جای انگلیسیان را بگیرد .

آمریکا با تجربه‌اندوزی از انقلابات چین و کوبا بیش از پیش تلاش می‌کرد . با اجرای طرحهائی چون اصلاحات ارضی تضادهای حاصله در جامعه روستائی ایران را تخفیف بخشد . ولی در این راه موانع انگلیس مانع اجرای این طرح بود . و مهمتر آنکه شاه و دربار نیز وابسته به انگلیس و فئودالها بودند . مبارزات آزادی‌خواهانه مردم در این سالها شاه خائن را بوحشت انداخت . او درصدد جلب نظر آمریکا برآمد تا با کمک و حمایت آن جنبش مردم را سرکوب کند . سرانجام بعد از سفر شاه در سال ۴۰ به آمریکا و انگلیس ، یک توافق جدید صورت تحقق گرفت . و شاه اجرای طرح آمریکائی اصلاحات ارضی را دراین راه همکاری اعلام ، فئودال بزرگ و غلام حلقه بگوش خود ، بعهده گرفت . از این پس فصل جدیدی در تاریخ روستائی ایران آغاز شد .

مضمون اساسی تحولات آمریکائی و رفرمی که در دهه ۴۰ انجام گرفت عبارت بود از . جلوگیری از ظهور جنبش رهائی‌بخش انقلابی . و استثمار هرچه بیشتر روستاها توسط بورژوازی وابسته به امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا .

وجود مناسبات تولیدی فئودالی ، که در آن اکثریت توده‌های مردم تحت تسلط یک اقتصاد بسته و خودکفا قرار داشتند ، جائی برای رشد سرمایه داری وابسته باقی نمی‌گذاشت . چرا که سرمایه داری وابسته نیاز به بازارهای مصرف و در نتیجه آب کردن کالاهای امپریالیستها دارد . و هم چنین موقعیت استوار نزدیک ایران که در منطقه حیاتی خلیج قرار گرفته ، و ذخائر نفتی بیکرانی دارد و در معادلات جهانی قدرت ، مهره ارزشمندی است . و باعث میشود که هرتحول انقلابی در آن ، معادلات جهانی را شدیداً بهم بزند . مجموعه این شرایط منجر به اجرای یک رفرم ارضی البته با محتوای ضدخلقی و ـ ارتجاعی شد . نقش استثمارگر آمریکا وقتی روشن‌تر می‌شود که هرگونه کمک به ایران را منوط به اجرای رفرم ارضی نموده بود . به بیان این باصطلاح اصلاحات ، زمین‌داران نه تنها ضرر ندیدند ، بلکه با خرید سهام کارخانه‌ها در کنوت سرمایه‌داران ، دست خود را در استثمار و غارت خلق بازتر یافتند .

با رفرم ارضی روابط فئودالی تصفیه گردید ، و چسبه مسلط خود را از دست داد . ولی نه تنها اوضاع و احوال روستائیان بهتر نشد ، بلکه به لحاظ کشاورزی وضع بسیار وخیم‌تری پیدا کرد . و بدلیل نبودن امکانات کشاورزی و صرف کردن کشت و کار ، تورم و گرانی ، نیروی کار روستاها مجبور به گریختن از روستاها و هجوم به شهرها میشود . و در شهرها به حمل بیکاران آشکار و پنهان می‌پیوندند . بطوری که می‌سهم پس از گذشت حدود ۱۵ سال ایران بصورت یکی از عمده‌ترین وارد کنندگان مواد غذائی و کشاورزی درمی‌آید .

سرمحال بعد از رفرم ، استثمار غیر مستقیم سرمایه‌داری جای استثمار شناخته شده فئودالی را گرفت . و روستائیان می‌دیدند که سایه ارباب از سرشان برداشته شده ، و صاحب زمین شده‌اند ، ولی هم چنان محروم و گرسنه‌اند مساله به اینجا هم ختم نمی‌شد . بلکه بعد از رفرم ، سرمایه‌داری وابسته شروع به بردن کالاهای صنعتی به روستاها نمود ، و به اشاعه فرهنگ مصرفی در روستاها پرداخت . و این خود باعث از دست رفتن درآمد ناچیز آنها و یا حتی وام‌هائی گشت که در واقع از طرف بانک به آنها تحمیل شده بود .

فشار در روستاها به نهایت میرسد

رژیم برای تکمیل این استثمار دست به تشکیل شرکتهای تعاونی زد . شرکتهای تعاونی درواقع جای کمک ارباب به روستائی را گرفتند . در اکثیر موارد خرده‌مالکان ، مرفه‌ترین روستائیان و مقربان سابق درگاه مالک در هیات مدیره شرکت تعاونی و نیز انجمن ده عضویت دارند . خوش‌نشینها و فقیرترین قشر روستائی که فاقد زمین زراعی هستند ، از عضویت در شرکت تعاونی محرومند . و باید نان بخور و نمیری را بشکل کارگر روزمزد کشاورزی در بخشی ارسال بدست آورند . از آنجائیکه اکثر کشاورزان نمی‌توانند وام خود را به شرکت بپردازند ، یعنی فاقد قدرت پرداخت هستند ، روانه زندانها می‌شوند . یا اینکه تمام دار و ندار خود را فروخته و وام خود را می‌دهند . و از شدت فشار روانه شهرها شده ، بوشکل کارگر روزمزد استثمار می‌شوند . طی سئوالات متعددی که از روستائیان کرده‌ایم ، وقتی در رابطه با نهادهای رژیم گذشته مثلاً با سازمان عمران روستائی و دستگاههای دولتی گرفته‌اند ، اکثراً " بارضایتی خود را از همکاری با آنها ابراز کرده‌اند . مثلاً " یک مرد کشاورز ۴۰ ساله که سالها کشاورزی کرده است ، شفاهاً بطور روزمزد ۱۰ تومان از سازمان عمران مزد می‌گرفت اما روزهائیکه کار نداشت مستمری نمی‌گرفت .

آن مرد روستایی اظهار می‌داشت ، سازمان عمران سهم زمینی را برای کشت بذر کیلویی ۱۰ ریال با ما حساب می‌کرد ولی در موقع برداشت از این کلیه سبزمینی‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ فقط درجه یک را برمی‌داشت و کیلویی ۳ ریال به ما پول می‌داد . تازه وقتی حساب می‌کنیم می‌بینیم پول برداشت ما برابر است با پول بذر سهم زمینی که کاشته‌ایم ، و باید مخارج کود و سم و غیره را از جیب خود به عمران بپردازیم . یعنی یک مقداری سیز بدهکار می‌شویم . ضمناً می‌گفت که ما رادیو را گوش می‌کنیم و برنامه دهقان را می‌شنویم آنها دهقان را مسخره می‌گردند و هی می‌گفتند . رعیت آزاد شده ، کجا رعیت آزاد شده؟ و . . .

جهانخواران بین‌المللی در روستاها خودرا نشان میدهند ،

رژیم آریامهری به اینجا هم بسنده نمی‌کند و دست سرمایه‌داران داخلی و خارجی را در بهره‌برداری از این جوان بیمار باز می‌گذارد . این سرمایه‌داران ، شرکتهای کشت و صنعت تاسیس میکنند ، که مهمترین و حاصلخیزترین زمینهای کشاورزی را باقیمت بسیار پائین ، و در موارد زیادی با ارعاب و تهدید می‌خرند . و به کشت محصولاتی میپردازند که مصرف داخلی ندارد . (به عنوان مثال مارچوبه) . و دهقانان بیکار شده را روی این زمینها به عنوان کارگر با حداقل مزد مشغول کار می‌کنند . و در نتیجه ثروت بیکرانی میهن ما و دسترنج کار برادران و خواهران روستائی ما را به جیب سرمایه‌داران جهانی و امپریالیستهای جهانخوار سرازیر می‌کنند . نمونه آن صدها و هزاران هکتار از بهترین زمینهای کشاورزی رپر سد دور است که در واقع تبول سرمایه داران آمریکائی است .

این است ره‌آورد امپریالیسم برای روستاهای ما . و این است که می‌بینیم در کشوری که روزانه دهها میلیون دلار روانه خرابه امپریالیستها و سرمایه‌داران داخلی و خارجی می‌کند ، درآمد سرانه روزانه در بسیاری از روستاهایش ۲ الی ۸ ریال است . یعنی یک روستائی با این مقدار درآمد باید بخوراک ، لباس و همه چیز خود را تامین نماید و خانواده‌اش را هم ارضاء نماید و . . . حال چه انتظاری از اوضاع روستاها داریم ؟ آنها همه مسائلی است که در یک سفر به روستاهای اطراف میهن‌مان به سادگی خواهیم دید . اوضاعی که برادران ما در اردوهای عمرانی ـ آموزشی همه‌روزه با آن روبرو هستند .

بار می‌گردیم به این کلام زیبای علی (ع) که : " و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم " .

و . . . خدا از روشنفکران پیمان گرفته است که گرسنگی مظلوم و ستمدیده ظالم را تحمل نکنند و به مبارزه‌ای بی‌امان علیه هرگونه استثمار و ظلم و نابرابری دست برنند .

آیا برای حل این مشکلات راهی به جز یک مبارزه همه‌جانبه در زمینه‌های اقتصادی ـ اجتماعی ـ سیاسی علیه امپریالیسم وجود دارد ؟

به امید محو هرگونه استثمار ونابرابری

پیش بسوی جامعه بی‌طبقه توحیدی

باتمام .

(پاورقی ـ برای اطلاعات بیشتر راجع به اوضاع روستاهای ایران به کتاب " مطالعات روستایی در ایران " نوشته سازمان مجاهدین خلق مراجعه شود .)

بسم الله الرحمن الرحیم

انا انزلناه قرآنا عربیا

بدعوت انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران برادر مجاهد مسعود رجوی .

درشبهای ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ماه رمضان (یکشنبه دوشنبه سه‌شنبه ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ مسرداد)

درساعت ۹ بعدازظهر . تحت عنوان :

حکومت علی و قانون اساسی دولت اسلام

درمسجد دانشگاه تهران ، سخنرانی میکند .

روابط و نهادهای شورائی (قسمت چهارم)

نقش عملی شوراها در بالا بردن کیفیت مبارزه کارگران

دستاورد شوراها در زمینه آگاهی‌های سیاسی ـ ایدئولوژیک کارگران

در شماره‌های قبل پس از بیان ضرورت تشکیل شوراهای کارگران کارخانجات به بررسی اهداف و وظایف شورا پرداختیم .

اکنون بدنبال قسمتهای گذشته ، گوشه‌هایی از دستاوردها و عملکرد شوراها را در کارخانجات از زمان پیروزی انقلاب تا کنون می‌آوریم . تا نقش این نهاد کارگری را در عمل ببینیم . از قدرت کارآیی آن آگاه شویم . از یکطرف بکوشیم تا در گسترش این نهاد در سطح جامعه موثر باشیم . و از طرف دیگر در عین بخشیدن و افزایش کیفیت آن گام برداریم

دستاوردهای اقتصادی و رفاهی شوراها

راه اندازی کارخانه‌ها گامی در افزایش تولید

۱ـ شورای جهان چیت :

در زمینه صنعتی و رفاهی شورای کارخانه جهان‌چیت اقدامات مفیدی انجام داده که نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم

الف . افزایش حقوق کارگران : این افزایش از یکطرف شامل ازدیاد حقوق کارگران جمعاً " به میزان ماهیانه یک میلیون و هشتصد و هشتاد هزار تومان (۱۸۸۰۰۰۰ تومان) شده است که بخشی از آن با جلوگیری از یک‌سری سوءاستفاده‌های مالی به مبلغ ۶۰ هزار تومان و کم کردن مبلغ ۵۲۰ هزار تومان اضافه‌کاری زائد در ماه ، برای اضافه دستمزد فوق ، تامین گردیده است . و از طرف دیگر توزیع دستمزدها میان کارگران حقوق را بنفع کارگران دگرگون نموده است . بدین ترتیب که دارندگان حقوق کم تا ۱۲۰٪ و حقوق متوسط ۳۰٪ و حقوق بیشتر از آن ۱۰٪ به تناسب به دستمزدشان اضافه شده . به کسانیکه حقوق کمی داشتند هیچ اضافه نشده است . حقوقهای بیش از ۲۵۰۰ تومان سر بنفع دیگران تا این حد کاهش داده شده . همچنین از بین بردن تبعیض‌های حقوقی بین افرادی که دارای سابقه کار یکسان و شغل مشترک هستند از دیگر اقدامات شوراست .

ب . تقسیم سود سالیانه : با فرمول جدید استکاری شورا ، و بر خلاف فرمولهای وزارت کار سود سالیانه تقسیم گردید . چون با فرمول وزارت کار عده‌ای از کارگران پس از حسابرسی بدهکار هم می‌شدند .

ج . پرداخت حقوق از دست رفته کارگران زن ، مانند حق اولاد . که در مواردی حتی بمدت ۱۹ سال پرداخت نشده بود . و تصویب پرداخت حقوق کامل برای ایام تعطیلی و مرخصی .

د . تقسیم عادلانه کار متناسب با نیروی جسمانی کارگران در حد متعادل ، و استخدام ۱۲۰ نفر از کارگرانی که بجرم دفاع از حقوق کارگران اخراج شده‌بودند . جالب اینکه با توجه به اینهمه دگرگونی سریع تولید نسبت به گذشته بیش از ۵۰٪ افزایش یافته است .

هـ . نظارت بر امور داخلی کارخانه و شروع به اقدام برای ساختن تعداد ۳۰۰ دستگاه خانه کارگری از دیگر کارهای شورا می‌باشد .

۲ـ شورای سیمان تهران ـ شمال

الف . از طریق کمیته فنی شورای کارکنان اقدام به راه‌اندازی واحد ۲۰۰۰ تنی جدید شده است . این واحد بعلت جدی نبودن سرپرست مربوطه راه‌نیفتاده بود . البته اشکالات بعدی که ایجاد شده ، راه‌اندازی آنرا عقب انداخته .

ب . رسیدگی شورا بوضع ۱۰۰ تن سیمان در روز که کارگران شاغل میتوانند دریافت دارند . توضیح اینکه ، کارگران در صورت احتیاج می‌توانند مجموعاً " روزی ۱۰۰ تن سیمان بقیمت تجاری خریداری کنند . در صورتیکه قبلاً " از طرف کارخانه با پارتی بازی این مقدار به افراد دیگری تحویل می‌شد .

بعد از این اقدام شورا . سیمیه مربوط بدون دلیل قطع شده است . که شورا در تلاش برای برقراری مجدد آن است . در این کارخانه چنانچه ملاحظه میشود ، تلاشهای ضدکارگری شورا را با مشکلات متعدد مواجه ساخته است .

۳ـ شورای بنزخاور

کارفرما یک نماینده با حق امضاء انتخاب کرده ، ولی شورا وی را نپذیرفته است . در مورد اضافه حقوق ، شورا روش تقسیم اضافه حقوق به نسبت عکس درآمد را جایگزین افزایش یکسان ۲۴۰ تومان به حقوقهای تا ۱۰ هزار تومان کرده است . با این حساب هرکس حقوقش کمتر است اضافه حقوق بیشتری دریافت می‌دارد . موضعی هم که کارفرما می‌خواسته پورسانتاژ را روی حقوق بکشد شورا آنرا رد کرده است .

۴ـ شورای اونیورسال

بین شورای کارگری با کارفرما در کمیته‌ایی پیش آمده بود . برای حل اختلاف طرفین به دفتر آیه‌ا . . طالقانی مراجعه می‌کنند . ایشان ضمن برخورد قاطعی با کارفرما ، مساله اضافه شورا و پرداختن سود ویژه بمبلغ ۶۰۰/۰۰۰ تومان به کارگران تمام می‌کنند .

عملکرد سیاسی ـ اجتماعی شوراهای کارگری

شوراها سنگر مقاومت در برابر جریانات ضدکارگری

۱ـ شورای جهان چیت

شورای جهان چیت در اسفند ماه گذشته با احلال سندیکای فرمایشی تشکیل شد . شورا در اولین فرصت پرونده‌های موجود در دفتر حراست را که رئیس آن سرهنگ پیمنی از ماموران ساواک بود ضبط کرد . از این طریق شورا موفق به شناسائی ارباب و عوامل ساواک در کارخانه شد .

۲ـ شوراهای واسپه به سازمان گسترش صنایع

شوراهای کارکنان ـ کارخانجات وابسته و تابع سازمان موفق به تشکیل یک اتحادیه سراسری شدند . این اتحادیه که در ماه گذشته در تهران تشکیل شد در نوع خود بزرگترین اقدام سیاسی تشکیلاتی کارگران است . در گذشته راجع به اتحادیه و اساسنامه و خط‌مشی آن نوشتیم و به موضوعات مورد بحث در جلسات کنگره اشاره کردیم .

۳ـ سندیکای آزمایش

خشنی‌کردن کارگرمربی‌های کارفرما با امضاگیری وسیع در میان کارگران . با اینکه کارفرما در ابتدا با دعاگیری توانسته بود نظر بعضی کارگران را جلب کند ولی بعد آگاهانه شدن کارگران ، وی مجبور به استعفا می‌شود . پس از استعفا حساب بانکی وی بوسیله نمایندگان کارگران بسته شده ، تا نتواند به سوءاستفاده‌های گذشته ادامه دهد . این سندیکا در عمل در حد یک شورای کارگری توانائی کار دارد .

(بقیه در صفحه ۴)

www.iran-archive.com

ملی کردن سرمایه‌های عناصر وابسته در شهرک اکباتان

تنها راه حلی که شورای اسلامی کارکنان ارائه میدهد:

شهرک اکباتان یکی از بزرگترین پروژه‌های خانه‌سازی است که با سیاستهای جنایتکارانه حسین دایشور آجودان کشوری شاه، وعناصر وابسته به دربار برافراشته است. آنان با غصب زمینهای عمومی در حاشیه کرج و بهره‌کشی شدید از کارگران و چپاول دسترنج مردم محروم جامعه، و استفاده سرشار از وامها و امکانات دولتی در گذشته ساختمانهای شهرک را برافراشتند.

بعد از پیروزی قیام خونین مردم، این وابستگان به دربار سعی داشته و دارند در پناه حمایت برخی از کمیته‌ها و نیروهای بهره‌گیری از برخی عناصر سازشکار، شهرک وده شرکت وابسته به آن مانند الکترولوکس با اختصاص محدود... را مجددا به تصاحب درآورند.

کارکنان هوشیار شهرک با مبارزات مداوم خود این خواب وخیالهای شیرین سرمایه‌داران را آشفته میسازند. آنها که در حدود ۲۷۵۰ نفر میباشند، با تشکیل یک شورای عمومی ۷۸ نفره و شورای هماهنگی مرکزی ۸ نفره از نمایندگان واقعی منتخب خود یکی از فعالترین و متحدترین شوراها را سازمان دهی کرده‌اند.

در اتحاد و همبستگی آنان همین شاهد بس است که تا سال عوامل کارفرما، کمیته سرعلیه آنان ساخته‌اند، و در مقابل مبارزات آنها کاری از پیش نبرده‌اند.

آخر چرا باید بعد از آنهمه جانبازی و شهید دادن، حالا در حکومت جمهوری اسلامی هزاران کارگر ما همچنان با مشکلات بسیاری باشد که عوامل وابسته به دربار سابق بنفع آن خوابیده‌اند؟ چرا شورای واقعی کارکنان شهرک اکنون بایستی در جبهه‌های مختلف با کارفرماهای مزاری، عوامل وطرفداران آنها در سیستم اداری وکمیته در کمین باشند؟ از طرف دیگر کارگران شهرک به زحمت نان شب خود و خانواده‌شان را تامین میکنند، وعلیرغم آن تلاش میکنند تا شهرک از فعالیت بیفتد و به کار خود ادامه دهد. در چنین شرایطی حمایت مقامات رسمی از مالکیت سرمایه‌داران وابسته و فرار شهرک با سایه‌های آنان چه مفهومی میتواند داشته باشد؟

راستی آیا وقت آن نرسیده که با ملی کردن واقعی این قبیل سرمایه‌ها تحت نظارت شوراهای کارکنان و مدیریت دولت به حقوق حقه کارگران رسیدگی شود. وعلاوه بر مصادره ۲۵٪ سهام شرکت بقیه آن نیز ملی گردد.

تا به کی که به امعاء شورای اسلامی کارکنان شهرک اکباتان میباشد، گویاترین دلیل بر ضرورت ملی کردن واقعی تمامی شهرک است.

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگاه ملت ایران و رهبر انقلاب

ما کارکنان شهرک اکباتان در مسیر انقلاب با تلاشهای فراوان از تعطیل شدن شهرک، که از خواسته‌های کارفرمایان ضد انقلابی آن بود، جلوگیری کرده، و به این ترتیب بسیاری از بنگاه‌داران بعد از انقلاب که وابسته وزارت کار بوده بر داشتیم ولی سرمایه‌داران همچنان این شهرک یکی بنام حسین دایشور با ۲۵٪ سهام قبل از انقلاب بسیار خود را بست و فرار کرد، و سهامش ضبط و به دولت مصادره شد، سهامدار دیگر این شهرک سام گلزار را تهدید و حمله و اعمال نفوذ فراوان در صدد برآمد تا سکهائش خود را مدتا تحمیل خود با همبالگیهای خود مجددا حکومت خود را برقرار کنند. ولی بالاخره در مقابل خشم و استقامت کارگران متمدیده ساعت مقاومت سیاورده و فراری گشت. و استفاده از ایادی دیگر خود از ایران خارج شد. وی با نفوذی که داشت برای درخود بیمار گلشنی را وکیل خود کرده و منتظر است تا بگیر و بندهای جنایتکاران تمام شود و حسابات او نیز فراموش شود. آنوقت برای بهره‌وری از سرمایه‌های خود که تیلور خون مستضعفین است با فراغ بال به ایران برگردد.

... در روز ۲ رجانه‌ها جای مصادره اموال گلزار و دستگیری برادر جنایتکارش که شریک جرم او نیز بوده، مالکیت او را مصادره نموده و این کمیته را به قانونی قلمداد میکند. و این در حالی است که ما کارکنان شهرک همه نوع مضیقه را بجان پذیرا شده ایم، تا این پروژه با حداقل هزینه به اتمام برسد، و هر ماه برای حقوقمان کاسه گدائی به دست میگیریم.

آقای گلشنی برادر و موکل گلزار یکی از سهامهای این شرکت را که در شهر آرا واقع است با پرداخت رشوه‌های کلان به کارسازهای وابسته به چندین میلیون تومان میفروشد.

مایه اطلاع رهبر انقلاب و ملت ایران میرسانیم:

در جائیکه به کارگران ما فقط حقوق میدهند، و پول برای تهیه تدارکات نمیرسد، و به این جهت تدارکات ما را پائین است، مصرح شمردن مالکیتهای کذائی خیانت به اسلام و مسلمانان است. فروش اموال شرکت بنفع گلزار حمایت از متجاوزان غاصب است و موجب کم‌کاری کارکنان این شهرک میشود، چون نمیخواهند همراه با غاصبین دیگر آب به آسیاب جنایتکاران بریزند.

لذا ما کارکنان شهرک بنا به مسئولیت ایمانی خود در مقابل امت اسلام و رهبر عزیز خود میفهمیم:

۱ - اموال گلزار بنفع مستضعفین مصادره گردد.

۲ - فروش ساختمان شهرآرا با زپس گرفته شود.

۳ - گلشنی دستگیر و به سزای اعمال خود برسد.

شورای اسلامی کارکنان شهرک اکباتان

۵۸/۵/۱۰

چگونه سرمایه‌داران وابسته، کمیته شهرک را در برابر کارگران قرار میدهند.

با همه اقداماتی که کارکنان و شورای شهرک در رابطه با وزارت خانه‌های مسئول انجام داده‌اند و مبارزاتی که طی چند ماه اخیر با عوامل کارفرما داشتند، تلاشهای فدکارگری از مبارزی گوناگون همچنان ادامه دارد.

مثلا هنوز هم کمیته برای مربه زدن به شوراهای واقعی کارکنان کارشکنی میکند. اکرامی رئیس کمیته سابق کارگران ترک و کرد تبعیض قائل شده و تفرقه میاندازد. از کارگران مبارز رجوئی کرده و یا به نمایندگان شورا تاسزا میگوید.

حتی بخود این اجازه را میدهند که در مقابل خواسته‌های بحق کارکنان تهدید آورده و یا علیک هوائی کنند. گویا نمیدانند که اگر با تهدید مشکلات حل میشدند ما غاز با توپ و تانک حلال همه مشکلات بود.

عدم رسیدگی به خواسته‌های هزاران نفر از کارکنان شهرک طی چند ماه اخیر، و تحریکاتی که علیه آنان و بخصوص برای از هم پاشیدن شوراهای عمومی و هماهنگی میشود، باعث شده، در تاریخ سه شنبه ۵۸/۵/۱۶ شورای مرکزی ضمن اعلام یک حرکت اعتراضی جمعی خواستهای زیر را مطرح سازند.

کارکنان و افراد شهرک اکباتان در روز سه شنبه ۵۸/۵/۱۶ در محوطه شهرک مورد سیاه جمع افراد کمیته مستقر در شهرک قرار گرفته‌اند، و اهانت کلی به اعضاء شورا و نمایندگان قسمتها نموده، و حکم جلب آقای اکبرشاهی عضو شورای شهرک را صادر نموده‌اند.

لذا با توجه به وضع موجود و نداشتن تامین جانی، بیش از چهار هزار نفر کارکنان شهرک مواردچهارگانه زیر را خواستارند:

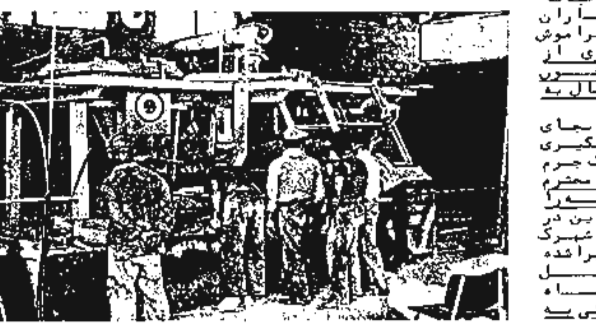

۱ - خروج فوری و بدون قید و شرط مسئول کمیته محمد اکرامی از شهرک بعلت نداشتن صلاحیت.

۲ - تشخیص و شناسائی افراد مهاجم و یا رخواست از ایشان.

۳ - تعقیب قسمت حفاظت و کارگردن این قسمت زیر نظر کمیته انتظامات، منتخب شورای کارکنان شهرک.

۴ - مصونیت داشتن افراد شورا و نمایندگان قسمتها از هر جهت.

حل این مسائل بستگی به رفع نیازهای واقعی کارکنان براساس خواستهای اعلام شده آنان از روزگار گرفته تا حال دارد. بنابراین تا زمانیکه با ملی کردن تمامی شهرک و واگذاری اداره امور آن بعهده شورای کارکنان تحت نظارت دولت عملی نشود، و به نیازهای صنفی و سیاسی کارکنان رسیدگی نگردد، نه تنها مشکلات حل نخواهد شد، بلکه روز بروز افزایش خواهد یافت.

هرگونه تاری اجتماعی روش خاصی دارد، و راه حل روشن مسائل شهرک اکباتان همین است.

ونیز امید است مسئولین شورا با قاطعیت از منافع کارکنان شهرک دفاع کرده و مسئولیتی را که عهده‌دار شده‌اند بخوبی انجام دهند. تا جائی برای اعمال ضد کارگری عناصر سازشکار و ارتجاعی باقی نماند. در اینصورت مطمئنا "شورای عمومی و هماهنگی از پشتیبانی کارکنان پشتگرم خواهد شد.

نتیجه فعالیت‌های کارگران

شورای کارکنان شهرک در ادامه فعالیتهای خود برای رسیدن به خواستهای کارگران و کارمندان در تاریخ ۵۸/۵/۱۷ با مدیریت شرکت و کمیته مرکزی بمذاکره پرداخت.

مدیریت شهرک که از طرف وزارت مسکن تعیین شده است به مهلت یکماهه شورا برای مصادره سقیه اموال و ملی کردن تمامی شرکت وعده مثبت داده است. هم چنین قول داده است که دیگر اکرامی را بعنوان رئیس کمیته شهرک سرسمیت نشناسد.

هرچند که تا این تاریخ مقامات بالاتر کمیته مسئله بر کناری اکرامی را تحت بررسی میدانند، شورای کارکنان بر کناری وی را حتمی تلقی کرده و عملی غیرقابل برگشت می پندارد.

نتیجه دیگر مذاکرات وعده اخراج ۳ نفر را سدا راسی که در مقابل کارگران تیراندازی نموده‌اند، از طرف کمیته مرکزی میباشد.

درسومین نماز جمعه، استاد مجتهدی شبستری:

صراحت، اعتماد و وحدت ضامن پیروزی انقلاب

● همبستگی خلقهای ایران و فلسطین پیروزباد

هفته قبل نمایندگان جنبش خلق‌های ایران و فلسطین، اسدالله طالقانی و برادر هاشمی الحسن، در سفارت فلسطین بودند و امروز (جمعه) قلب مردم ما در دانشگاه تهران با اشتیاق پیروزی خلق فلسطین می‌تپید.

شعارهائی چون "ثوره ثوره حتی النصر" (انقلاب، انقلاب تا پیروزی)، "آمریکا، صهیونیسم دشمن مستضعفین" و بگفته خمینی پیش سوی وحدت"، فضائی از خشم مقدس ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی را با کلام خدا در هم می‌آمیخت. و ابعاد آیات قرآن مضمون واقعی ضد استبدادی و ضد استعماری خود را که در این شرایط لازمه وحدت نیروها است می‌یافت.

سخنرانی استاد مجتهدی شبستری پربار تر از همیشه، بدور از گلی گوئی، رهنمودهای عینی و ملموسی بمردم میداد اینک بدنبال گزارشهائی که از دو نماز جمعه اول و دوم داشتیم، مضمون و محتوای سخنان استاد شبستری را در سومین نماز وحدت می‌آوریم.

انحصارطلبی به اعتماد مردم لطمه میزند

در این شرایط که امپریالیسم و صهیونیسم و عوامل ضد انقلاب روبه رو بر علیه انقلاب ایران توطئه می کنند، بایستی در جهت جلب اعتماد مردم نسبت به رهبری و به گروههای سیاسی و بالعکس حرکت کرد. و اعتمادی اصولی را پایه ریخت. نه اینکه با تقلبهای گوناگون مردم را فریفت. مگر چند بار میتوان مردم دروغ گفت. یکبار، دوبار، ولی بار سوم مسلما" دیگر آن گروه ناهنجار رو میشود. و لو اینکه خود را در پس چهره‌ای اسلامی هم پنهان کند، نمیتواند روی اعتماد مردم حساب کند. آن حزبی که بنام اسلام با اعتماد توده‌ها ضربه بزند، به اسلام، بوحدت مردم و بخودش ضربه زده است. برای حفظ وحدت بایستی با مردم صریح بود.

انبیاء در طول تاریخ بکه وتنها، ولی با بیانی صریح، پاک و صادق، اعتماد توده‌های مردم را جلب کردند. و به اتکای همین اعتمادها نظامهای فاسد حاکم را سرنگون نمودند.

خلق فلسطین با صراحت و وحدت خویش احترام و اعتماد تمامی جهانیان را برانگیخته است. تا آنجا که در هفته آخر ماه رمضان بفرمان امام تمامی مسلمین جهان، هفته قدس را برگزار میکنند. و ما بایستی با برگزاری هرچه پر شکوهتر این روزها، همبستگی و احترام خود را نسبت به خلق قهرمان فلسطین نشان دهیم.

در اردوگاههای فلسطین ارتجاع سرکوب بسیار و برتری طلبی‌های انحصار طلبانه حتی نیست. آنجا خلقی موس تا به صحنه تاریخ بگذارد. خلقی متحد و بندگی و مبارزه آنان با درس صراحت، اعتماد و وحدت سامورد

بقیه در صفحه ۷

نقش عملی شوراها در بالا بردن کیفیت مبارزه کارگران

بقیه از صفحه ۳

۴- شورای کارخانه اونیورسال

یکی از افراد مسعود اخراجی اونیورسال بهمراه یک روحانی نما به کارخانه میآید، تا مشغول کار شود. نماینده شورا آنها را راه نمی‌دهد. مراحص پس از یک درگیری لفظی بار می‌گردند. سپس چند نفر از کمیته محل می‌آیند، و ابتدا از نمایندگان شورا می‌خواهند که برای افتتاح کلانتری محل با آنها بروند. نمایندگان که می‌فهمند کاسه‌ای زیر نیم کاسه است، حاضر به رفتن نمی‌شوند. مأمورین کمیته حکم حلب نمایندگان را رو می‌کنند. نمایندگان کارگران برای رسیدگی به مسئله به شهربانی تلفن زده و از طرفی کارگران را نیز مطلع می‌کنند. برخی کارگران به پشتیبانی از نمایندگان خود با آچار و پیچ‌گوشتی و ... از راه می‌رسند. افراد کمیته مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند.

۵- شورای ارج

شورای کارخانه موفق به دستگیری رئیس سابق حفاظت کارخانه و کشف اختلاسی بمبلغ ۲۸۰/۰۰۰ تومان میشود.

عملکرد فرهنگی شوراهای کارگری: آگاهی ایدئولوژیک و انقلابی

۱- شورای جهان چیت

ایجاد کتابخانه، تشکیل کلاسهای ایدئولوژیک، و اجرای سخنرانی در قسمتهای مختلف برای آگاهی و آشنائی کارگران با خصوصیات حرکتهای کمیته فرهنگی شورا است.

۲- شورای بوتان

گراسداشت سالگرد شهادت دکتر علی‌شریعتی، و سالروز خلع بدار شرکت نفت ایران و انگلیس از سوء تکارهای فرهنگی شورا می‌باشد. این مراسم همراه با سخنرانی استاد حلال گنجه‌ای و قرائت گزارش فعالیتهای انجمن اسلامی کارخانه بوتان بوده است.

۳- شورای توانیر

برگزاری یک سخنرانی درباره امپریالیسم و عملکرد آن، و تشکیل یک نمایشگاه عکس از شهدای انقلاب که به وسیله یک کارگر به شکل زیبائی نقاشی شده بود از اقدامات فرهنگی شورای توانیر می‌باشد. این مراسم با شعار "انقلاب انقلاب پیروز است" - "آمریکا، آمریکا نابود است"، در میان استقبال گرم کارکنان پایان یافت.

نکته قابل توجه: در زمینه بعض فرهنگی شوراها، باید زمینه فکری کارگران را برای استمرار مبارزه ضد امپریالیستی ارتقاء دهند. آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک آنانرا برای تشکل و سازمان یافتگی در مسیر انقلاب بالا برند. و دید درازمدت آنانرا برای استقرار جامعه بی‌طبقه توحیدی و نفی استثمار انسان از انسان جهت دار سازند. بلحاظ ایدئولوژیک جامعه بی‌طبقه توحیدی مضمون اجتماعی اهداف مکتبی کارگران می‌باشد. و راه وصول به آن در این مرحله از انقلاب خلق ما از یک مبارزه قاطع با امپریالیسم و بقایای پوسیده آن عبور می‌کند. در این انقلاب و در راه تحقق اهداف بلند مدت مکتب توحید کلیه زحمتکشان بخصوص کارگران نقش اساسی بازی می‌کنند. و از نظر تاریخی کارگران باید با کسب آگاهی لازم، آمادگی خود را برای قبول رسالت اجتماعی شان بالا برند - تا بتوانند تحقق آرمانهای توحیدی

"مردم و مجاهدین"

امیدواریم با انتقادات و پیشنهادات خود ما را یاری دهید

با انتشار اولین شماره‌ی نشریه مجاهد، نامه‌های زیادی دریافت کردیم. حاوی تشویق‌ها، انتقادات، سئوالات، اشعار و مقالات و پیشنهادات.

اینها همه نامه دلگرمی ما است، ولی برای ما نامه‌های حاوی انتقادات و پیشنهادات، ارزشمندترین و تشویق‌آمیزترین نامه‌هاست، چرا که برادر یا خواهری که به ما انتقاد می‌کند و یا پیشنهادی طرح می‌کند. آنقدر به سرنوشت مجاهدین و نشریه مجاهد علاقمند است که می‌خواهد در "بهتر شدن" و "ارتقاء آن" شرکت کند.

امیدواریم بیش از پیش با "انتقادات" و "پیشنهادات" خودما را یاری دهید. درست بهمین دلیل سعی خواهیم کرد این ستون در درجه اول منعکس‌کننده انتقادات و پیشنهادات شما باشد. البته انتقادات عمومی‌ای که طبعاً در حد گنجایش هفته‌نامه و توان خودمان باشد. ولی بدون شک سعی خواهیم کرد کلیه انتقادات شما را بدقت مطالعه کنیم و آنچه را که وارد می‌بینیم در روندگی سیاسی خودمان بکار بگیریم و بدین سان سیاس و پاسخ عملی را تقدیمتان کنیم.

امیدواریم با گسترش این ستون نشریه، بیش از پیش منعکس‌کننده، نظرات، مقالات و اشعار شما برادران و خواهران باشیم.

ـ درباره قیمت نشریه

برادری ضمن بررسی نقش آگاه‌کننده نشریه مجاهد و یادآوری این نکته که نشریه "سازمانی که بخاطر ضرورتی مستضعفین مبارزه می‌کند باید دارای مطالعه تکامل به بدست طبقات کم درآمد برسد" از قیمت نشریه انتقاد کرده و پیشنهاد کرده بود که تکشماره مجاهد ۱۰ ریال فروخته شود.

در این مورد باید یادآور شویم که یکی از شیوه‌های مشاری که بر ما اعمال مشود رسمه مالی است. ما بسیار مایل بودیم که قیمت نشریه را به حداقل ممکن تقلیل دهیم. ولی در شرایطی که حتی برای پاریس گرفتن کوچکترین امکانات مالی که ما در زمان طاغوت و در جریان مبارزه ضد دیکتاتوری بدست آورده‌ایم، بیشترین فشارها برما وارد میشود. وحتی ساده‌ترین وسائل موجود در ساختمان جنبش بتدریج پاریس گرفته میشود و عملاً منبع مالی جز حمایت‌های صادقانه توده‌های حامی سازمان نداریم، تصدیق می‌کنید که توان تحمل هزینه مستمر و هنگفتی تقلیل قیمت نشریه را نخواهیم داشت.

به امید آنکه حمایت‌های همه‌جانبه خواهران و برادران، ما را از مضیقه مالی برهاند، تا بتوانیم انتشارات خود را با شرایط سهل‌تری در اختیار توده‌ها قرار دهیم.

ـ درباره خبر حمله به مسجد جامع خرمشهر

خواننده‌ای در مورد نحوه نقل این خبر در نشریه انتقادی داشت که عیناً ذکر میشود:

... برادران در شماره اول نشریه مجاهد صفحه ۲ در مورد خبر حمله به مسجد جامع خرمشهر و وقایع آن شهر خبر را عیناً" مانند خبری که در آیندگان و پیغام امروز و ... چاپ‌شده بود منتشر کردند. چون واقعیت اینست که عده‌ای مزدور به مسجد جامع حمله نموده و نارنجک به مسجد پرتاب می‌کنند، که عده‌ای هم شهید و زخمی می‌شوند. و کاری که حتی آریامهر جلاد هم مرتکب آن نشده بود. انجام می‌دهند. ولی شما نوشته بودید "بدنبال انفجار نارنجک در مسجدی در خرمشهر" ! در صورتیکه باین مسجد حمله شده بود. و شما ... سی‌دانم از "یک درصدی‌ها" حساب می‌برید و از آنها وحشت دارید که اخبار را باب طبع آنها منتشر می‌کنید! با اینکه این موضوع را باور ندارید که به مسجد حمله شده، اگر شق دوم را قبول داشته باشید وای به حال ملت مسلمان که مالهٔ گروهی از سازمان مسلمانش چنین باشد.

درباره مشکل بودن زبان نشریه مجاهد برای کارگران

با نامه‌هائی داشتیم از برخی برادران و خواهران که از مشکل بودن زبان نشریه برای کارگران و یا افرادیکم‌سواد انتقاد کرده بودند که یکی از آنها را عیناً نقل میکنیم:

"... این سخن یک کفاش از یکی از بخشهای ایران است نشریه مجاهد را مطالعه کردم ولی باید بگویم فکر نکنم شما با دیگر ارگانها، روزنامه‌های خودشان را اختصاص به قشر خاصی از جامعه داده باشند. مثلاً نمیتوانید بگوئید که نشریه ما، فقط اختصاص دارد به روشنفکران، در اولین نشریه سازمان مجاهدین خلق فکر کنم انتقادها و پیشنهادها از زمینه جا سرا زیر شده و یا میشود چرا؟ و به چه علت؟ روزنامه و یا هفته‌نامه‌ها بدهمگان فهم باشد. همه آنها را آن استفاده کنند. و قابل درک باشند من که یک کارگر هستم با پدیفهمم که مطلب شما چه میگوید؟ آنقدر پیچیده مطلب را بیان کرده‌اید که برای افرادی از دیپلم به پائین قابل فهم و درک و برداشت صحیح نیست ..."

در این مورد با پیدا آور شویم که بخش کارگری و سازمان جوانان مجاهد، نشریات ویژه‌ای دارند که با زبان ساده‌تر نوشته میشود. امیدواریم بتوانیم این انتشارات ویژه را گسترش بدهیم تا بتدریج انتقاد فوق رفع شود.

عملاً تجربه نشان داده که نمیشود نشریه را بشکلی منتشر کرد، که چه بلحاظ محتوی، و چه بلحاظ زبان نشریه نیازهای تمام اقشار و طبقات را یکجا بر آورد. و بهمین علت در غالب مواردیا زمانهای انقلابی با بوجود آوردن ارگانهای ویژه، نشریات خاصی نیز برای اقشار مختلف اجتماعی منتشر میکنند، تا بدون نیاز سخنگوی نیازهای فرهنگی و سیاسی جامعه باشند.

بمناسبت شبهای پرارج ماه رمضان

بقیه از صفحه ۱

از مفاهیم و مقولات بسیار ژرف و انگیزنده است. قدر و تقدیر به معنی اندازه و اندازه‌گذاری از جمله این مقولات ارزنده می‌باشد. جالب اینست که قرآن در هر موردی که بیکی از این مفاهیم یا مقولات شامل باشد که بدست طبقات کم درآمد برسد از قیمت نشریه انتقاد کرده و پیشنهاد کرده بود که تکشماره مجاهد ۱۰ ریال فروخته شود.

در این مورد باید یادآور شویم که یکی از شیوه‌های مشاری که بر ما اعمال مشود رسمه مالی است. ما بسیار مایل بودیم که قیمت نشریه را به حداقل ممکن تقلیل دهیم. ولی در شرایطی که حتی

و انتظار تسلیم طلبانه پیشه کند. بهداست که این استنباط که در بطن خود مسئولیت و وظیفه‌سدی فرزند انسان را منکر است، یک استنباط شرک‌آمیز می‌باشد که انسان را در جهانی کور و بی‌قصد، بله و رها و بلاتکلیف تلقی می‌کند. تبصم عینی این طرز تفکر در سده‌های نخستین اسلام، اشاعره بودند. آنان با استناد صوری به برخی از آیات قرآن، مانند آیه "ما رمیت اذ رمیت" (سوره انفال ـ تو نبودی که تیر می‌انداختی بلکه خدا تیر می‌انداخت) جبرگرایی کور و شرک آمیز خود را توجیه می‌کردند. آنها نمی‌دانستند که درمتن همین حتمیت‌ها و تقدیرات و ضرورتهای اجتناب ناپذیر آفرینش، آدمی بطور نسبی صاحب اختیار است. بطوریکه

در عین اعتقاد به صورتها و قانونمندیها، پیوسته بر توانائی و اقتدار جبر شکنانه انسان تصریح داشته و اصولاً اعتقاد به حتمیت و قانونمندی و اندازه‌گذاری را از این زاویه مطرح می‌سازد که انسان را بیش از پیش به مقابله انقلابی با نابسامانیها و تعمیر دنیای کهنه به تشویق کند.

این تذکر را در ابتدای ورود به تفسیر سوره "قدر" از این جهت لازم شمردیم که از همین اول مرز دیدگاه توحیدی خودمان را از استنباط عامیانه شرک‌آمیزی که بر مبنای آن "در شب قدر خدا وضع همه چیز را روش و مشخص می‌کند" جدا کنیم. همان استنباطی که حایل سهمی میان توده مردم ما و ادراک انقلابی واقع‌گرایانه از قرآن است. متأسفانه هنوز هم توده مردم ما رسوبات

می‌تواند با آگاهی بر ضرورتها و قانونمندیها از سلطه جبرهای کورها شده و با اختیار خود به مقتضیات و اندازه‌گذاریها و حتمیت‌های جدیدی رو کند. این جبرگرائی عامیانه از لحاظ سیاسی بسیار خطرناک بود و تباه کاریها و جنایات زمامداران سفاک اموی و عباسی با توجیه می‌نمود و آنها را به مهر "خواست خدا" (یعنی خواست خدا همین است و کاری هم نمیشود کرد) مهر می‌ساخت. در همین رابطه بود که امام حسین (ع) ضمن نامه‌ای به حسن بصری پیشوای سلفی اشاعره در باره مفهوم قضا و قدر نوشت:

"... هرکه به قدر ایمان نداشته باشد نصیبی از خداپرستی ندارد و چراغ تابناک ایمان در دلش پرتو نخواهد افکند". ملاحظه میشود که امام ایمان به حتمیت‌ها و ضرورتها را غرق مقدم خداپرستی و اعتقاد به حساب و کتاب داشتن هستی میداند؛ لیکن بلافاصله خاطرنشان میسازد که: "... و آنانکه سافرمانیها و سیاهکاریهای خود را از جانب ایزد متعال می‌دانند، بی شک افترائی بس بزرگ بخداوند بسته‌اند. پروردگار بی‌نیاز، هیچ بنده‌ای را به فرمانبری مجبور نفرمود ..."

ملاحظه می‌گردد که اسلام راستین یک اسلام سنت‌گرای طبقاتی و جاهلی را که در طی سالیان دراز جهل و بندگی و تحریف، شکل گرفته است، بدک می‌کشند. چنانکه می‌دانیم در فرهنگ عامیانه شب قدر را اینطور تفسیر می‌کنند که "در یکی از شبهای ماه رمضان که ضمناً" شب نزول قرآن هم هست خدا سرنوشت و تقدیر همه کس و همه چیز را تا سال بعد معین می‌کند ... سرنوشتی که هیچ گریزی هم از آن نیست ...".

روایات و اخبار متعددی که بر اهمیت این سوره تاکید دارند و از جمله سفارشاتی که در مورد قرائت این سوره بهنگام وضو گرفتن و یا هنگام افطار شده، اهمیت مطلب را (در هر جهت که تفسیر شود) بالا برده است.

اکنون سعی داریم با مدد گرفتن از یک فرهنگ توحیدی خالص و انقلابی تا جائیکه سرامیان امکان دارد معنی "قدر" را بزبان ساده تشریح کنیم. روش سر داشت و تفسیر ما از قرآن همان روش مثلی تفسیر تشیع و ائمه است که "تفسیر قرآن بوسیله و با کمک خود قرآن" نامیده می‌شود.

اسشب قدر منحصر به یک شب نیست

چنانکه از روال و معانی آیات سوره پیداست، شب قدر بطور انحصاری فقط همان شبی که قرآن در آن نازل شده نیست. چرا که قرآن خود در یک شب قدر نازل شد، نه اینکه منحصراً" موقع نزول قرآن "شب قدر نامیده شده باشد. بعبارت دیگر در حالیکه شبانگاه نزول قرآن بطور اخص یک شب قدر بوده، لیکن شب قدر بطور اعم نیز مطرح است. یعنی سلسله شبهایی که یکی از آنها به نزول قرآن تخصیص یافته است.

۲ـ شب به معنی مرحله بکار رفته است

معنی دقیق "شب قدر"، "مرحله" قدر است. اگرچه قرآن بزبان ساده آنرا با کلمه "شب" خاطرنشان می‌نماید. به عبارت دیگر هیچ لزومی ندارد که کلمه "شب" را دقیقاً" به شبانگاه تعبیر نمائیم. کما اینکه در بسیاری موارد دیگر نیز ناهد هستیم که منظور قرآن می‌المثل از کلمه "روز" (یوم)، نه یک روز خورشیدی بلکه یک "مرحله" یا "زمان" و "گاه" و "قدم" مورد اشاره است. بعنوان مثال وقتی در فرهنگ قرآن به واژه "یوم الفصل" (زمان جدائی و گسست از مرحله‌ای به مرحله دیگر) برخورد می‌کنیم و یا وقتی در سوره معارج از "روز" ی صحبت می‌شود که مقدار آن پنجاه هزار سال است و یا وقتی در سوره یونس اشاره میشود که خدا آسمانها و زمین را در ع روز آفرید، معلوم است که منظور ع روز خورشیدی نیست و بلکه ع گاه یا مرحله است.

۳ـ مرحله قدر سرفصل کیفی حرکت پدیده‌ها

نخستین نشانه‌ای که خود سوره قدر از معنی قدر بما میدهد اینست که شب یا مرحله قدر از هزار ماه گزیده‌تر و بهتر است. باین معنی که بعد از تاکید روی اهمیت قدر (و چه میدانی که شب قدر چیست؟) چنین تصریح شده که مرحله قدر از همه آنها گزیده‌تر است. مرحله‌ای که علی‌القاعده بایستی فرجام یا سرفصل سیر تحولات چندین ماهه را (که به عددکثرت هزار خاطرنشان شده) در بر داشته باشد. بنابراین مرحله قدر آن مرحله و نقطه‌ای است که مشخص یک سرفصل کیفی در مسیر حرکت و تحول پدیده‌هاست. مرحله‌ای که سرانجام یکسری مراحل قبلی و سرآغاز یکسری مراحل بعدی است که ضمناً" در چارچوب کلی تغییرات و ماهیت پدیده‌ها صورت می‌گیرد.

۴ـ در مرحله قدر کلیت هر امری مشخص میشود

نشانه بعدی که از قدر در این سوره بدست داده می‌شود اینست که در آن مرحله ملائکه و روح باذن پروردگار تکامل بخش خود، کلیت هر امری و یا کل امور را فرود آورد. "ملائکه" مطابق تفسیر آقای طالقانی همان مبادی و مبانی قوانین‌های طبیعی و هستی می‌باشند. در مورد "روح" بخاطر پیچیدگی مطلب و نیاز به شرح و بسط مفصل آن (برای پرهیز از انحرافات مبتذل ادیان شرک‌آمیز و مکاتب تئوری) فعلاً" از تفسیر آن صرفنظر می‌کنیم و آن را به بحث مبسوط‌تری وا می‌گذاریم. همین قدر باید متذکر گردید که در رابطه با بحث حاضر آنچه بسیار روشن کننده است اینست که مرحله قدر مرحله‌ای است که مبادی و مبانی قوا و روح و جوهر و جان مایه امور و پدیده‌ها در آن فروفرستاده و معین می‌گردد. به عبارت دیگر این سرمنزل تصمیمات کیفی نقطه‌ای است که در آن مطابق اذن خدا (که همان نواميس و قانونمندیهای نظام خلقت باشد) نیروها و مبادی قوای طبیعت و خلقت، روح و جوهر و طبیعت هر شیئی و بالاخره "کل امر" یا کلیت مسیر حرکت پدیده‌ها و اشیاء را معین و مقرر می‌سازند.

۵ـ در جهان‌بینی توحیدی "تضاد" در دامن "وحدت و سلام" معنی و موجودیت پیدا می‌کند

آخرین نشانه و رهنمودی که در این سوره از مرحله قدر بدست داده شده این است که: "این سلام است تا گاهی که سپیده دم برآید".

"سلام" این شعار رسای توحیدی واجد آنچنان معنای ژرفی است که بی‌مبالغه می‌توان گفت که یک جهان معنی و فلسفه توحید را به تنهایی در خود دارد. توضیح اینکه در جهانبینی توحیدی که وجود را با مقصد و هماهنگی معینی، جوهر حرکات و تضادهای عینی، سلام و وحدت است. در این جهان بینی، وحدت هدف مبارزه اضداد و تضاد وسیله نیل به وحدت و یگانگی و سلام است. بنابراین در جهانبینی توحیدی "تضاد" در دامن "وحدت و سلام" معنی و موجودیت پیدا می‌کند. اصالت هستی شناسانه از آن سلام و وحدت است که سمت حرکت و حل تضاد ها را بهایتاً" مشخص می‌سازد. معنی که اگر نبود، جهان در تاریکی ابدی کشاکش اضداد فرو می‌رفت و هستی از هر مقصد و معنایی تهی میشد. لیکن فلسفه سلام و وحدت همچون سپیده دمی است که رساننده پیام روشنایی و نجات و رستگاری است. یک روشنایی هستی‌شناسانه که در پایان هرشب تیره و تار دمیدن سحر صادق را بطور محتوم وعده میدهد. سپیده دمی سپس آشتی و سلام و صلح و جاودانگی که جان مایه و روح از پیش دمیده شده "همه هستی و اشیاء و امور است. نهایتی مشخص که در ورای همه کشاکشها و فراز و نشیب‌ها و جنگ اضداد رخ می‌نمایند. انتهای خط تضادها. همان آغاز سلام و وحدت جاودانه، مردومی است که بخوبی در این پیام قرآنی ترسیم شده است "ادخلوها بسلام آمنین" (بدان وارد شوید با سلام و باکمال ایمنی). کما اینکه می‌بینیم در وصف فضای بهشتی جهان اخروی در قرآن آمده است که: "تحیتهم فیها سلام ..." (تهنیت و زنده‌باد گوئی آنها در آن، سلام است). چراکه "زنده‌باشی" (یا خنثه نباشی) گلش با در این جهان، بدان خاطرات که زندگی و آسودگی پیوسته در معرض تضادهای اجتناب‌ناپذیرشان یعنی مرگ و خستگی است. لیکن در جهان برترینی که بما بر آیات سوره محمد، آنتروپی و کهولت و تضاد را در آن راهی نیست (آب نمی‌گندد و طعم شیر تغییر نمی‌کند) همه تحیت ها به سلام و آشتی و صلح جاودانه ارتقاء می‌یابند.

ناتمام

لیلة القدر یا مرحلهٔ جهش

برداشتی از سورهٔ "قدر" و تفسیر "شب قدر"

مراسم تجلیل از مجاهد شهید سعید صفار

توطئه‌هائی که از ناحیه مرتجعین بر علیه انقلابیون مسلمان و مجاهد صورت میگیرد محکوم است.

یکشنبه شب هفته گذشته ۱۴ مرداد دهمین سالگرد هشتمین سالگرد شهادت مجاهد شهید سعید صفار مراسم تجلیلی از طرف خانواده وی در منزل آن شهید برپا گردید در این مراسم که با تلاوت آیاتی چند از قرآن آغاز گشت، ابتدا شرح زندگی انقلابی شهید سعید بوسیله خواهرا و خوانده شد. سپس پیامی از جانب انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران قرائت گشت. همچنین در این مراسم پیامی از سوی پاسداران کمیته شعا (واقع در حوالی میدان شهید) بوسیله یکی از برادران پاسدار قرائت گردید. در این پیام ضمن تجلیل از خاطره مبارزات پرشور و ماهیانه شهید سعید صفار، از دستاوردها و تلاشهای خونبار شهدای مجاهد در مسیر احیاء اسلام انقلابی قدردانی بعمل آمد. در همین پیام ضمن تاکید بر ضرورت مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع، توطئه‌هائی که از ناحیه مرتجعین بر علیه انقلابیون مجاهد و مسلمان صورت میگیرد، محکوم گردید. سپس استاد جلال گنجه‌ای پس از تجلیل از خصوصیات مردمی و توحیدی برادر مجاهد شهید، مطالبی پیرامون ارتباط گسست ناپذیر میان "اعتقاد به خدا" و "عشق به خلق" ایراد نمود. در خلال این مراسم سرودهای "شهادت" زخون" و "۲خرداد" از مجموعه سرودهای سازمان مجاهدین خلق ایران بوسیله شرکت کنندگان بطور دسته جمعی خوانده شد.

www.iran-archive.com

آیت‌الله طالقانی در دیدار با هیئت کوبایی...

بقیه از صفحه ۱

براساس ایدئولوژی توحیدی هرگز مجاز نیستیم نقاط قوت دیگران را انکار کنیم

مکاتب و در جبهه مبارزه با دشمن اصلی یعنی سلکسیده راه جدا و حلق در هر مرحله تاریخ عدم برمی‌دارد. بهمان اندازه مترقی و انقلابی و قابل تأیید است. بنابراین برای نیروهای انقلابی و اصولی، بخاطر مبارزه‌ای که بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و استبار می‌نماید، و نیز در جهت رسالتی که در دفاع از حقوق طبقه کارگر (این مستضعفین زمان ما) برعهده گرفته‌اند، باید احترام قائل بود و تأیید شان کرد. بطور کلی این شیوه برخورد صحیح با هر ایدئولوژی و طرز فکر است. یعنی بایستی هر ایدئولوژی را تا آنجا که عملاً و در روندگی اجتماعی خود در مواضع حق قرار دارد تأیید کرد. ما با انکاء ایدئولوژی توحیدی از یکطرف موظفیم که حرکتهای ضد دیکتاتوری، ضد استثماری را که با آرمانهای مکتبی ما سازگاری دارد حمایت کنیم. و از طرف دیگر هرگز مجاز نیستیم که موضعهای ها و نقطه قوت های دیگران را انکار کنیم. هرگز نباید حق را بپوشانیم، در هرکجا که خود را نشان دهد و بهر درجه‌ای که وجود داشته باشد. در اینصورت با هرگونه حق‌پوشی (مفهوم عمیق کفر) این خود ما هستیم که در درجه اول مخاطر موضع غیرواقعی و کفرآمیزی که در برابر یک واقعیت سر حق اتخاذ کرده‌ایم. از مواضع یکتا پرستانه پائین آمده، و به موضع های ارتجاعی و گذشته‌گرا رانده شده‌ایم. اصولاً "از اردوی ضد حلق که بگذریم، در میان نیروهای خلقی که سر علیه امپریالیسم سرد می‌نمایند، بطورحتم عنصری از حقیقت و حق طلبی وجود دارد، که سیاستی آنرا نادیده گرفت. پذیرش نظرات درست دیگران و قبول کارآیی های سیاسی و عملی آنان، خود مس اصالت و خلوص موضع توحیدی ما است. برعکس برنگی و برخوردهای سگ سطرانه در این رابطه همانطور که بارها حضرت آیت الله طالقانی در مورد آن تذکر داده‌اند، هرگز نمی‌تواند مصحن دفاع از دین و اسلام و ملت مهربان باشد. هم چنین هر اقدامی که بسوی از انحاء دیگران را در میان نظرات و عقایدشان که محتوائی از حق داشته باشد محدود سازد، دقیقاً "ضد توحیدی است. در اینصورت همانطور که ایشان در نطق تاریخی خود درمورد نهضت اعلام داشتند، اگر ما اسلام را اینقدر ضعیف بدانیم که در مقابل مکاتب دیگر چیزی برای عرضه کردن نداشته باشد، یا آنرا ناقص دانسته‌ایم و یا نشناخته‌ایم."

واقعیت نیز همین است. تنها آنهائی که در میدان حق طلبی مثبت هایشان خالی است، از طرح نظرات مخالف و مواجهه با عقاید و افکار دیگران هراس و وحشت دارند. با این توضیح جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که ما بحکم وظیفه ایدئولوژیک توحیدی خود ناگزیر از تأیید جنبه‌های درست و برحق هر مکتب و یا حزب و نیروهای سیاسی هستیم. این جنبه ها از کجا معلوم می‌گردند، و معیار تشخیص ما در این مورد چیست؟

بر اساس جهان بینی اسلامی معیار سنجش هر ایدئولوژی و یا نیروها و احزاب "عمل اجتماعی" است: بر این اساس جنبه‌های حقیقت جویانه و مواضع درست نیروهای انقلابی مظیر مارکسیست ها در خصوصیات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و ضداستثماری آنان تجلی می‌یابد. یعنی در آن نقاطی که حضرت آیت‌الله طالقانی در نطق معروف خود در ۳۰ تیر بعنوان نقاط اشتراک تمام نیروهای انقلابی اعم از مسلمان و غیر مسلمان انگشت گذاردند. و در آن شعارهای مرحله جدید انقلاب را روشن ساختند، بی مناسبت نیست در اینجا عین بیانات پرارج ایشان را بیاوریم:

"گروهها و جمعیتها چه می‌خواهند؟ چه می‌گویند؟ غیرآزادی؟ غیر قسط؟ غیر آزادی؟ ... مسلمانان یک خدا، یک مبداء، یک معاد و یک قرآن حاکم است. گروههای غیر مسلمان هم قسط می‌خواهند، عدالت می‌خواهند، نفی استثمار و نفی استثمار می‌خواهند. ... مگر اسلام موافق با استثمار و استثمار است؟ ...."

ملاحظه می‌گردد که اسلام راستین نهایت احترام را برای عقاید مترقی و انقلابی قائل است، مخصوص در مرحله کنونی که ما درگیر یک نبرد ضد امپریالیستی هستیم و وحدت تمام نیروهای ضدامپریالیست یک امر ضروری است. و هرگونه تلاشی در جهت نقض این اصل به مثابه یک عمل انحرافی و ارتجاعی و ضداسلامی است. بنابراین حرکاتی مظیر محدودکردن آزادیهای صاحبان ایدئولوژیهای مختلف، و تهاجم به مراکز و دفاتر آنان، و اقداماتی مظیر پاره کردن اعلامیه‌های سازمانهای ضدامپریالیست جز به ضرر نیروهای حلق و به سود دشمن تمام نخواهد شد.

ماعلی آن چنانچه آقای طالقانی در خطبه نماز روز جمعه هفته گذشته بیان داشتند "با سلطنتهای ناآگاه هستند و با آلت دست".

بادیدگاههای دیگر چگونه برخورد کنیم؟

در اینجا لازم است که اشاره‌ای هم به نقطه‌نظرهای آیت‌الله طالقانی در زمینه "شیعه" برخورد صحیح با ایدئولوژی های دیگر بنمائیم.

اساس دیدگاه و فشرده نظرات ایشان نسبت به مسأله فوق، همانطور که قرص صحبت با نماینده هیئت کوبائی بیان شده، چنین است:

"ما در نفی استعمار و استثمار و دفاع از آزادی با مارکسیست ها عقاید مشترکی داریم. آنچه ما قبول نداریم اصالت ماده است. ما به اصالت خدا معتقدیم. به اصالت یک مبدأ با شعور و آفریننده. به این شام آن چیزی است که بر مبنای آن، موضع ایدئولوژی اسلامی را در قبال ایدئولوژی مارکسیم از دیدگاه ایشان، مشخص می‌گردد بر مبنای این موضع معلوم می‌شود که چه رابطه‌ای بین ایدئولوژی اسلامی و مارکسیم وجود دارد و نقاط وحدت و تضاد ایدئولوژی اسلام با مارکسیم کدامند. بعبارت دیگر از چه موضعی باید با مارکسیم برخورد نمود، و اسلام را در این رابطه در کجا بایستی قرار داد. البته لازم است خاطرنشان سازیم که این اولین بار نیست که آیت‌الله طالقانی این مواضع را پیرامون نحوه برخورد با مارکسیم و مارکسیستها بیان می‌دارند. ایشان قبلاً "در نطق معروف مدرسه" مهمیه نیز صریحاً "گفته بودند که: "مسأله کمونیزم غیر از مسأله غیر علمی ماتریالیسم است، کمونیسم در معنای اصیل لغوی یعنی زندگی خانوادگی را اسلام پایه گذاری کرده است. درصدر اسلام این چنین بوده زندگی پیامبر و صحابه و مهاجرین و انصار چنین بوده. ... این معنای آن ماتریالیسم واصالت ماده است که باید آنرا در این جنبه ا سازیم."

با مختصری دقت در بیانات آیت الله طالقانی در اینمورد کاملاً مشخص میشود که ایشان مارکسیسم را در کلیت آن بعنوان یک مجموعه و سیستم فکری، یک ایدئولوژی النقاطی تلقی کرده‌اند که از دو جنبه ترکیب یافته است:

یک جنبه آن، موضع‌گیری این ایدئولوژی بر علیه ظلم و استثمار و دفاع از طبقات محروم و مستضعف است که در جوهر آن مسأله "نفی استثمار" قرار دارد و کوششی است برای یک زندگی خانوادگی و دور از روابط طبقاتی و خصمانه. ایشان این بخش از مارکسیسم را وجه‌مشترک مارکسیسم و اسلام و بطور کلی ادیان توحیدی دانسته‌اند. مهمتر از آن اسلام و مکاتب انبیاء راستین توحید را بیشتر طرح چنین شعاری می‌دانند. این قسمت از مارکسیسم در واقع جنبه "حق" و درست مارکسیسم است.

اما جنبه" دیگر مارکسیسم بنیاد فلسفی آن یعنی "ماتریالیسم" است که در سخن فوق با طل "اعلام شده است. زیرا که جهان بینی توحیدی، جهان را هدفدار و با مقصد و معنا تبیین می‌کند. و در نتیجه با فلسفه ماتریالیستی که هستی را کور و بی‌هدف می‌داند، بکلی در تضاد است. بگذریم از اینکه پیروان انقلابی مارکسیسم در عمل همیشگاه پایبن فلسفه پای بند نبوده، و خودشان ضل از هرکس دیگر، وقتی با واقعیات سر و سخت مواجه می‌گردند ایس چارچوب فلسفی و مادی را می‌شکنند. بنابراین از دیدگاه ایشان مارکسیسم را بعنوان یک سیستم متناقض و النقاطی بایستی تجزیه کرد، جنبه حق آنرا تأیید کرد (نفی استثمار) و جنبه باطل آن را رد نمود (ماتریالیسم). این رمز اصلی کشف واقع گرایانه ایشان در این زمینه است. تمام مکاتب و دیدگاههایی که درموضع‌گیری نسبت به مارکسیسم به انحراف و ارتجاع افتاده‌اند، اشتباهشان از همین جا آغاز شده است. آنها مارکسیسم را بجای آنکه تجزیه کنند، و با هریک از دو جنبه حق و باطل آن برخورد کنند، آنرا بعنوان یک کل و در مجموع مورد انکار و تردید قرار داده‌اند. و درنتیجه جنبه‌های حق و باطل آنرا باهم نفی کرده‌اند. ولی بهمان نسبت که نفی جنبه" باطل فلسفی و ماتریالیستی آن درست و واقعی است. حدیث با جنبه" ضد استثماری آن نادرست و گمراه کننده است. با بهرحال هنگامیکه در برابر امر درست و برحقی بایستیم و ارزش نقطه مشتی را نفی نمائیم، خود ما از مواضع حق طلبی دور می‌شویم و سقوط خواهیم کرد.

اختفاءً "نفوذ جهانی و جاذبه مارکسیسم در میان روشنفکران نیز دقیقاً" مرهون همین جنبه" ضد استثماری و عملی (انقلابی) آنست به بخاطر قلعه ماتریالیستی آن. زیرا مارکسیسم همواره بعنوان حامی طبقه کارگر و رحمتکشان در عصر حاضر پرچمدار نفی استثمار و مبارزه با بهره‌کشی گردیده است. و نیز بخاطر همین مسأله است که همراه وقرس جنبشهای انقلابی جهان محسوب شده است. والا مارکسیسم بنهای این جنبه" آن و در برنبعد صرفاً فلسفی و ماتریالیستی‌اش هیچگونه جاذبه و نفوذی ندارد.

هنوز بندی مکتبی و توحیدی:

بسیاری از متفکران اسلامی که به نقد مارکسیسم پرداخته‌اند، کوشیده‌اند این ایدئولوژی را در بساطت و کلیت آن رد کنند. در حالیکه بایستی آن را تجزیه کرده و جنبه‌های حق و باطل آن را جدا سازند. در نتیجه عموماً موفق به اتخاذ یک موضع واقع گرایانه و توحیدی در قبال آن نشده‌اند. و بهمان اندازه از اسلام اصیل و انقلابی فاصله گرفته‌اند. به عبارت دیگر آنها از موضع ارتجاعی و پائین‌تر از مارکسیسم به نقادی آن پرداخته‌اند، و به از موضع ترقی و بالاتر از آن. تنها با قرار دادن اسلام در سمت چپ و بالاتر از مارکسیسم است، که اصالت و غنای محتوای توحیدی بارز می‌گردد، و دقیقاً "در همین جا است که شعار "الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه" تحقق عینی می‌یابد. والااگر در قبال مارکسیسم موضع واقع گرایانه‌ای اتخاذ نکنیم، در اینصورت جنبه اسلامی که لاجرم در سمت راست مارکسیسم قرار گرفته، دیگر از محتوای حقیقی آن تهی گشته، و چیزی جز یک توحید بی محتوای مدافع استثمار (ولو در ابعاد کوچک آن) نخواهد بود. اسلامی که قبلاً "از اسلام راستین و انقلابی که برتر از هر ایدئولوژی دیگر است متمایز بوده، و می‌الواقع جز در شکل ظاهری و صوری هیچ مشابهت دیگری با آن ندارد. روشنفکران جامعه ما بخوبی با چهره" اسلام سطحی و سنتی، چه در جامعه" خودمان، و چه در نمونه‌ها و عملکردهای فراوان آن آشنا بوده، و عجز آن را در تطبیق با امر انقلاب ضد امپریالیستی و نفی استثمار و حل مسائل پیچیده مبارزه، بعینه مشاهده کرده‌اند. این روشنفکران عدم توانایی چنین ایدئولوژی حرمی را برای ارائه یک تئوری راهنمای عمل و پاسخگو در همه زمینه ها سخنوری دریافته‌اند. هنر سازمان مجاهدین خلق ایران در آغاز تولد ایدئولوژیکی خود در سال ۴۴ نیز این بود که توانست مرزها و خط فاصل خویش را با چنین برداشتهای سستی و سطحی از اسلام مشخص ساخته، و اسلام اصیل را در موضع راستین واقعی آن یعنی بالاتر از هر ایدئولوژی دیگر قرار دهد. و انگاه مرزهای این توحید ناب را با اندیشه‌های دیگر و مارکسیسم بازنماید. این همان هویت مجاهدین خلق است.

(برای آگاهی از این موضوع یعنی موضع مجاهدین در قبال مارکسیسم و مارکسیستها، و تحلیل‌های ایدئولوژیکی سازمان در این مورد از پیدو تاسیس سازمان در سال ۴۴، به کتاب "تشریح و آموزش اطلاعیه تبیین مواضع مجاهدین ..." رجوع کنید.)

دبیر یا زود مسیر حرکت و سرنوشت انقلاب را تغییر خواهد داد.

یک سیاست مستقل و انقلابی در زمینه روابط خارجی مستلزم چه چیزهایی است؟

قبل از هرچیز باید خاطر نشان کنیم که سیاست خارجی هردولت (ادامه طبیعی سیاست داخلی آن است. یعنی بسته به اینکه چه طبقه و قشری و چه سیاست و ایدئولوژی بر برنامه حاکم باشد، روابط خارجی آن نیز متفاوت خواهدبود. به عبارت دیگر بین روابط خارجی و مناسبات داخلی هر نظام، یک ارتباط ارگانیک و منطقی وجود دارد. مثلاً در رژیم ضدخلقی شاه نمی‌توان یک سلسله مناسبات انقلابی و خلقی با دیگر کشورها انتظار داشت. رژیمی که در داخل کاملاً "مزدور و دشمن همه خلق است، ضرورتاً "بایستی آلت دست یا مدافع آمریکا، اسرائیل، افریقای جنوبی، رودزیا، سلطان عمان و ...، و متقابلاً "دشمن خلق‌های ستمدیده‌ای نظیر فلسطین، ظفار، ویتنام و ... باشد! بنابراین برای داشتن یک سیاست انقلابی با دیگر کشورها از جمله دشمن اصلی خلقمان، امپریالیسم آمریکا بایستی در داخل سیاستها و خرابیهای حاکم انقلابی باشد.

> "مثلاً" اگر بخواهیم در زمینه های سیاسی ـ اقتصادی، نظامی و فرهنگی وابسته نباشیم، اجباراً "ناچاریم به سوی خلق رو کنیم و آنرا فعالانه در سرنوشت و مسیر خود دخالت دهیم. در این رابطه است که می‌توان با تکیه بر خلق و در پرتو بسیج توده‌ها از سرمایه‌های خارجی و دیگر کمبود های اقتصادی بی نیاز شد. و قاطعانه به تسلط منابع و سرمایه‌های خارجی پایان داد." اما وقتی در داخل چنین سیاستی حاکم نیست، طبیعی است که باید خلاء توده‌ها را کمکهای خارجی و سرمایه‌ها و قرار داد های امپریالیستی ـ آمریکائی پرکند. والا چرخهای اقتصاد می‌خوابد. ... در اینصورت چگونه میتوان آمریکا را به عنوان دشمن اصلی تلقی کرد و در مقابل آن ایستاد.

۲ـ با تشکیل ارتش خلق و به کمک آموزشهای سیاسی ـ ایدئولوژیک انقلابی به آن، میتوان با ماهیت بیشتر به جنگ بقایای ارتجاع و عناصر وابسته و پایگاههای امپریالیستی (از جمله ارتش ضدخلقی) شتافته و مهمتر از آن خود را از شر نیروهای کاذب به سلاحهای پیچیده و مستشاری و ارتباطهای پیوسته به آن نجات داد. آنوقت سخنی هم از قرارداد های تسلیم طلبانه در زمینه تسلیحات یا مستشاری یا اطلاعاتی برای مراقبت از مرزها بمیان نخواهد آمد.

۳ـ بدیهی است که دنبال کردن چنین سیاستی مستلزم جذب نیروهای مترقی و انقلابی و کوتاه کردن دست مرتجعین و فرصت‌طلبان از راه رسیده است. چنین سیستمی احتیاج به باور عقاید و طرد پیشتازان و مدافعین حلق ندارد. از انتقادات نمی‌هراسد، و برقیدهواهای ضدامپریالیست را به چوب و چماق نمی‌بندد. حقوق خلقها را پایمال نمی‌کند. و ارزش ضد خلقی گذشته را تحت عنوان‌های جدید به جان مردمی حق‌طلب که فقط حق تعیین سرنوشت‌خود را می‌خواهند نمی‌اندازد.

این ره که تو می‌روی ...

برعکس وقتی سیار به سرکوب خلق مطرح باشد، تقویت و تسلیح و آموزش ضدخلقی ارتش هم مطرح میشود. آنوقت بایستی با آمریکا مناسبات حسنه داشته باشیم، در جشنهایش شرکت کنیم. تا بتوانیم از کمکها و تجربیاتش استفاده نمائیم، و راه نفوذ او را هموار کنیم. و این درست در شرایطی است که مسیر نیروهای انقلابی جامعه‌مان را سد می‌سازیم. و از ارتباط با کشورهای اسلامی و مترقی نظیر لیبی بر سر مسایل فرعی بشدت می‌گریزیم.

این طبیعی است که وقتی مرتجعین حاکم باشند، تکیار انقلابیون و جمعان خلق هم باید در دستور قرار گیرد. آنوقت سیار به سرویس‌های اطلاعاتی ضدخلقی پیش می‌آید. و سپس نیاز به تجربه و همکاری عناصر مشخص و مجرب بیگانه!! و برای رسیدن به آنگونه هدفهایت که در قدم اولین، عناصر ساواکی رژیم شاه بخدمت جمهوری اسلامی درمی‌آید. و سپس نوبت احیاء صد اطلاعات ارتش به عنوان "تداوم انقلاب" می‌رسد. آنگاه اداره هشتم راه می‌افتد. و احتمالاً "آخر الامر هم سیا و موساد و ... طراح مصالح امنیتی ما می‌شوند آنهم به عنوان متخصص. اینست ماهیت و سرانجام روابط کنونی ما با آمریکا.

بر اساس این ترازدی است که نمی‌شود در مقابل آمریکا ایستادگی کرد. مطامع اورا سرکوب نمود. و در مناسبات جهانی در قطب مخالف آن قرار گرفت. و درست بهمین دلیل است که علیرغم شعارها و مخالفتهای لفظی و رسمی با آمریکا میتوان آیه‌های رابیش‌بینی کرد، که در آن بار اقتصاد و سیاست و ارتش و سرویسهای اطلاعاتی و ارگانهای امنیتی ما با صد رشته محکم به بقایای سیستم آریامهری و امپریالیسم آمریکا وابسته خواهد بود.

تنها یک راه برای رهایی وجود دارد و آن اینستکه مناسبات و نهادهای سیاسی ـ اجتماعی ما بطور بنیادی و به شکل انقلابی آن زیر و رو شود و درجهت مبارزه علیه امپریالیسم و وابستگان داخلی و شیوه" نفوذی آن مبارزه شود.

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

موضع تردید آمیز جناحهای حاکم در قبال امریکا

بقیه از صفحه ۲

در حال حاضر برای مراقبت بیشتر از مرز ایران و عراق اهمیت بسیار دارد."

یا در کیهان ۵۸/۲/۱۶: دکتر بردی صحبت از "رمتار آشتی‌جویانه ایران با آمریکا" بمیان آورده است.

و یا در هنگامیکه سای آمریکا وقیحانه علیه ملت ما به حمله و هجوم پرداخت، و خشم یکپارچه مردم ما را برانگیخت، دکتر بردی به تکبر مردم ما پرداخته و قطعنامه سنا را جدا و بی‌ارتباط با سیاست رسمی آمریکا عنوان می‌سازد. در حالیکه همان زمان امام خمینی شدیدترین نطقها را علیه آمریکا ایراد کردند.

حتی برای بسیاری از مقامات عملی مسأله "امپریالیسم" و "آمریکا" عملاً مسأله‌ای نیست. و شاید در بین آنها باشند کسانیکه اثری از امپریالیسم آمریکا نمی‌بینند. و بنابراین از تأکید انقلابیون ایران بر پایگاهها، عوامل و بالاخره توطئه‌های امپریالیستی و ... کاملاً "متعجب می‌شوند و چه بسا صادقانه بخواهند که دست امپریالیزم را گرفته و دست آنها بسپاریم، تا به خواستش برسد!!

در همین حال گاه بیگاه همین مقامات و سایر جناحهای حاکم از "مطامع دشمنان و خرابکاری ها و خدشه‌جوئی‌های امپریالیسم زخم خورده" صحبت می‌کنند. و اینکه "آنها به این زودی دست از سر ما برنمی‌دارند" و ...

حتی مشخصاً "در بسیاری موارد سیستم حاکم اقداماتی انجام می‌دهد که برای آمریکا خوشایند نیست. از حمایت معنوی جنبشهای انقلابی گرفته تا نپذیرفتن کاتر به عنوان سفیر آمریکا در ایران و ...

لکن بهرحال یک موضع روشن، مشخص و واحدی در قبال آمریکا اتخاذ نشده و یا حداقل اعلام نشده است.

کیفیت رابطه با آمریکا جهت خاصی دارد

مشخص نشدن چگونگی رابطه ایران و امریکا گرچه برای مردم ما بدون اشکال نیست، اما محتوای این رابطه و جهت حرکت آن برای عناصر آگاه روشن میباشد. زیرا اولاً "در ورای توسانات، ریکراکها، تناقضات، رابطه موجود بین ایران و آمریکا، دارای ماهیت مشخصی است که در طول زمان بارزتر خواهد شد.

ثانیاً "این ماهیت چیزی جز عنصر سازشکاری و ارتجاع و رفرمیسم نیست. که البته خطر مهم و اساسی هم در همین است.

اگر می‌پذیریم که بدنبال سقوط دیکتاتوری شاه، مبارزه ما بایستی قاطع‌تر از گذشته پایگاههای امپریالیزم را هدف قرار دهد، هرگونه مماشات و کوتاه‌آمدن در قبال آمریکا، ما را از مسیر انقلاب و آرمانهای خلقی و اعتقادی مان باز می‌دارد. و به سمت تأیید سایسات استثماری و امپریالیستی می‌کشاند. به عبارت دیگر بدون شک قاطع و بنیادی بر علیه این دشمن، چشم انداز جامعه ـ ما بدون شک تیره خواهد بود. آینده‌ای که همچون گذشته بیگانگان را بر ما مسلط خواهد کرد. آنهم بیگانگانی که منافع و منابع خلق ما را به یغما خواهد برد و ما را حزو اقوام خود بهیچ سو که بخواهند هدایت خواهند کرد ...

از اینرو در تشخیص ماهیت روابط فعلی ایران و آمریکا چندان هم دچار مشکل نیستیم. اینگونه رابطه‌ها بارها تجربه شده است. حتی سیاستهای روشنتر و قاطع‌تر از این هم در عمل آزمایش‌منفی خود را پس داده‌اند. زیرا تحقق آزادی و استقلال و رشد اجتماعی ـ اقتصادی یک جامعه" زیر سلطه به عناصری نیازمند است و با مسائلی در رابطه می‌باشد، که هرگونه نقصی در آنها

درسومین نمازجمعه: همبستگی خلقهای ایران و فلسطین پیروزباد

بقیه از صفحه ۴

بگوئیم تا شعار جمعه ما محتوای سیاسی اصل توحیدی را داشته‌باشد. یعنی در عمل به وحدت مردم کمک کند. تنها به ظاهر و شکل نپردازیم. اگر صوف جماعت ما نتواند آثار تفرقه‌اکبر ۲۵ قرن نظام شاهنشاهی راکه‌هنوزنتایج شوم آن در میان ما است از میان بر دارد، باید‌های خواهد داشت.

اگر توسط گروهی به آزادی بحاور میشود، نه هر شکل و در هرلباس، باید همه گروههای سیاسی، چه مذهبی وچه غیر مذهبی، به این عمل اعتراض کنند. چون تنها درپناه‌آزادی‌است‌که‌گروههای سیاسی واقعا" مردمی میتوانند رشدکرده، و بانودهها پیوند بخورند. نه در شرایطی که بخاطر دروغها و تهمتهای ناروا، اعتماد مردم از گروههای سیاسی سلب شده باشد.

سپس آقای مهندس‌بازرگان‌نخست وزیر با تفسیر ۵ آیه اول سوره بقره، خواستار کمک مالی مردم به حسارت دیدگان حوادث دوران انقلاب شدند، تا بگفته ایشان با تامین مبلغ لازم آبروی دولت و مردم حفظ شود!

آیت‌اله‌طالقانی: توجیه اشتباهات، زیانبارتر از قبول آنهاست

آنگاه آیت‌الله طالقانی ضمن تایید برنامه‌هائی که قبل از ورود آیشان برگزار شد، در خطبه اول شعار، مردم را بوحدت دعوت کردند. ایشان در تفسیر آیاتی از قرآن هشدار دادند که، اگر گروهی اعمال سوء خود را در حدیثه‌دار کردن آزادیها بوطرف نکرده، و توجیه نماید، صورتی به گروهی خاص نمی‌رسد، بلکه برای همه مردم زیانبار است. درایس صورت صد انقلاب را تقویت کرده‌است. چون پذیرفتن اشتباهات و استبداد ـ مستبدانی که ریشه در حاکمیت نظامهای شاهنشاهی دارد، کمتر جربه به دست صد انقلاب می دهد، تا توجیه کردن این اعمال.

تنها یک قانون اساسی صریح و روشن، که صد استبداد و ضد استعمار باشد محتوای اسلامی دارد، و می تواند پاسخگوی سازهای مردم باشد.

مسئولیت‌های انسان در جریان تکامل

آیت الله طالقانی در خطبه دوم، درادامه‌تفسیرهفته‌قبل‌پیرامون "حرکت تکاملی و تسبیحی" به تبیین سلو ـ لیتهای انسان در این جریان تکاملی پرداختند. انسانی صاحب‌اراده‌وآگاهی اجتماعی، که در شکلی بودن و مالی‌به حرکت‌تسبیحی‌بسمت‌الله‌گام برمیدارد...

در خاتمه، امیدواریم که، با احترام به نظرات وحقوق افراد وگروه ـ های دیگر، برای کمکهای مادی و معنوی به خلق قهرمان فلسطین قیام کنیم، وبه چیزی فراتر از شعار تنها بپردازیم، منافع جنبش را بر منافع گروهی مقدم داریم. ودر مسیر مبارزه، صدارتجاعی و ضد امپریالیستی، این شعارهای‌وحدت را از مرحله حرف به عمل درآوریم. به امید آنکه صفوف متحد خلق از نیروهای استعمار طلب، ارتجاعی و وابسته که به لباس مردم درآمده‌اند جدا شود. تا سیه روی شود هرکه دراو غش باشد.

نگاهی به مطبوعات درهفته‌گذشته

ارتش وکردستان

کیهان ۱۲مرداد ـ مصطفی‌چمران: دولت مصمم است بهرقیمت که هست درمسا طوکردنشین صلح‌وآرامش را برقرار سازد.

آیندگان ۱۲مرداد ـ فرمانده ژاندارمری کل کشور اعلام‌کردکه طرح خلع سلاح عمومی‌تهیه‌شده است.

کیهان آزاد ۱۵مرداد ـ ارتش با کارگذاشتن سلاحهای سنگین در نقاط حساس ومشرف به‌شهروکنترل مربوان را بدست گرفته وعلیرغم انتظار مردم‌به‌بازرسی مسافران پرداخته است.

کار ۱۵مرداد ـ درافسر و ۱۱پرسنل پادگان‌بکرمانشاه، بعلت اعتراض دربادگان، بوسیله‌کمیته دستگیر ودرزندان بسر میبرند.

کیهان آزاد ۱۵مرداد ـ حزب دمکرات کردستان درباره سیر گشاده‌ای اعلام‌داشت: کردستان درآستانه جنگ داخلی است. اگرارتش روی خلق اسلحه‌بکشد، ساکت نمی ماتیم.

کیهان آزاد ۱۵مرداد ـ ابراهیم یونسی استاندار مستعفی‌کردستان، کردها برای تحویل اسلحه‌شان و آزادی میخواهند.

* * *

قیاده موقت درمریوان

تهران مصور ۱۹مرداد ـ ارچمران درموردقیاده موقت سوال شدکه با وجودیکه آنها هم مسلح هستند، چراکاری نمیکنید؟ودولت از آن حمایت میکند؟ وی جواب داد: "قیاده موقت میهمانان ما هستند!"

آیندگان ۱۶ مرداد ـ شورای انقلاب مریوان به‌قیاده موقت اخطار کرد.

آیندگان ۱۶ مرداد ـ قیاده موقت خواستار کنترل مریوان بدست قیاده‌ای هاشد.

اطلاعات ۱۷ مرداد ـ مردم مریوان خواستار اخراج قیاده موقت از ایران شدند.

ندای آزادی ۱۸ مرداد ـ دوحاده سنندج به مریوان توسط قیاده موقت بسته شد.

* * *

شیوه حل مسئله زمین ازنظر یک لایحه قانونی

بامداد ۱۳مرداد ـ دردرگیری مالکان وکشاورزان دیواندره ۳ نفرکشته، وچندنفرمجروح بجای گذاشت.

پیغام امروز۱۶مرداد ـ درنلو ـ چمنان هرغائی مامورسرکوب و چپاول منطقه‌خودشده‌است.

جمهوری اسلامی ۱۶مرداد ـ کشاورزان یک روستای آمل علیه عده‌ای زمینداران بزرگ‌که چماقدارا جیرکرده‌اند، درفرماندار‌ی این شهردست به‌تحصن زدند.

ندای آزادی ۱۷مرداد ـ بدنبال بآتش کشیدن چندهکتارمحصول گندم‌مردم‌جلدیان دراطراف سیاسی) نشستند‌درطول زمان تعقیب‌شده‌اند. بالاخره‌ازاین طریق پایگاه مردمی و اجتماعی کسب کرده‌اند.

احزاب دیگری نیزهستند که یکشبه‌درشکل وظاهر (ونه درمحتوی) راه‌طولانی رامی پیمایند. همین.

* * *

ـ آزادی تا آنجا محترم است که‌به‌آزادی دیگران لطمه وارد‌نباید.

ـ آزادی تا سرحدهرج و مرج قابل قبول است.

ـ آزادی حدومرزهمدارد.

ـ سوء استفاده ازآزادی ممنوع است.

ـ همیشه‌آزادی باعبارت کاملاصحیح فوق نقض میشود. هیچکس (حتی شاه) نمیگفت چون من دیکتاتورم آزادی نمیدهم.

* * *

به همسروفا نواده‌سید محمدرضا سعادتی دراین هفته ملاقات ندادند. معلوم نیست که‌آیا حقوق بشرهم‌در اوضاع‌واحوال فعلی بوضعیت روزمربوط میشود؟

سوال اینست که‌آیا این نتیجه‌انتخابات است که‌به ملاقات سعادتی هم‌کشیده‌شده است؟

* * *

دریکی‌ازشهرهای شمال، فردی که‌برای پیشوادان اسامی کاندیدها رامی‌نوشت‌ازآنها سوال میکرد: "آیا اسلامی‌باشد یاکمونیست؟" وچون جواب می شنیدکه‌اسلامی‌باشدسوال‌میکرد که "آیا مسلمان واقعی باشد یا منافق؟" وسپس اسامی‌کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی را برایش مینوشت.

* * *

دریکی ازشهرهای شمال فردی که‌برای پیشوادان اسامی کاندیدها رامی نوشته ازآنها سوال میکرد: "آیا اسلامی باشدیا کمونیست؟" وچون جواب میشنیدکه‌اسلامی باشدسوال میکردکه "آیا مسلمان واقعی باشد یا منافق" وسپس اسامی کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی را برایش مینوشت.

نکته:

"وحدت کلمه فقط برای بهره‌گرفتن از جان‌به‌مردمی امام"

روحانیون بسیاری رامی بینیم‌که‌درمقابله‌با نیروهای انقلابی مسلمان با یکدیگر نزدیک میشوند وبقولی وحدت کلمه پیدا میکنند. همین روحانیون حتی با حکم‌صریح امام‌هیچکدام‌درنماز جمعه‌با امامت صریح حضرت آیت اله طالقانی حاضرنمیشوند. حتی محض نمونه هم‌یکنفرازایشان رانمیشوان یافت. گویا چیز دیگری غیراز وحدت کلمه وحکم امام‌راهنمای عمل آنهاست!!

* * *

احزاب انقلابی ومردمی تنها پس ازعبورازفرازونشیب های اجتماعی ومبارزه‌طولانی قوام‌مییابند. آنها معمولا کاروانی ازشهدا همراه‌خود دارند. اصول ومبانی فکری وعقیدتیشان کاملامشخص است عناصرناخالص که‌دارای وحدت عقیدتی (ایدئولوژیک ـ

جنبش مسلمانان مبارز در یک مصاحبه مطبوعاتی:

با حسن نیت وصداقتی که بخرج دادیم، پاسخ ما متاسفانه نقض آزادی بود

سه نفر از مسئولین جنبش مسلمانان مبارز در یک نشست مطبوعاتی در تاریخ پنجشنبه ۵۸/۵/۱۸ نقطه‌نظرات سازمان خود را پیرامون اساسی ترین مسائل‌روز توضیح دادند. که در محورهای‌زیرمحتوای آنها را بیان میکنیم.

الف ـ دلایل شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

ابتدا درباره طرح جنبش مسلمانان مبارز برای شرکت نیروهای انقلابی مسلمان و نمایندگان واقعی مردم درمجلس صحبت شد. یکی از مسئولین گفت:

بخاطر وحدت بخشیدن‌بنیروهای خلقی، وبهنجرد انقلاب که ضرورتی حتمی بوده، ما مساله انتخابات را شرایطی قبول کردیم...

برای اینکه‌خواهیم درپیشنهادات خود به یک وحدت نظر برسیم‌با چهار گروه دیگر، نمایندگان مشترکی انتخاب کردیم. و این نمایندگانی‌که اعلام‌شد، همگی افراد مسلمانی هستندکه‌دردوران استبداد گذشته بنحوی مبارزه کرده، و عملا" مبارز بودن خود را در صحنه استبداد نشان داده‌اند...

اما متاسفانه‌با این حسن نیت و صداقتی که بخرج دادیم، و با وجود اینکه همیشه هدف ما این بوده که از اصولی دفاع کنیم که در جهت پیشبرد انقلاب و آرمانهای خلقی باشد، جواب مردم‌پسندی دریافت نکردیم. باخصوص که در طول انتخابات گرفتیم. نقض آزادیهایی بود که بطورگسترده شاهدان بودیم. سعی ما همیشه براین بوده که موضعی ارشادی داشته‌باشیم، هرچندکه در ایجاد وسیع، نقض اصول‌انقلابی را آگاهانه افشا خواهیم کرد.

ب ـ نقض آزادی‌ها در انتخابات و موضع‌ها

جو حاکم بر نحوه برگزاری‌انتخابات را بهیچ وجه با موازین اسلامی و آزادی سازگار نمیدانیم و موارد مهمی‌از نقض اصول اسلام را می‌آوریم:

۱ ـ پاره کردن اعلان‌های انتخاباتی احزاب و سازمانها توسط اعضای وابسته به حزب‌جمهوری اسلامی وامضاء و روسای بعضی کمیته‌ها در سراسرکشور.

۲ ـ ضرب و شتم، بازداشت و تهدید اعضاء وسمپاتهای‌سازمانهای‌دیگر از سوی افراد وابسته به همین حزب.

۳ ـ سمپاشی، و اتهامات دروغ، به نامزدهای غیر از حزب جمهوری و موشتن اسامی کاندیداهای‌این‌حزب‌برای بیسوادان که رقم بزرگی ازرای‌دهندگان را تشکیل میدادند، توسط اعضاء‌یا مسئولان و یاروان وابسته به این جریان.

۴ ـ برخوردهای خشونت‌آمیز و دزدیدن صندوق حوزه‌هائی که احتمال میدادید آراءآن به نفع آنها نباشد.

۵ ـ حذف نام دکتر پیمان از فهرست اسامی نامزدها در حوزه‌های رای‌گیری، و در نتیجه عدم قرائت آراء ایشان در بسیاری از حوزه‌ها.

۶ ـ سوء استفاده با شیوه‌های‌کثیف از نام و محبوبیت مردمی امام، برای تبلیغات انتخاباتی بنفع حزب‌جمهوری اسلامی. درضمن چسباندن مارکهای ضد انقلاب، غیر مسلمان و مخالف امام و جمهوری اسلامی به دیگران. بطوری‌که اکثریت مردم تصور میکردند فقط یک فهرست نامزدهای مسلمان وجوددارد و بقیه صد مسلمان و یا ضد مسلمان‌وضد انقلاب هستند.

۷ ـ تقلب در آراء وبرخشی آراء اضافی در صندوقها در بعضی حوزه‌های رای گیری.

در پایان عکسها و اسنادی گواه‌بر سوءاستفاده در انتخابات بنفع حزب جمهوری اسلامی ارائه داده، و اضافه کردند اگر حزب جمهوری اسلامی مدرک یا سندی برای کاندیداهایش از طرف امام دارد بهتر است آن را نشان دهد تا مسائل روشن گردد.

آنگاه به بیان نمیدهکسی‌واسلامی جنبش مسلمانان‌مبارز در قبال نقض‌مکرر آزادیها پرداختند. سپس به دولت به علت نپذیرفتن مسئولیت در برابرنقض آزادی و کنار کشیدن آن انتقاد کردند. و به انحصار طلبی حزب‌جمهوری‌اسلامی که در جریان انتخابات خود را نمد ـ ترین وجهی نشان داد انگشت‌گذاردند.

مسئولین جنبش مسلمانان مبارز به دلایل روشنی حمله به روزنامه آیندگان را عملی‌که شدیدا" بنوی قاشیم میدهد، خواندند. و از روزنامه انقلاب اسلامی و آقای هاشمی رفسنجانی‌که‌موضع مسئول هم دارند، بخاطر سعی در صحیح‌جلوه دادن جریان انتخابات، انتقاد کردند.

مسائل دیگری که مطرح شدعبارت‌بوداز

۱ ـ نقش توده‌ای مردم در حفظ دستاوردهای انقلاب از خطرات ارتجاع و امپریالیسم

۲ ـ تفاوت گذاشتن بین شرکت مردم در سیاست، وسوءاستفاده از آنها برای برنامه‌های گروهی خاص.

۳ ـ بی‌توجهی مسئولین‌بحاکمیت مردم برسرنوشت خویش. از جمله عدم رسیدگی به شوراهای کارگری که خواست میلیونها کارگر ایرانی است.

۴ ـ بی توجهی به حل مشکلات خلقهای کرد، عرب... که‌دچاربوطه‌ـ های‌ضد‌انقلاب، ارتجاع و آمریکاهستند.

راه حل‌این مشکلات و جلوگیری از زندگی روز افزون مردم در فعالیتهای‌سیاسی، بنظر جنبش مسلمانان‌مبارز، در آزادی مردم و گروهها بیان شده‌است. آزادی‌ای که در صورت عدم حفظ و تضمین آن، جامعه بسوی‌قاشیسم خواهد رفت.

ج ـ وحدت نیروها

واعتصموا بحبل الله جمیعا" ولا تفرقوا

امروز گروههائی شعار وحدت می‌ـ دهند در حالیکه درعمل‌بانحصارطلبی مشغولند. جریان انتخابات حد اقل توانست مرزبندی قاطعی بین نیروهائی که طرفدار قدرت و انحصارطلبی‌هستند، با نیروهای انقلابی که صرفا" ازرشها و اصول برابرشان مطرح‌است‌سوءاستفاده و تفاوت این دو را نشان دهد.

ما از طرح مساله وحدت به‌نتیجه زیر مورد نظر داشتیم.

۱ ـ وحدت اصولی احزاب‌وگروهها بخاطر شرایطی که امروزه پیش‌آمده‌است. با توجه به اینکه عدم وحدت نیروهای مردمی در آینده شرایط‌بحرانی آیشش می‌آورد.

۲ ـ تحکیم قدرت وحدت، و به دنبال آن تحکیم وحدت خلق برای پاسداری از ارزشهای انقلاب.

۳ ـ مقابله با توطئه‌های روزافزون امپریالیسم و ارتجاع و سرمایه‌داری وابسته، آنهم در شرایطی که اولا" قرارـ دادهای طلائی ایران و آمریکاطورعلنی با عبرعلنی ابقاءمیشود. وثانیا" محتوای این قراردادها بطور کلی برای ملت‌فاش نمیشود. در نتیجه ما میتوانیم توطئه روزافزون امپریالیسم را دفع‌نمائیم. امپریالیسم و ارتجاع در یک ارتباط نا ـ گسستنی و از موضع طبقاتی سرمایه‌داری وابسته، در شرایط امروز اصلی‌ترین‌تضاد ما است.

همبستگی باسایرنیروها

این یک مسالهاساسی است که آیا نیروهای عبر مذهبی میتواند در این وحدت‌شرکت داشته باشند یا خیر. همان‌طور که بارها امام خمینی وآیت‌اللهطالـ ـ قانی تاکید کرده‌اند. برای نیروهای‌غیر اسلامی به لحاظ سیاسی و آرمان هنای مکتبی شان بهترین راه همکاری با این جبهه است. اگرواقعا" برای آنها آزاد ـ شدن مورد از منابعات امپریالیستی و استثماری و استبدادی ارزش وپرتصیب و آرمان است، باید در این جبهه‌وپشت سر این جبهه حرکت کنند.

شرکت‌نیروهای غیراسلامی در این جبهه، با پذیرفتن رهبری امام وباره در اتحاد ضدامپریالیستی، ضداستبدادی و ضد استثماری اشکالی ندارد. به شرط اینکه رهبری این جبهه در دست‌نیرو ـ های پیشرو و مترقی مذهبی باشد.

پادگان، با ارسال تلگرامی مردم این شهرودولت اعتراض کردند.

اطلاعات ۱۷مرداد ـ براثرنزاع مالکین وکشاورزان درروستا های "بره‌دره" و "تاره‌آباد" درکردستان، یک کشاورزکشته‌شد.

بامداد ۱۸مرداد ـ لایحه قانونی جلوگیری ازهرگونه‌تجاوزوتصرف عدوانی وغصب وتراعت وسیا ـ ست ازحق‌نسبت با ملاک‌مزروعی و.... به‌تصویب رسید. برای رسیدگی به‌دعاوی مربوطه، یک هیئت‌پنج نفره‌پیش‌بینی‌شده است که‌درآن نامی ازکشاورزان دیده‌نمیشود.

* * *

مفهوم آزادی از دیدگاههای گوناگون

بامداد ۱۲مرداد ـ آیت الله طالقانی: گروهی که‌بنام‌دین به‌گروهها، ومجامع وبا به‌کتاب خانه‌ها ومحل سخنرانی‌آنها حمله میکنند، مسلمانهای ناآگاه ویا آلت دست هستند.

اطلاعات ۱۵مرداد ـ آیت الله طالقانی: ما درسفی استثمار، استعمار، و"دفاع ازآزادی" با مارکسیستها عقاید مشترکی‌داریم ... ما به‌اصالت خدا معتقدیم.

آیندگان ۱۵مرداد ـ عضوجریک های فدائی خلق درمازندران با غربه‌بیل کشته‌شد.

بامداد ۱۵مرداد ـ وزیرکار: بگدارید‌دیگران آزادانه‌حرف شان را بزنند.

کیهان ۱۵ مرداد ـ

قطب زاده‌گفت: اگرشما این روزنامه‌های سی‌معنا دست بدست هم‌بدهدهیچ غلطی نمیتوانند بکنند.

کیهان آزاد (فوق‌العاده) ـ آیندگان توقیف‌شد. با توقیف آیندگان انتشارروزنامه‌های کیهان آزاد، آزادی، ندای آزادی وچند‌نشریه‌دیگربا خطرجدی‌روبرو است.

بامداد ۱۶مرداد ـ لایحه مطبوعات به‌تصویب رسید. شورای انقلاب درلایحه چندتغییردادند است ـ

اطلاعات ۱۷ مرداد ـ آهنگر توقیف‌شد.

بامداد ۱۸مرداد ـ ۴عضو (سه‌تن تحریریه‌ویک‌کارمندادارى) ـ روزنامه‌جمهوری اسلامی‌دراعترا ض به‌ماسوراغبا روطالب دررروزنامه‌استعفا" دادند.

بامداد۱۸ مرداد ـ انتشار ـ پیغام امروزمتوقف‌شد.

ندای آزادی ۱۸مرداد ـ دکتر ممکن گفت: دولت ورارت ـ ارشادملی ازحریان انتخا ـ ل آیندگان اطلاع قبلی نداشت.

کیهان آزاد ۱۸مرداد ـ ماموران مسلح کمیته‌نیمه‌شب برای دستگیری یکی ازاعضای شورای سردبیرآیندگان درکوی نویسندگان وغیرنگاران مبادرت به تیراندازی کردند.

بامداد ۱۸مرداد ـ هادوی داد ـ ستان انقلاب استعفا" کرد.

* * *

روابط ایران با کشورهای مختلف

ایران درجنبش غیرمتعهدها قطعی شد.

اطلاعات ۱۵ مرداد ـ ایران با کوبا رابطه‌سیاسی برقرارمیکند انقلاب اسلامی ۱۵مرداد ـ به دنبال دیدار روزیرا موزعا رجه کوبت، شاهزاده‌سعودالفیصل وزیرخارجه‌عربستان سعودی به دعوت یزدی بزودی از ایران دیدارخواهدکرد. این دیدار نتایج مهمی درروابط تهران و سایرکشورهای عربی خلیج فارس خواهدداشت.

بامداد ۱۶مرداد ـ کویت سیس ایران وعراق میانجی شد.

جمهوری اسلامی ۱۶ مرداد ـ ملاقات سفیرسومالی با نخست وزیر.

* * *

بقیه در صفحه ۹

گزارشی از تخلفات و تقلبات انتخابات

از حدود ۲۲۰۰ حوزه اخذ رای تهران، مجاهدین خلق ایران کارت بازرسی حدود ۲۰۰ حوزه را دراختیار داشتند. بعلت جو موجود، دخالت و حاکمیت عناصر غیرمسئول، چندین نفر از بازرسان را خودسرانه در محل اخراج کرده، و یا اصولا به حوزه محل ماموریت راه ندادند. از ۲۱۰۰ حوزه دیگر اطلاعی در دست نیست.

بازرسان باتحال حدود ۲۰۰ شکایت مستند تسلیم وزارت کشور کرده‌اند. برخی از مدارک در شماره فوق العاده چاپ شده و اینک چند نمونه دیگر.

۱ – دو نمونه از رای دادن با شناسنامه کودک ۴ ساله و با کارت تحصیلی.

نمونه رای دادن با کارت تحصیلی با گزارشی همراه است که در آن نویسنده از نقض قانون در هنگام رای گیری در روستای شان یاد میکند. این روستا "نیکنامده" است که از حوزه‌های بخش شمیران میباشد. مهمترین اعتراضهای او عبارتست از:

اولا – وجود علامیه‌های حزب جمهوری اسلامی در موقع رای گیری در محل، منشیان حوزه تنها لیستی از کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی داشتند. رای دهندگان چه با سواد و چه بیسواد مکلف بودند تعرفه‌های رای را در اختیار منشیان بگذارند. و آنها هم بدون نظر رای دهنده فقط و فقط نام کاندیداهای جمهوری اسلامی را مینوشتند. و بالاخره نقض آن قانون که رای باید همراه با شناسنامه باشد و نه کارت تحصیلی و فتوکپی آن ضمیمه نامه فرستاده میشود.

ثانیا – بازدیدبرگهای تعرفه بدون رضایت یا اطلاع افراد رای دهنده، کسانی را که رای مخالف حزب جمهوری اسلامی می‌دادند تهدید میکردند و میگفتند اینها دیگرکی هستند آبعد هم یک مارک کمونیستی، دیگر آبروئی برای رای دهنده در دیار باقی نمیگذاشتند. فردی از افراد حاضر بر سر شمارش آراء میگفت: "آراء مخالف نظر خودشان را نابود کرده‌اند."

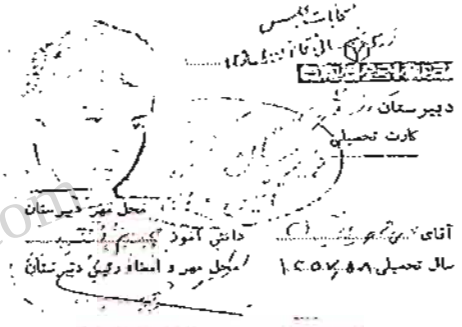

۲ – طبق یک گزارش که به وزارت کشور تسلیم شده است در حوزه کردان واقع در شهرستان کرج تعداد ۶۴ برگ انتخاباتی از بیرون حوزه نوشته شده و برای ریختن به صندوق بداخل حوزه آورده شده است. هوشیاری بازرس باعث شد که این برگها لو برود. این ۶۴ رای که یک نمونه آن کلیشه گردیده، عینا به وزارت کشور تسلیم شده است.

به عالی
وزارت کشور
برگ نمونه انتخابات رای دهندگان
مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
«تعرفه انتخاباتی رای دهندگان»

- نام و نام خانوادگی
- شماره شناسنامه — شماره قید اعتراضی
- بخش — شهرستان
- حوزه انتخابیه استان
- امضاء منشی صحه اخذ رای
- امضاء نماینده فرماندار و یا بخشدار
- امضاء یا اثر انگشت رای دهنده
- محل مهر انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
- تاریخ

به عالی
وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
برگ رای انتخابات مجلس
بررسی نهایی قانون اساسی
«ورقهٔ رای»

- نام و نام خانوادگی
- شماره شناسنامه — شماره قید اعتراضی
- بخش — شهرستان
- حوزه انتخابیه استان
- امضاء منشی صحه اخذ رای
- امضاء نماینده فرماندار و یا بخشدار
- امضاء یا اثر انگشت رای دهنده
- محل مهر انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
- تاریخ

۳ – گزارش یک بازرس که عینا به وزارت کشور تسلیم شده و متن آن در اینجا تایپ گردیده است:

"فرمانداری و محترم شهرستان تهران

محترما، معروض میدارد، من بازرس شماره ۶۰۹۰ در ساعت هشت و ربع صبح روز ۵۸/۵/۱۲ در بازرسی که از حوزه انتخابی شماره ۴۲۴ بعمل آوردم، مشاهده کردم که شخصی با سه برگ انتخاباتی اقدام به اخذ رای نموده است.

لازم به تذکر میباشد که هر سه برگ مذکور دارای یک اثر انگشت میباشد. و سه شناسنامه در دست ایشان موجود بود که متعلق به یک خانواده میباشد... سه برگ انتخاباتی مورد نظر به پیوست میباشد که به کاندیداهای حزب حاکم رای داده است."

۴ – امور راهنمائی و نویسندگی در حوزه‌ها طبق قانون به افرادی از معتمدین محل بایستی واگذار شود.

ولی طبق نامه فوق که سپاه پاسداران نوشته است فردی به این منظور به حوزه ۱۷۵۳ معرفی گردیده است.

آیا این تنها نمونه میباشد؟ آیا از این نمونه‌ها بطور غیر رسمی اعمال نشده است؟

۵ – حوزه ۱۳۲۴ طبق اطلاعیه ستاد انتخاباتی در مسجد بلوک شهرباتی خیابان پارس مستقر بود ولی بعدا "صندوق دیگری تحت همان شماره در داخل ماشین تویوتا ۵۷۹۶۳ تهران ۲۴ بصورت سیار به جمع‌آوری رای مشغول بود. و طبق گزارش نظران عینی و هم – چنین بازرس حوزه ۱۳۲۴ هیچ نوع کنترلی روی این صندوق وجود نداشته، و ۴ نفر مستقر در داخل ماشین اغلب رأی‌ها را خودشان نوشتند و به صندوق ریختند. در صورتیکه اساسا "طبق اعلامیه‌های ستاد انتخاباتی هم چو صندوقی وجود خارجی نباید داشته باشد.

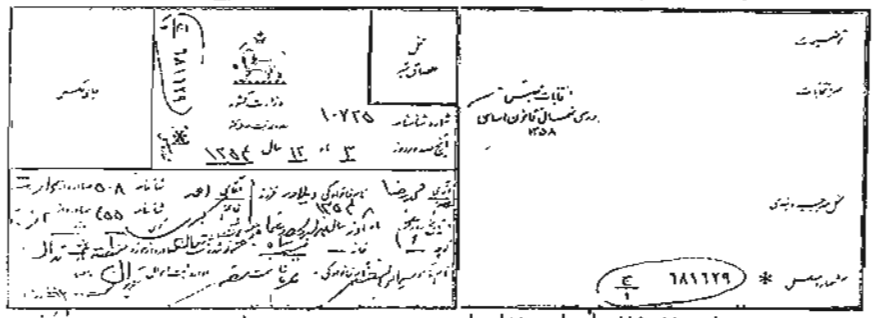

در حوزه ۵۱۵ رای این شناسنامه به صندوق ریخته شده است.

بقیه در صفحه ۱۱

آیا بازسازی دستگاههای اطلاعاتی...

بقیه از صفحه ۱۰

یک سیستم اطلاعاتی مردمی، همانگونه که در جریان انقلاب اخیر شاهد آن بودیم توسط خود توده‌ها بوجود آمده و با مشارکت فعال خود آنها هم بحیات خود ادامه میدهد. قطع این ارتباط بمنزله قطع شریانهای حیاتی آن سیستم و بالمال تبدیل شدن آن به سیستمی ضد خلقی و در برابر آنهاست. فراموش نمیکنیم در دوران پرشکوه و پرشور انقلاب چگونه مردم ما هرگونه توطئه‌ای را افشا میکردند، و اجازه هیچگونه دسیسه‌چینی به ضد خلق نمی‌دادند. نطق کذائی شاه توسط کدام شبکه پیچیده‌ای به خارج درزکرد؟ و حتی پرسنل آگاه و مبارز ارتش، جدیدترین تصمیم گیریها و تغییر و تحولات را چگونه و با چه مکانیزمی در اختیار انقلابیون قرار میدادند؟ همانگونه که در داستان زندگی و مبارزات پیغمبر اسلام نظیر "موسی" نیز میبینیم که کوچکترین امری حتی در دربار فرعون، از نظر او دور نمیماند.

بنابراین با طرح و ایجاد سیستمی اطلاعاتی این سوال نیز بلافاصله مطرح میشود که کدام سیستم اطلاعاتی، با چه هدفی و در مقابل چه کسی؟ از آنجائی که مرز شکلی ناگزیر شناسی مستقیم و ارگانیک با محتوای خاص خود دارد، پرسیدنی است در سیستم اطلاعاتی که ساختار، تجربه و تخصص است و نه چیز دیگر، چه هدفی دنبال میشود؟ همان متخصصینی که سالها سابقه جنایت در دستگاههای اطلاعاتی رژیم منفور پیشین را دارند، چه کاری به نفع توده‌ها میتوانند بکنند. بی جهت نیست که دعوت دوباره آنها برای باز – گشت به سر کارهای قبلی، آنهم به این سرعت، برای خودشان نیز بسیار حیرت‌انگیز است.

سیستم اطلاعاتی رژیم گذشته:

هر نظام و ارگان سرکوبگری در کنار خود احتیاج به سمعی دارد، تا خوراک لازم را برای آن فراهم آورد. از همین رو در نظام پیشین، ارتش نیز از همان بدو امر ادارهٔ اطلاعات و ضداطلاعات را تشکیل داد. تا اولا "فعالیت خود پرسنل را کنترل کند. و ثانیا "طرحهای لازم را برای بقاء رژیم و سرکوب خلق فراهم آورد. اختاپوسی که بر تمام ارکان حیاتی جامعه و بر تمام شئون زندگی انسانها پنجه افکنده و کوچکترین روزنه‌ای را به سوی آزادی بسته بود. امکانات تکنیکی و انسانی که در اختیار آن بود، غیر قابل تصور بود. طبق آمار و برآوردهای خود رژیم تعداد ۱۲۳۸۰ مامور ضد اطلاعات ارتش در گوشه و کنار به کار کشف و ضد مردمی خود مشغول بودند.

براودات و مشورتهای مکرر و مرتب با مستشاران آمریکائی این امکان را برای آن فراهم میآورد که از آخرین دستاورد‌ها و شیوه‌های ضد خلقی سیا و پنتاگون بهره گیرد. و اینهمه برای آن بود که کوچکترین ندای آزادیخواهی و حق طلبانه‌ای را در نطفه خفه کند. اگر ضد اطلاعات ارتش را نافوس شوم سرکوب و عامل شام بلایا و فشاری بدانیم که طی سالها بر این خلق ستمدیده رفت، سخنی به گزافه نگفته‌ایم. ساواک از درون همین سیستم منحوس، پا به عرصه وجود گذاشت، و چهره کریه آن همواره بعنوان مقدمه و پیشدرآمدی قبل از ورود ارتش و دیگر ارگان‌های سرکوب رژیم عیان میشد. به همین جهت تلاش بسیاری صرف تربیت و پرورش افرادی شد که از یکطرف کلیه روابط و پیوندهای آنها با توده مردم و خواسته‌های آنها بریده شده باشد، و از طرف دیگر متخصصینی کارآزموده در خدمت اهداف پلید مورد نظر باشند. مجموعه این عوامل دست بدست هم داد و سیستمی را بوجود آورد که تا آخرین لحظات حیات نظام گذشته به توطئه و کشیدن نقشه و طرحهای ضد خلقی مشغول بود و بهر کوششی برای خنثی کردن تلاش مردم در کشف زنجیرهای دیکتاتوری دست میزد. طبق اسناد و مدارکی که به دست آمده شبکه‌های متعددی مثلا "تحت دست میزد. طبق اسناد و مدارکی که به دست آمده شبکه‌های متعددی مثلا "تحت عنوان "ستاد بررسی تهدیدات، شایعات و تبلیغات مضره" و ... سعی در یافتن راه‌چاره‌ای برای اشخاص رژیم داشت. از طرح کودتا گرفته تا پشتیبانی از دولت بختیار، بررسی و تعیین موضع ارتش‌شناسی در مقابل تشکیل دولت سایه (منظور دولت مهندس بازرگان است. به کارنامه مجاهد شهید سرگرد علی محمدی مراجعه شود.) همه از اینگونه چاره‌اندیشی‌ها است.

پس از انقلاب، ضد انقلاب کجا رفت؟

بعد از انقلاب، توده‌های از بند رسته که هیچ مانعی در پیش‌پای نمی‌شناختند، سالها کینه و خشمی را که در سینه‌ها نهان بودند نثار رژیم و تمام عوامل و ابادیو نهادهای آن کردند. از جمله ساواک نیز زیر گام‌های استوار آنها بر آن درآمد ولی مصیب اینکه دستگاههای ضد اطلاعات ارتش از تعرض مصون ماند، و تحت چتر و حفاظی که از دست نخورده ماندن کل سیستم ارتش ایجاد شده بود به حیات زیر پرده خود ادامه داد. و پس از مدتی تحت عنوان تازه "تداوم انقلاب" و "اداره مشاوره و ارشاد" و ... عیان شد. نظامیانی که با آگاهی از اعمال کثیف و ضد انسانی خود از ترس بخود میلرزیدند، پس از اندک زمانی با جسارت و بابادی، با دعوت برای بازگشت به سر کارهای قدیم خود مواجه شدند. اداره هشتم ساواک نیز که عنوان "ضد جاسوسی" را بدک میکشید، همانگونه که همواره مشاهده شده است در ابتدا با شعار و هدف "دفاع از تمامیت ارضی کشور در برابر حملات دشمنان خارجی و فعالیت های بیگانگان" جای خود را در کنار ضد اطلاعات ارتش باز یافت. زیرا همانگونه که گفته شد تا زمانیکه به ارتش، ضد اطلاعات آن پیوسته نشود و یکپارچه معاونت در وزارت دفاع برای آن ایجاد نگردد، کارآئی لازم را ندارد. ولی در ادامه این تلاش سازمان یافته و حساب شده، تا حصول نتیجه قطعی هنوز یک قدم اساسی در پیش است، و آن اینکه این توطئه زیبا چگونه بمردم عرضه شود. از طرف دیگر پاسخ پیش‌بینی شده به خواستهای مشروع خلقها، سرکوب از طریق ارتش است و ارتش نیز بی‌صبرانه منتظر همواره کننده همیشگی راه و منبع تغذیه‌ای است که مقدمات لازم برای تجاوز را فراهم کند. ترکیب قبل از انقلاب آنچنان چهره‌ای مفتضح دارد که هیچگونه میدان عملی در پیش مردم نخواهد یافت.

شیوه تازه‌ای جستجو می‌شود:

اینجاست که چاره‌ای تازه اندیشیده و پای افراد غیر نظامی به میان کشیده میشود.

همانطور که دیدیم ارتش بتنهائی در شرایط کنونی قدرت عمل ندارد. و در کنار آن پاسداران انقلاب باید مشروعیت تجاوزات مکرر وی را فراهم کنند. همینطور سازمانهای اطلاعاتی تازه تاسیس نیز با استفاده از عناصر ضد انقلابی گذشته قابل ارائه و عرضه نیست و باید تحت نظر عوامل غیر نظامی ارتجاعی تازه ارجح آمده و یا افراد اطلاعاتی سازمانهای ارتجاعی، آغاز بکار کنند. این ترکیبی است که در کلیه نهادهای ضد خلقی تازه تاسیس چشم میخورد. بدینترتیب دیگر تجمع و آغاز بکار همکاران پالیزبان‌ها مورد سوال قرار نخواهد گرفت. این سوال پیش نخواهد آمد که آیا دارهٔ ضد جاسوسی که وظیفه‌اش حفاظت و حراست از مرزها و جلوگیری از توطئه‌های سرسپردگانی نظیر پالیزبانها است، آیا میتواند برملیه همکاران قدیمی خود که در همان نقاط به تجاوزات آشکار و فعالیت های ضد انقلابی خویش مشغولند، اقدام کند؟ و یا اینکه این سیستمهای اطلاعاتی چرا و از چه رو، اولین آزمایشهای خود را روی نیروهای انقلابی (که خودشان عناصر ارگرد آن چندان بی‌سبب نماندیم) پیدا میکنند؟ پس بکبار دیگر به نقطه آغاز همان سوال اساسی بازگردیم که:

"آنچه را در این مسیر (که البته جدای از هدفها هم نمیتواند باشد) تعیین کننده میدانیم کدام است؟ تخصص یا ایدئولوژی؟" چرا که بسته به پاسخی که به این سوال میدهیم راه آینده مان را هم مشخص کرده‌ایم. اهداف بدیلو لوژیک ما هیچگاه بر سرکوب خلقها و ایجاد دیکتاتوری و فشار و اختناق سمه تنها صحه نمیگذارد، بلکه قاطعانه در مقابل آن خواهد ایستاد. ولی اگر سر دیگر داریم، از تخصص که به عالیترین شکلش نزد مستشاران آمریکائی بافت میشود میتوان استفاده کرد. اما....

دیدگاههای ایدئولوژیک مجاهدین خلق

برداشتهائی از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه های ۹۱ و ۱۹۶)

امام علی میخواهد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد.

(در مورد این اصول و احکام) هیچ نیازی به " مشورت " شما هم نیست . به حداقل قسم در اینموارد (که پای اصول در میان است) به شما می‌توانید سرزنش کنید و نه دیگری غیر از شما . . . " این خطبه در پاسخ به این سؤال طلحه و زبیر ایراد شد که " چرا علی مشورت با ایشان را ترک کرده و در کارها از آنها کمک نمی‌طلبد " . بخوبی روشن است که طلب این " مشورت " و تقاضای دموکراسی در امر اداره و رهبری جامعه از چه جایگاه و موضع طبقاتی سرچشمه می‌گیرد . درواقع طلحه و زبیر خواستار یک امتیاز و حق " سیاسی " شده‌اند . آنها " سهم " خویش را در تصمیم گیری از علی طلب می‌کنند . " سهمی " که دقیقاً " در جهت برآوردن و تأمین منافع طبقاتی و اقتصادی ایشان و به مثابه " بارتاب سیاسی . امتیاز خواهی آسان است . (امتیاز دادن به بعضی‌ها در تقسیم بیت‌المال) یکنا منتاز سیاسی‌ای است که از یک امتیاز اقتصادی اجتماعی نشات گرفته ، و در عمق خود و نهایتاً " عین اجبار و نثاری است که می‌خواهد علی را به عدول از مواضع خود وادار کند ، و امتیاز ایدئولوژیک بگیرد . اما علی اهل امتیاز دادن و بارش نیست . بارش با چه کسانی ؟ . با کسانیکه بوئی از انقلاب و اسلام راستین و مضمون عدالت نبرده‌اند ، و از روی ناچاری و ترس از افکار عمومی با امام بیعت کرده‌اند ؟ آنهائی که دس چیزی جز وسیله دنیاشان نبوده و در امر انقلاب به چیزی جز غنائم و صیوه‌چینی از آن نمی‌اندیشند ؟ و اختیاردادن به چه قیمتی ؟ چه بر به قیمت مایه گذاشتن از اصول و از دست دادن هویت و مواضع بکتابرستانه خودش ؟ با این افراد و حزبائیات چه وحدتی می‌تواند داشته باشد ؟ دیدگاه و مشی او اساساً " و از بنیاد با تفکرات بی‌محتوای شرک‌آمیز و سودپرستانه امثال طلحه و زبیر متضاد است . اختلاف و تضادی که بطور آشتی‌ناپذیر سالفی بنیادهای ایدئولوژیکی یکدیگرند ، و لازمه ، اثبات و حیات یکی ، نفی و مرگ دیگری است . اینست که در همان روزهای اول بعد از پیروزی انقلاب خطاب به ابن عباس صریحاً " میگوید : " ابن عباس ! من اهل اینکونه حرفهای تو و مشیره نیستم . . . . نظر مشورتی خود را می‌گویی ، من هم نظری می‌دهم . بعد از اینکه ، نظرت را بپذیرفتم ، باید حرف مرا اطاعت کنی . . . " (امام علی جلد ۲) .

در اینجا علی بر اصل رهبری و مرکزیت تاکید می‌نماید ، وحدود " مشورت " را تا آنجائی می‌داند که اصول نقض نگردند. والا وقتی که مساله انحراف از اصول در بین باشد ، به هیچ مشاوری احتیاج ندارد ، و هیچ بیاری هم به نظرات تحدیدنظر طلبانه و تعدیل‌های این و آن ندارد . . از دیدگاه علی مشورت با کسانی که از همینگونه ملاحظتی برخوردار نیستند ، و صرفاً " از یک موضع فرصت طلبانه و بخاطر منافع خود درصدد کسب امتیاز سیاسی هستند ، نمی‌تواند کار درستی باشد . آنها در حقیقت مشورت را وسیله‌ای برای تامین خواست ها و تمایلات طبقاتی خود یافته‌اند . چنین مشورتی در نهایت جز سازشکاری و دست شستن از " اصول " نخواهد بود . ترس دادن به شور با چنین کسانی در واقع به معنای پذیرفتن کادر و چارچوبی است که در آن کادر خط مشی علی از پیش رد شده است . بدین علت است که علی فاطمانه دربرابر این خواست طلحه و زبیر ایستادگی میکند . والاروشن است که مشورت در شکل صحیح آن یک اصل انکارناپذیر است که خود علی بارها بر آن تاکید نموده است ، و در موارد متعددی در نهج‌البلاغه از جمله کلام ۱۵۲ و ۱۶۲ ضرورت آن را خاطر نشان ساخته است . علی بارها در عمل و در جریان اداره امور جامعه این اصل را بکار می‌بسته و از مشورت با مردم و افراد دیصلاح دریغ نمی‌کرده است .

بهرحال مردم چون با علی بیعت کردند ، یک روز هم صرفکرد و آماده " انعاء سیستم و نظامی شد که از حدود ۲۵ سال پیش مستقر شده بود .

دوری و پراکندگی برخی نیروها پس از موضع‌گیری قاطع و اصولی امام علی

بسار طبیعی و قابل پیش‌بینی است که بلافاصله پس از چنین موضع‌گیری ، خشم کسانی که با بخشش‌های نظام قبیل ممتاز شده بودند ، برانگیخته شود ، و با اجرای آن خط‌ها از اطراف علی پراکنده و حمایت خویش را از او قطع کنند . حتی به توطئه‌چینی بر علیه وی دست زنند .

طلحه و زبیر بلافاصله از نزد علی برخاسته و بسراغ سران مرتجع جاهلیت دیروز رفتند ، تا آنها را علیه علی تحریک و متشکل سازند . عده‌ای نیز که با پاگرفتن حکومت علی موقعیت و منافع خود را در خطر می‌دیدند به ایشان پیوستند و بنای صدیت با او را نهادند .

پیشنهاد امتیازدادن غیراصولی برای جذب افراد و نیروها

درست در همین نقطه است که نصیحت‌گران و توجیه‌کاران ریاشان دراز شده و سرزنش‌ها و پند و موعظه‌ها آغاز می‌گردد . عده‌ای به علی می‌گویند : " سیاست تو خیلی تند و افراطی است ، و موجب افروخته شدن آتش انقلاب در میان کسانی می‌شود که سرمایای دوران اشرافیت از ایشان سلب شده است . " (امام علی جلد ۲)

در این مورد موضعگیری و سخنان موعظه گرانه مغیره بن شعبه بسیار جالب است :

مغیره خطاب به علی گفت : " من به تو نصیحت می‌کنم که کارگزاران گذشته را در جای خود ابقا کن . معاویه را درکار خود بکار . این عامر را هم ابقاء کن ، دیگر کارگزاران راهم در جای خودشان باقی گذار تا از بیعت و اعلام همبستگی می‌کنند و کشور راهم این و آرام نگه می‌دارند ! " (امام علی جلد ۲) .

علی تیز در پاسخ وی گفت : " بخدا قسم اگر باعتی از روز مانده باشد در اجرای خط مشی خودم تلاش بخرج می‌دهم . و هرگز افرادی ارقماش آنهایی راکه نام بردی والی نمی‌کنم . بخدا قسم معاویه را دو روز هم بر نمی‌گمارم . اگرآنها مولمان را بدبرفتند چه بهتر و اگر نپذیرفتند با نصیحتم به حدشان میرسم " .

امام علی برای جذب افراد و نیروها امتیاز نمی‌دهد

او می‌خواهد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد

علی یک انقلابی معتقد به کار مکتبی است که با مصلحت گرایی و سازشکاری و موضعگیری های بینابینی (بین حق و باطل) بکلی بیگانه است . مثلاً " وقتی رویه‌ای را درست و اصولی تشخیص میدهد دیگر اعتراض و مخالفت این و آن نمی‌تواند تخفیف و تعدیلی در موضع اصولی او ایجاد کند . البته این به معنای عدم انعطاف لازم در موارد تاکتیکی نیست ، و نبایستی از این مساله درست بودن اقدامات چیزوانه را برداشت نمود . بلکه مطلب بر سر این است که علی در اصول هرگز اهل کوتاه آمدن و سازش نیست . روشن است که این موضعگیریهای قاطع تا حدیه اندازه می‌تواند موجبات نارضائی اقشار ممتاز و طبقه استثمارگر را فراهم سازد . تفاوت یک مصلحتگرا و یک فرد معتقد به کار مکتبی نیز در همین جا است که اولی در برابر امواج مخالفت و مشارهای مربوز ضعیف شده ، و چه بسا ممکن است از تصمیمات خود منصرف گردد . و حال آنکه یک انقلابی معتقد به مکتب و اصول حتی به قیمت فداساختن همه امکانات و نیروی خود و حمایت‌ها و . . . حاضر نخواهد شد از آنچه که بعنوان " اصل " بدانها پای‌بند است دست بکشد . فاطمیت علی (ع) در این موارد بسیار قابل توجه است . در نامه‌ای به مالک اشتر نوشت : " سپس بدان که : حکمرانان را خویشان و نزدیکانی است که به خودسری و گردنکشی و درازدستی (به مال مردم) و کمی انصاف خو کرده‌اند . ریشه و اساس ایشان را از طریق سازوره با عوامل و شرایطی که موجب وصمیت شتگرانه می‌گردند ، از بین ببر ، و طلم را بطور بنیادی نابود کن . یعنی هرگز به کسانی از آنان که در اطرافت هستند و یا به اهل سست و خویشاوندانت چیزی از زمین به اقطاع مده و مزرعه و آبادی را به آنان واگذار نکن .

پس از روی کارآمدن علی، مغیره وقتی قاطعیت و سرسختی او را دید ، با اتخاذ یک موضع پراگماتیستی ظریف و مصلحت‌گرایانه می‌خواست علی را وادار سازد که در رابطه با کارگزاران رژیم قبلی بطور تاکتیکی هم که شده موضع سرسختانه‌ای نگیرد . مغیره به امام نصیحت کرد : " همیشه بیعت آنان و اطاعت سپاهیان از تو ، تثبیت شد ، هر کس را خواستی عوض‌کن و یا باقی گذار . . . ولی علی از این سرهم بندیها وجوشکاریها بلد نیست . و اصلاً " اهل جوشکاری نیست . پاسخی که علی باین راه حل مغیره می‌دهد بسیار جالب و قابل تعمق است . به او می‌گوید : " در مکتبم نیرنگ وارد مکن و در کارم خدشه روا مدار . . . "

بقیه از صفحه ۱

نامه "سعادتی" خطاب به خلق قهرمان ایران

مردمی مسلح به سلاح ایمان و شهادت، به دفاع و پاسداری از خون شهدا برخاسته‌اند

نامه زیر که سعادتی آنرا متعاقب شکستن اعتصاب غذای ۳۵ روزه خود خطاب به خلق قهرمان ایران نوشته است توسط پست بدست همسرش رسیده که بدینوسیله با طلاع عموم می‌رسد .

"نام خداوند درهم کوبنده " ستمگران و تکامل‌بخش رنجبران "

در چنین شرایطی که حسب الامر حضرت آیت الله طالقانی به اعتصاب غذای خود پایان دادم ، و در ضمن شرایطی فراهم شده تا بالاخره بتوانم چنین رابطه‌ای را برقرار کنم ، لازم و وظیفه خود دانستم که چند کلمه‌ای را به محضر خلق قهرمان ایران بویژه خواهران و برادران رزمنده‌ای که بطرق گوناگون سمت به اسارت این برادرشان معترض بودند ، تقدیم دارم .

باز مادران داغدیده و ستم کشیده‌ای را دیدیم ، که با فریادشان خبر از اسارت فرزندی را می‌دادند . اسارتی مجدد ولی در بهار آزادی . . .

باز صفوف منظم راهپیمایان را دیدیم ، مادران ، پدران ، خواهران و برادران بگران ، که در صفوفی متشکل و با قاطعیتی تمام ، مسلح به سلاح ایمان و شهادت به دفاع و پاسداری از خون شهدا برا خاسته بودند . آنها همگی آزادی مجاهدی به بند کشیده را خواستار بودند .

دشمن هیچ فرصتی را برای توطئه چینی از دست نمیدهد

باز وحدانهای بسداری را دیدیم که بطرق مختلف از کلیه اقشار ، اعطراف و نگرانی عمیق خود را نسبت به پایمال شدن خون شهدا ابراز می‌کردند . آنها همگی خواستار آزادی فرزندی به بند کشیده شده بودند . " آزادی سعادتی " . آیا واقعاً " مسئله تنها در " آزادی سعادتی " خلاصه میشد . این همه فریادها ، این همه تلاش ها و این همه نگرانی ها تنها بخاطر همین بود ؟ طبیعی است که چنین نیست . به بند کشیده شدن فرد خاصی مطرح نیست . در ورای این اسارت و یا در حقیقت در پشت این توطئه ، اسارت و نابودی ارزش هایی است که به بهای خون هزاران شهید و هزاران اسیر بدست آمده است .

فردی دستگیر می‌شود ، شکنجه می‌گردد ، پرونده‌ای ساخته می‌شود و متهم به جاسوسی !! ، جاسوسی بنفع بیگانه !! . . . این فرد اتفاقاً " عضو سازمان مجاهدین خلق ایران است . تبلیغات علیه او شروع می‌شود ، او را آکاهانه "بزرگ" می‌کنند ، یکی از رهبران سازمان ! . . . فرد سوم سازمان ! . . . و . . . چرا ؟ هدف چیست ؟ هدف برای دشمن روشن است . دشمن هیچ فرصتی را برای توطئه‌چینی و حمله از دست نمی‌دهد . با بی‌اعتبار کردن این فرد مستقیماً " بی‌اعتباری سازمان متبوعش را دنبال می‌کند . پس "بزرگ‌کردن" و بالابردن مواضع سازمانی این فرد تاکتیکی است که در متن چنین استراتژی و با چنین توطئه‌ای قرار می‌گیرد . توطئه‌ای علیه نیروهای انقلابی از طرف عوامل ارتجاع ، عواملی که همواره و در نهایت در یک نقطه — یعنی صدیت با نیروهای انقلابی — با دشمنان خارجی تلاقی خواهند نمود .

دفاع از تمامی ارزشهای مکتبی

بنابراین در این جریان تمامی ارزشهای مکتبی و انقلابی مجاهدین مطرح است نه فرد " سعادتی " .

دفاع از حیثیت سیاسی مبارز ایدئولوژیک " سعادتی " دفاع از تمامی ارزشهای اصیل و انقلابی سازمانی است که موجودیتش مرهون خون پاکترین و عزیزترین فرزندان خلق و تحمل وحشیانه ترین شکنجه‌ها و سیاهچالهای هزاران مجاهد دیگر است .

خواهران و برادران قهرمان : شما با درک عمیق این مسئله بهترین پاسخ را به این عوامل شناخته شده دادید . پاسخی مطلوب برای هر مجاهد دردمند و متعهد و پاسخی دندان‌شکن برای هر عنصر مرعوب‌طلب و مرتجع . آفرین بر شما .

درود بر شما باد که نشان دادید پاسداران واقعی انقلاب پیروزمند ما هستید . و این شما هستید که باردرصدان نبرد با هرگونه توطئه ضد انقلابی و ارتجاعی با سلاح ایمان و شهادت پیکار می‌کنید . و از دستآوردهای انقلاب پاسداری می‌نمائید .

شما نشان دادید که دیگر تاریخ تکرار نخواهد شد و نیروهای انقلابی توسط عوامل کهنه و ارتجاعی و به کمک دشمنان خارجی دیگر به این سادگی از صحنه خارج نخواهند شد . پاسخ خلق قهرمان ایران در این شرایط به هنرهای حق‌طلبانه‌ای خیلی سریع ، قاطع و کوبنده است . درود بر شما پاسداران نهایی دستآوردهای انقلاب .

تمام شرایط عینی و تاریخی برای تحقق واقعی جامعه بی‌طبقه توحیدی فراهم است

شما تیلور راستین تمامی دردها ، بکرانی ها ، کینه‌ها ، خشم ها ، و فریادها علیه تمامی توطئه‌های ارتجاع بودید .

شما تیلور راستین اسلام ناب و خالصی بودید که دیگر بلحاظ تاریخی تن به همچگونه سازشی با ارتجاع نخواهد داد . اسلامی که تمام شرایط عینی و تاریخی برای تحقق واقعی آن یعنی جامعه بی‌طبقه توحیدی فراهم است.

درود بر شما دانش آموزان و دانشجویانی که در این آزمایش انقلاب اجتماعی ، هشیاری و تعهد مکتبی خود را نشان دادید و تصویری آشکار و روشن از اسلام اصیل و انقلابی عرضه کردید . . . آفرین بر شما عزیزان و فرزندان این خلق قهرمان .

من هرچند که عواملی مایل بودند و به وسایلی هم متوسل میشدند . ولی این فریادها ، این بکرانی‌ها و این عواطف را می‌شنیدم و عمیقاً " آنها را احساس می‌کردم . آرزو داشتم که من هم درکنار شما بودم و فریاد می‌زدم ، راه پیمایی می‌کردم و خلاصه با شما گام برمی‌داشتم ، ولی تکرار آرزویی بیش نبود . آرزویی که در یکسال قبل هم سرتاسر وجود من و تمامی آنهایی را که در زندانهای رژیم فاشیستی آریامهری بودند ، انباشته بود . در آن موقع تنها پاسخی که می‌توانستیم به این قیام باشکوه و خونین بدهیم ، احساس و ابراز همدردی و اعلام همبستگی و درنهایت چندروزی اعتصاب غذا بود .

تنها پاسخ من به دردها و نگرانیها

اینبار تنها یک نفر بود . من بودم و بلوز . . . و تنهایی و اعتصاب غذایی نامحدود . اینبار تنهایی می‌بایستی شکنجه و فشار ناشی از اسارت را تحمل کنم . اسارت در بند کی و در بند چه کسی ؟ اسارت در چنگال توطئهٔ ارتجاع که بار تحمل تمامی فشارهای ملموس این اسارت را بدوش داشت . از شکنجه‌های جسمی گرفته تا انواع و اقسام شکنجه‌های روحی . . . تحمل درک ملموس تمامی صدمت‌ها و نیروهای انقلابی . در چنین شرایطی پاسخ من . تنها عکس العمل من به این دردها و بکرانی‌ها و به این فریادهای حق‌طلبانه چند قطره اشکی بود که فرو می‌ریخت . فطراتی که از پیوند عمیق بین من و شما خبر می‌داد . خبر از درد واحد ، آرزوی واحد و خبر از عشق واحد . عشق به خدا و عشق به خلق . خبر از فطراتی که پیام‌آوران امید و روشنی بودند ، نشان از طوفانی را میدادند که میدان را برای هرگونه سکون و ترور هرگونه یاسی را برهم می‌زدند و امواجی از حرکت و امید ایجاد می‌کردند .

فطراتی که تیلور راستین پیروزی حق بر باطل ، انقلاب بر ارتجاع بودند .

فطراتی بودند که از وحدت و عمق آرمانهای شما خواهران و برادران می‌جوشیدند و پس از لبریز کردن طرفت وجودیم از دریچه چشم به نشانی پیروزی و بشارت مرج خارج می‌گشتند .

لحظات با شکوهی بودند که پس تمام توان لازم برای حرکت در مسیر شهادت را می‌داد و تمامی رنج حاصل از اسارت را از بین می‌برد . و در چنین لحظاتی می‌خواندم : " یا رب قو علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمة جوانحی و هب لی الجد فی خشیتک والدوام فی الاتصال بخدمتک حتی اسرح الیک فی میادین السابقین واسرع الیک فی البارزین واشتاق الی قربک فی المشتاقین وادنو منک دنو المخلصین و اخاف مخافة الموقنین و اجتمع فی جوارک مع المؤمنین . . .

از خدای خواستم که به من آن توان را بدهد که شایستگی این را داشته باشم تا بعنوان یک عضو ساده سازمان مجاهدین خلق ایران این همدردی ، این همگامی و خلاصه این پیوند را حفظ نمایم و بنوامیم در حد خودم پاسخگوی تعهداتم باشم .

در اینجا تعظیم و تکریم خودم را نسبت به تمام احساسات پاک و خالصانه‌ای که به اشکال مختلف دراین مدت سه ماهه از طرف کلیه خواهران و برادران مجاهد و آزاده جوشد تقدیم می‌دارم ، باشد که من هم متقابلاً " بعنوان یک مجاهد . شایسته این مهر باشم تا ساداً دچار خشم خدا و خلق گردم .

نابود باد توطئه های ارتجاع

مرگ بر امپریالیسم خونخوار سرسپرده‌ی آمریکا

سلام بر آزادی — در اهتزاز باد پرچم انقلابی اسلام

مستحکم باد پیوند خلق با پیشتاز خلق

سید محمد رضا سعادتی

۸ / مرداد / ۱۳۵۸

اقدامات و تصمیمات قاطع اصولی برای حفظ اصالت و خلوص ایدئولوژیک خود ، مستلزم از دست‌دادن چیزهایی میسر هست . طی این مدت ۲۵ سال ، ملی بدنبال پاسخ " نه " که به عملکردها و خط مشی انحرافی گفت . گرچه حمایت‌های بسیاری از او دریغ شد و در کوتاه مدت به ابروله شدن و منجر گشت ، اما درست در همین نقطه ، حقانیت و آینده تاریخی او ، اثبات و تأمین گردید . آری ، او طی این مدت در حالیکه چشمانش را خاشاک و گلویش را استخوان گرفته بود (خطبه شقشقیه) پایداری کرد ، تا آنکه از " میراث تاراج رفته‌ای " حراست کند که در معرض مسخ و تحریف قرار گرفته بود .

نگاهی به مطبوعات

بقیه از صفحه ۲

اسرار نظامی

کیهان ۱۲ مرداد دستاسی ارتش اعلام کرد : فاش کنندگان اسرار نظامی مجازات میشوند . انقلاب اسلامی ۱۵ مرداد — در این روزنامه با چاپ ۶ ستون در باره ارتباط سرتیپ خسروی ، جانشین فرماندهی نیروی هوائی ، با اسرائیل و نیز سوابق مدتها سرد ، و اعلام جانثاری وی در راه شاه سابق ، به تصمیم دادستانی در مورد افشای اسرار نظامی که در بالا اشاره شد اعتراض میکند .

پیهنامه مورخ ۱۵ مرداد — سرتیپ شاکر رئیس بنا دمشرکا ارتش مدت ۹ سال در دفتر اطلاعات ویژه شاه کار میکرده و رابط بین رکن ۲ و ساواک بوده است .

کیهان آزاد ۱۵ مرداد — رحیمی گفت : یزدی یک پزشک است ، و از امور نظامی بی‌اطلاع میباشد . و با فروش جنگنده‌ها ، آمریکا با اطلاع سلاح میکند . وی گفت : از تهدید ۱۵ سال زندان برای " افشای اسرار نظامی " سمی ترسم .

آرزوها داشتیم.... آرزوها داریم

"به پاسداران که به گرداب فاجعه کشانده میشوند"

دلهایمان پروازها داشت....

آرزوها داشتیم .... همین دیروز بود که وقتی از خانه در می‌آمدیم پادتو، باورمان بود . امید بافتن ترا داشتیم .. ...آرزوها داشتیم . در میان انبوه بی‌پناهی ها ، در رکبارهای بی‌انتها ، به امید روزی که تو پناهمان باشی ، به امید لحظه‌ای که تو خود نیز بی پناه باشی ــ همچو ما ــ زنده ماندیم و تنها بوی ترا در کوچه پس کوچه های شب شنیدیم .

وقتی که در قهوه خانه ها از دور می‌دیدست و حجابهای اجباری نمی‌گذاشت عرق موسات کنیم بغضمان را شبانه ، در زیر روبوشی می‌شکستیم ... و آرزوها داشتیم ....

در تهاجم وقیح نوهس و تحقیر ، وقتی که چیزی نمی‌توانستیم بگوئیم ، وقتی کار دیگری از دستمان برنمی‌آمد ، به شما شکایت می‌بردیم . امیدمان شما بودید .... آرزوها داشتیم ... و در زیر تاریانهها حتی یک لحظه نیز در حقانیت شما شک نکردیم . هیچگاه درنگ نکردیم ..... برادرم حوانیش را با یاد شما پرپر کرد که حوانی شما پرپر بود .

در دیروز فاجعه ، در ظلمت فاجعه ، در تهاجم فاجعه ، در بطن فاجعه آرزوها داشتیم . و ننگ فراموشی شما را نخریدیم . در کنارتان ، بی‌آنکه ما را بشناسید با یکدیگر همسایه بودیم . شبها باهم سفرها کردیم . دلهایمان پروازها داشت . و وقتی مجبور بودیم که خانه‌ات را ترک کنیم ــ بی‌آنکه خود خواسته باشیم ــ کوله‌بارمان اندوه حدائی‌ها بود ....

وقتی به غرش درآمدی ، وقتی به کوچه‌ها ریختی ، وقتی در پشت بامها بانگ برداشتی ، وقتی فریاد شدی ، وقتی از روزی که سلح شوید ، گفتی ، وقتی زیر تانکها له شدی ، وقتی سدی مشکت را در حوبیها یافتیم ، وقتی در سوک تو نشستیم اوج پروازمان بود .... آرزوها داشت شکفته میشد . شرمنده بودیم . اما تنهانبودیم . احساس در پوستمان می‌شکفت .....

دردآور است برادر ، دردآور ... اسلحه برای همه آگاهی می‌آورد و تو از وقتی مسلح شدی فراموش کردی ، آرزو ــ هایت را بخاطر می‌آوری ؟ آرزوهای سرخ شهادت را به یاد داری ؟ برادرم را فراموش کرده‌ای که چگونه در دیدار سر ــ نیزه از تو دفاع کرد و اعدام شد ؟ و حالا چه کسی اعدام باید گردد . لحظه‌ای درنگ کن ، بخاطر بیاور آیا من و تو هر دو ، همه ، یکصدا فریاد نبودیم ؟

بعد از شاه سوبت چه کسی بود ؟ من ؟ ما ؟ .....؟ .....؟

غیر از این بود که آرزوهای همه‌مان سرکردن شب و روزی بود در ایران ، ایران نه در ایالتی ، از کشوری که ، جرثومه بغض و غارت شاحته بودیمش .

امروز نیز آرزوها داریم ... امروز که برا بهاری گرفته‌اند . امروز که نمیدانی اسلحه‌ات را یکدام سو نشانه روی ، امروز که با خشم و کین بما نگاه می‌کنی . امروز که می‌خواهند از تو حلادی خوب بسازند . امروز که به تو گفته‌اند ما بیگانه‌ایم . امروز که بیگانه‌اب کرده‌اند ..... امروز نیز آرزوها داریم .

چهره برافروخته‌ات ، رگهای برآمده و فریاد خشم‌آلودت ما را از میدان بدر نخواهد برد . آرزوها داریم .... خوب می‌دانیم شما از مائید و ما بی شما هیچ . .....

حیف از تو .... حیف سنت کرده شده‌ات هوا را به تندی میشکافد ، و تو نمی‌دانی ... نمی‌دانی . و درد همین جاست . تو آرزوهای ما را نمی‌شناسی . .. خود را نمی‌شناسی . حیف . . حیف از تو ... حیف از این قدرنشناسی . گویا باز هم خون حرفه آگاهی خواهد بود و آنگاه بلوغ آگاهی در تو خوشه خواهد داد آرزوهایت دوباره زنده خواهند شد . پرسشها خواهی کرد . ... من بست ها را خواهی دید .

چه کسی بین ما دیوار کشید ؟ ؟

داغ اتهام را بی‌واهمه از تهمت و تصفیه برخواهی گزید . پرسشت تکرار طپش قلب همه دردمندانست ..... دیوار جدائی‌ها باید بر سر سازندگانش ویران شود ....

تحمل خواهی کرد ، خروش خواهی کرد که تو پل نسلی .... که هرگز نبودهای .

* * *

در دیروز فاجعه آرزوها داشتیم .... در فاجعه امروز نیز آرزوها داریم ، " دردوست داشتنت درنگ نمی‌کنیم "

"اما تو در نثار خشمت بماند بدگی"

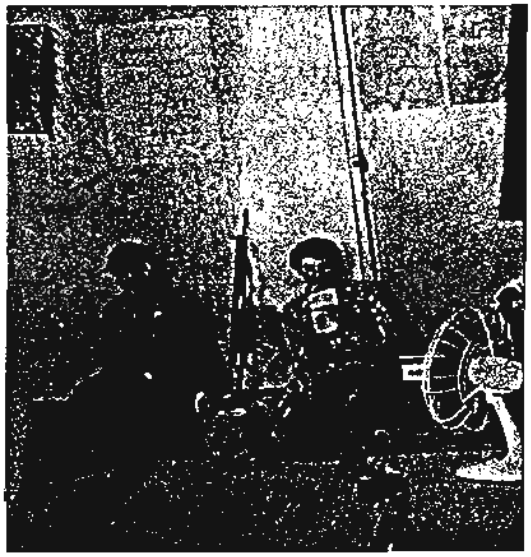

حیف از تو برادر... حیف

افطار رنجبر

با آنکه در تمامی اعصار
همواره ، شعله‌های فروزان انقلاب
از استخوان ما ، زبانه کشیده است

در کلبه‌ام ولی
در این غروب ساکت و دلگیر
یک هیمه نیست تا که بیفروزم (۱)

* * *

بس قرنها گذشت
ما خیل روزه‌دار
چشمانمان ،
این خیزگاه ما عقده نفرت
بر دورتر منارهٔ تاریخ
تا برکشد دوباره مؤذن
تکبیرهای سرخ رهائی را

* * *

هشدار ،
ای نشسته بر این خوان غارتی
وقتی که تندر خشم خلق
بانگ مؤذنان رهائی
در آسمان شهر کند پرواز
آندم ،
افطار گرسنگان شهر
بانگ و مرگ خصم شود ،
آغاز

(۱) ــ از همسر پیامبر (ص) نقل شده است ، که ماه رمضان برما گذشت اما در خانهٔ پیامبر خدا آتش فقرود نشد .

به :

سازمان مجاهدین خلق ایران
به مناسبت مصادرهٔ
ساختمان بازرسی در بهمن ماه
۱۳۵۷

ای شهید راه خلق ...

ای مجاهد ای چریک !
ای که قلب گرم خلق
خانه‌های امن تست
می‌کنی تصرفی به حق
قلب خلق و قلب دشمنان خلق را
قلب خلق را به جانفشانی‌ات به راه خلق
قلب دشمنان خلق را به منطق گلوله‌ات
ای مجاهد ای چریک
ای شهید راه خلق
این تصرف دوگانه ، حق تست
خانه‌ات به هر دوجا مبارک است

تهران ــ ۵۸/ ۱۱ / ۲۰
م ــ آزرم

برخی مراکز قدرت، در مسیر انحصارطلبی، حد و مرزی نمی‌شناسند

درباره هجوم نظامی به مراکز مطبوعات

بنام خدا
وبنام شهدای گلگون کفن آزادی

گروههای امضاء کننده اعلامیه حاضر در نهایت تاسف و تعجب خبر مهر وموم کردن چاپخانه پادگار (آیندگان) و بازداشت تعدادی از نویسندگان وکارکنان آنرا دریافت کردند . تاسف بایس لحاظ که روش های ضد دمکراتیک گذشته که آنچه را در اواخر حکومت پیشین بر مطبوعات آمد تداعی می‌کند و تکرار می‌شود . تعجب بایس دلیل که چراودر چه اوضاع و احوالی مدارکی که از سد و انقلاب در اختیار مقامات مربوطه بوده است ناگهان تحت عناوین کلی بافانه، علم می‌شود . وانگهی بکدام مجوز قانونی قبل از محاکمه میتوان چاپخانه‌ای را تعطیل و انتشار روزنامه‌ها و مجلات وابسته به آن را صرفنظر از هر دید ــ گاهی که سست نه این روزنامه‌ها وجود داشته باشد ، خودسرانه موقوف کرد .

با اعتقاد ما این نشان دیگری است از لگام گسیختگی برخی مراکز قدرت که در مسیر انحصارطلبی خود هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد . بدیهی است که هر دادستانی می‌تواند در حدود صلاحیت خود هرجرم احتمالی مستند را به محاکمه بکشاند و پس از طی مراحل قانونی لازم ، مجرمین مربوطه را کیفر دهد . اگرچه ما معتقدیم که برای تصفیه جامعهٔ مطبوعات از ایادی رژیم شاه هیچ مقامی صالحتر از خواهران و برادران صدیق مطبوعات نیست . بخصوص که سهم فرد فرد آنها در جریان انقلاب و تحریم مطبوعاتی رژیم شاه ، سهمی است انکار ناکردنی که بارها و بارها نیز مورد تشکر رهبران قرار گرفته است .

علیهذا ما هجوم نظامی اخیر را تعرض علیه آزادی تمام ملت ایران محسوب نموده وبخاطر پاسداری از حرمت انقلاب و حیثیت اسلام و آزادی وتقدس خون شهدای گلگون کفن آن ، رفع ستمی را که بر جامعهٔ مطبوعات رفته است به تاکید خواستاریم و دخالت هر چه سریعتر شخص نخست وزیر و وزرای دادگستری و ارشاد را ضروری می‌دانیم .

همچنین باید خاطرنشان نمود که :

اولا " ــ بتصریح این ندای قرآنی که کل نفس بما کسبت رهینه (هرنفسی در گرو آنچه خود کسب کرده می‌باشد) گناه دارو برش همانوس وداروسته او را به پای احدی غیر از خود آنها نمی‌توان بوشت در همین جا ضروری است متذکر گردیم که بایستی کلیه دست اندرکاران اقدامات ضدملی را در محضر توده های مردم با تمام اسناد و مدارک مربوطه افشاء سود .

ثانیا " ــ محرمی و کیفر کلیه ایادی شاه و امپریالیسم و صهیونیسم امریکا بسیار پسندیده است ، مشروط براینکه نه کسی را (در هر لباسی که می خواهد باشد) از این افشاگری و حساسیتی معاف دارند و نه هم دسته دسته آنهارا آزاد نموده و به همکاری بخوانند .

ــ سلام بر آزادی

امضاء جنبش ــ جنبش مسلمانان مبارز ــ جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) ــ سازمان اسلامی شورا (ساش) ــ جنبش ملی مجاهدین

۵۸/۵/۱۲

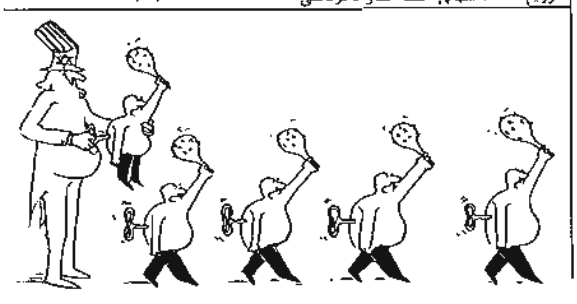

(شب قدر...)

همه عمر در گریزم ، ز سجود زاهدانه

شب قدر من برون شو ، تو ز پرده‌های پنهان ....
که دو چشم من براه ، تو ز خوابها گریزان
همه عمر موج بودن ، به خروش رود هستی
به امید آن سپهبت ، که رسم به وصل طوفان
همه شور و شوقم امشب ، به فضای خون و وحشت
ز پیام سرخ بودن ، به توانه شهیدان
به امید خیزشم تا ، بجهم به بام هستی
که چنین بود به گیتی ، شب آخر پلنگان
ره خلق گر بود این ، که ز نازیانه خونین
نبود غمی که عمرم ، همه طی شود به رندان
شب من اگر سیه شد ، به سیاهچال دژخیم
دل خود به چنگ گیرم ، چو ستاره‌ای فروزان
به کجا نماز خوانم ، شب قدر چونکه نبود
وجبی زمین که رنگین ، نشده ز خون یاران
همه عمر در گریزم ، ز سجود زاهدانه
که همیشه در قیامم ، ز سرود رهنوردان
شب قدر شد خدایا ، تو مقدرم مفرما
که نماز خون گذارم ، به اذان تیرباران

به یاد :

مصطفی جوان خوشدل
وهمرزمان شهیدش

از خاک پرسخاوت، بیرون بیا

آهای
انسان سالهای تلخ
توامن عهد کرده‌ای
این روز را
از خاک پر سخاوت
بیرون بیا

*

در ، پشت پنجره
دیوار ، پشت در
این را نوشته‌ای :
نه
با آنکه میله‌ها
سرمای سخت زمستان را
هشدار می‌دادند
هی جوان
جوان
جوان
انگار با شنیدن نام تو
جوان میشود
حتی
آنکه بعد سالها
گمرش از پی شکست
تا شده است

*

آهای
بیرون بیا
انسان سالهای تلخ
تو
فریاد کرده‌ای
با فواره خون هرگلوله :
چون سرخ‌تر شود فلق
سپیده نزدیک تر شود .
توامن عهد کرده‌ای
این روز را
از خاک پرسخاوت
بیرون بیا .

***

حماسه یک پایداری بزرگ

بقیه از صفحه ۱۲

می‌کند. پس هرفکروعقیده وسیستم تا آنجا معتبرومانندنی است که‌با واقعیات جهان خارجی تطبیق یافته‌وبتواندنیازها وکارکردهای ضروری را برآورده سازد. موفقیت و پیروزی چیزهای "نو" آسان وبدون رنج بدست نمی‌آید. سنت آفرینش براین است که "نو" همیشه از میان درگیری وعریانی، شکفته وفیروز خود را نشان دهد. بنوسیله شایستگی خود را در جنگ اثبات کند و به اثبات برساند و صلاحیت بقا احراز کند. "إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ": (بندگان صالح من وارث زمین خواهند گشت) حضرت علی (ع) درمارهٔ نقش در دشوار تکامل، میرخواهد گشت:

"يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ" (ای انسان، تو در تلاش بسوی پروردگارت هستی، پس او را ملاقات خواهی کرد).

این غامض ترین مسالهٔ فلسفی هر مکتب است که مخصوص ما نمی‌توانیم از پاسخ دادن به آن سخت عاجزاست. برطبق فلسفهٔ توحیدی ما، هرمرگ انقلابی، بیشتر حیات و پیروزی و درپچه‌ای است که به روی شاهی بسته میشود:

"أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ" (آیا ندیدی کسانی را که از ترس مرگ، ترک دیار کردند که هزاران نفر بودند و خدا بدیشان گفت، مرگ را بپذیرید و شوید و سپس آنها را حیاتی دوباره بخشید؟ چنین است کهانسان با آرزشهائی که بخاطر آن جان باختند و با تمامی وجود "یگانه" می‌خود و بدینوسیله حقانیت و اصالت آنها را گواهی (شهادت) می‌کند: "جَعَلَكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا" (۱۴۳ بقره). (وبدینسان شما بهترین امت قرار دادیم تا الگو و نمونه برای مردم باشید و پیامبر بر شما گواه است).

وحدت و تطبیق پذیری با جمعیت آمریش (جهان خارجی) در این مسیر به اوج می‌رسد. اوجی که حماسه و رمز و خود انسانی و متارکنده وارد دنیای حیوانی است. اوجی که تنها با "خودگذشتگی" و رنج و مداکاری میسر است: این است عالی ترین شیوهٔ حل تضاد بین انسان و آمریش، که می‌گمان به وحدتی جاودانه با مشیر آن منتهی خواهد شد از آنجا که در هر درجه، مالاتری از تطبیق و یگانگی، شعلهٔ حیات فروزاتر می‌شود، پس نباید این و چرا مردگی و فنا انگاشت، چراکه در ورای این افق محسوس، خورشید حیاتی بس درخشنده‌تر در پهنه‌های بس وسیع‌تر طلوع می‌کند: "وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا

درباره: فاطمه امینی بانام مستعار شیر

محترما باستحضار میرساند

نامبرده بالا که درمورخه ۲۰/۵/ ه‌ه رسلول خودکشی نموده است قبل ازاینکه باهدف اصلی (ازاعضا متواری گروه مجاهدین خلق بوده ودرشهید دستگیرگردیده است) ارتباط داشته وعلاوه برآن درسه منزل تیمی سکونت داشته ودراین منازل باپنج نفرازاعضا متواری وسلح گروه باصطلاح مجاهدین خلق (شیرین وحسن ابراری، زنی بانام مستعاراشرف مرتضوی موحد ومنصوره) نیزدرارتباط بوده که پس ازدستگیری بعلت خودداری ازپنهان مطالب واطلاعات عضو و منازل مورد نظرتعلیه گردیده است.

[illegible] ۶/۲۷

قسمتی از اظهار نظرها واکنش در مورد خواهر مجاهد شهید پس از آنکه در تاریخ فوق و زیر شکنجه به شهادت رسید.

گیری سازنده در روزهای سختی و بحران در پیشرو، منبای تکاملی می‌گوید: "اَلْحَقُّ ثَقِيلٌ مَرِيءٌ" (سهمگین و سرنگاری، پیچیده و آسیب‌ناپذیر است). (نهج البلاغه خطبه ۱۷۵). لازم پیروزی در پیرداشته‌اند، بهراسیدن از دادوریانی است، حتمیت یک پیروزی بر دوش قربانیان وتمام کسانی است که رنج‌هائی را که بدان منتهی می‌شود، متحمل می‌گردند. این همان فلسفهٔ ملاقات ووصل با خداست که پس از عبور از پیرو شهر رنج "کدح" و درآمدن وفرورفتن در عقبه‌های صعب و پی سپهل اللهم ما وعدتنا علی رسلک فاجعلنا من الذین یرثون الارض (هرکرکسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندارید که آنها زنده‌اند و نزد پروردگارخویش رزق می‌یابند).

(۱) — (پس از دستگیری اعضای خانواده، شهید فاطمه امینی احاره‌ندادند که از جزئیات شکنجه‌هائی که این جلاد به فاطمه‌ها دیبود آگاه شوند).

****

گزارشی از تخلفات وتقلبات انتخابات

بقیه از صفحه ۸

۶ — فتوای علمای مشهد دائر بر اینکه بر همه مردم وظیفه واجب است که به کاندیداهای مشخص رای بدهند، درنتیجه آزادی — انتخابات جای خود را به رای دادن بصورت یک حربان واجب مذهبی داده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

با نظر به اینکه در اعلامیه ترتیب سوم شهریور تذکر داده‌ایم بر طبق مردم و طبقات مختلف فرض دلالم است که بخصوص آیت عظام و حجج اسلام ایجاب می‌کند که دلیل سیاسی از نامزدهای مورد نظر را برای بررسی قانون اساسی مجلس خبرگان بفرستند خداوند رحمت و عنایت خود را

پنجم شهریور ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با سیزدهم ذیحجه ۱۳۹۹ هجری قمری

۱ حضرت آقای حاج میرزا جواد تهرانی
۲ حضرت آقای میرزا علی آقا مشفی
۳ حضرت آقای حاج شیخ محمد حسین حلبی
۴ حضرت آقای شیخ ابوالحسن شیرازی
۵ حضرت آقای شیخ مهدی نوغانی
۶ حضرت آقای شیخ عباسعلی اسلامی
۷ جناب آقای دکتر محمد روحانی سید محمد صادق روحانی

۸ — نامه‌ای از یک برادر کارگر شرکت ویتانا

"من اعلامیه‌ها و پوسترهای مربوط به کاندیداهای مجاهدین را در کارخانه چسانده بودم. اما کارفرما (بنام طهرانچی) دستور داده‌ها آنها را کندند و یک ورقه‌ای را که در آن اسامی کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی نوشته شده بود چسب و در کارخانه پخش کردند گفت غیر از این اعلامیه بقیه همه را پاره کنند. اینها اسامی بی است که امام داده است حال من نمیدانم که تکلیف ما با این کارها چیست. دیگر از حسد افشاگری گذشته، حزب جمهوری اسلامی با حقه و کلک همه امکانات را از ما گرفته است. باید رسما اعلام کنند که بغیر از حزب جمهوری اسلامی بقیه نا مسلمان هستند. تا ما تکلیفمان را بفهمیم. چون به من با این سن و سال و سابقه‌ام

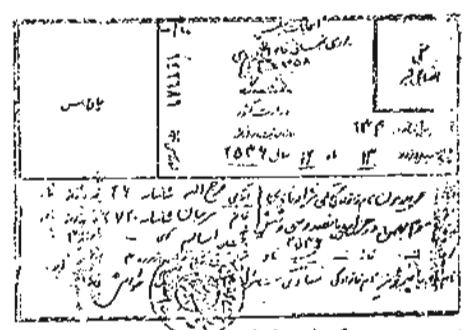

۷ — سند زیر نمونه دیگری از تخلفات را در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی نشان میدهد، که در آن شناسنامه کودک ۲ ساله‌ای مورد استفاده قرار گرفته است.

فراماسونری جدید...

بقیه از صفحه ۱۲

فعال داشته باشد. از طرف دیگر می‌بایستی برای حفظ برتری خودش بر بلوک شرق (بویژه شوروی)، درگیر یک مسابقه پرخرج تسلیحاتی شود. بر اساس بررسی‌های جدید که از کمیسیون سه جانبه بدست می‌آید، آمریکا به این نتیجه می‌رسد که بایستی درگیر یک مبارزه همه‌جانبه، با شوروی شود، و این مبارزه در همه زمینه‌های مختلف اقتصادی — سیاسی و نظامی توسعه یابد. البته تمیل درگیری، به مفهوم خروج از خط تشنج زدائی نیست. و آمریکا همانند گذشته از درگیری نظامی با شوروی پرهیز خواهدکرد. لذا می‌بینیم در خط سیاسی جدید، از ابتدای روی کار آمدن کارتر یک برنامه تبلیغاتی وسیع، در رابطه با مسالهٔ حقوق بشر در مورد بلوک شرق (بویژه شوروی)، به مرحله اجرا در می‌آید. با اینکه در زمینه اقتصادی امریکا سعی دارد، با تشکیل یک بلوک مستحکم اقتصادی از مثلث (آمریکا — ژاپن — اروپای غربی)، شوروی و بلوک شرق را شدیدا" تحت فشار قرار داده، و بطور کلی اقتصاد جهانی را از این طریق بخودش وابسته نماید.

۲— محدودکردن مسابقه پرخرج تسلیحاتی

و تقویت نیروی دریائی، بجای نگهداری و حفاظت مستقیم از مناطق خاص که در شش برای آمریکا هزینه زیادی را نیز دربردارد. در همین رابطه است که آمریکا در خط سیاسی جدید خودش، تصمیم می‌گیرد که نیروهایش را از کره بیرون ببرد.

همانطوریکه فوقا" توضیح داده شد، امریکا تصمیم می‌گیرد عوض درگیرشدن در یک مسابقه پرخرج تسلیحاتی، حتی — الامکان از طریق اقتصادی با نفوذ شوروی مقابله کند.

ج— فراماسونری جدید در راه استحکام سلطهٔ امپریالیزم بر جهان سوم:

۱— وابسته کردن حکومتها با استفاده از پیشرفت تکنولوژی

با توجه به برتری‌های تکنولوژیکو قدرت اقتصادی آمریکا در قیاس با بلوک شرق، وابسته کردن حکومتها از طریق وابستگی اقتصادی بجای روش گذشته قرار گرفت. اعمال حضونت و استفاده از نیروی نظامی، و حمایت از رژیم‌های خودکامه و دیکتاتور پایه سیاست گذشته در کشورهای وابسته بود، در سیاست جدید امپریالیسم میکوشد که با استفاده از روشهای اقتصادی و با سود جوئی از برتری تکنیکی خود کشورها را در سود وابستگی نگهدارد. برای این منظور کافی است که امپریالیسم آمریکا برحلاف سیاست زمان کیسینجر از بلوک‌کردن اجباری جهان و تقسیم بندی جهان به دو بلوک شرق و غرب احتراز کند تا فضا وسیعتری برای نفوذ اقتصادی و استعمار برتری تکنیکی‌اش فراهم گردد. بهمین دلیل است که آمریکا اصل تنوع حکومتها را میپذیرد. شعاری که آندروپاف روی آن تاکید بسیار دارد.

از همان آغاز قدرت‌گیری آمریکا در صحنه جهانی و بین‌المللی (بعد از جنگ جهانی دوم)، یکی از مسائل عمده‌اش جلوگیری از نفوذ شوروی، در مناطق تحت سلطه امپریالیستها بوده است. به همین دلیل از همان آغاز با اتخاذ انواع و اقسام تاکتیکها، سعی داشته است از رفتن کشورهای تحت سلطه سیستم اردوگاه شرق، جلوگیری بعمل آورد. و با استفاده از همین بهانه بود که آمریکا در گذشته، هرگونه حرکت آزادیخواهانه را تحت شعار مبارزه با کمونیسم کوبیده است. و حتی شاهد بوده‌ایم کمپرای خط بنامش و برای اینکه کشورهای تحت سلطه نتوانند به اردوگاه متقابل بپیوندند، از ضد — خلقی ترین و کثیف‌ترین رژیم‌ها حمایت کرده، با دست خودش پست‌ترین افراد را بر ملتی حاکم نموده است. ولی بر اثر جمع بندی‌های بعد از جنگ ویتنام، و تحت تاثیر آثار ناشی از آن (جوان تورم — رکود)، آمریکا به این نتیجه میرسد که دیگر لزومی ندارد روی این تقسیم بندی بیش از حد اصرار ورزد. زیرا در گذشته این اصرار امریکا باعث میشد بسیاری از کشورها سرپیچی به سمت اردوگاه شرق بروند. و اضافه بر آن حمایت آمریکا از دیکتاتوری و خفقان در کشورهای وابسته‌تر باعث میشد که کشورهای مربوطه را هرچه سریعتر به سمت اردوگاه شرق سوق دهد. تمامی این مسائل در کنار قدرت و توان برتر تکنولوژیکی امریکا و همچنین بهم پیوستگی عمیق اقتصاد جهانی، آمریکا را بر آن میدارد که از این به بعد برای تحت تسلط نگاه داشتن کشورها از زمینه‌های اقتصادی بیشتر سود جوید، تا استفاده از مدرت نظامی و حمایت از دیکتاتورها (**). بر اساس چنین دیدگاهی، امریکا میتواند حتی با کشوری مثل ویتنام رابطه اقتصادی داشته باشد، و نیابستی وابستگی یک کشور به اردوگاه مقابل، کروما" امریکا را مسموم — گیری در قبال آن نکناند.

۲— حمایت از نیروها و جریانات نیمه ملی

در سیاست جدید امپریالیسم امریکا میکوشد تا در مقابل بوروکراسی و دیکتاتوری حاکم بر کشورهای جهان سوم از نیروها و جریانات نیمه ملی حمایت کند. از این طریق میخواهد در جهت ایزولاسیون باصطلاح تروریسم (و کمونیزم) (***) گام بردارد. و در حقیقت میخواهد نیروهای انقلابی را سرویکند، و انقلاب سیاسی و سلحانه را به بوته فراموشی اندازد".

این نحوه برخورد با مسائل کشورهای جهان سوم، نیز از درون همان دیدگاه کلی درمی‌آید. دیدگاهی که ایجاد تحول را در این کشورها امری ضروری و اجتناب ناپذیر میداند. ولی معتقد است که بایستی تحولات را از مسیر هرج و مرج گونه به مسیر تحول منظم انداخت. تا نه منافع امریکا ضربه کاری وارد نماید. و بر همین اساس حمایت یکجانبه از رژیمهای دیکتاتوری را صلاح نمی‌بیند. بلکه معتقد است که بایستی از جریانات نیمه ملی که تا حدودی دارای پایگاه داخلی میباشند، حمایت به عمل آورد. و دست دیکتاتورها را برای انجام هرکاری بسار نگذاشت. یکی از هدفهای برنامه حقوق بشر آمریکا، نیز همین مساله است:

"تحت فشار قراردادن رژیمهای دیکتاتور و خود کامه". زیرا امپریالیسم به خوبی دریافته است، که در شرایط تاریخی کنونی. دیگر از این طریق نظامی نمیشود منافع امپریالیستها را حفظ نمود. و اگر راهی وجود داشته باشد از طریق کنار آمدن با جریاناتی است که تا حدودی در داخل کشورهای جهان سوم پایگاهی دارند. البته به این نکته توجه داریم که امپریالیستها در صورتی که از این طریق نتوانند منافعشان را حفظ کنند، بار بزور متوسل خواهند شد.

ناتمام

(*) در تقسیم بندی مناطق نفوذ، یک خط قرمز (دتانت) وجود دارد، که هر کدام از این دو کشور (آمریکا یا شوروی) نمی‌تواند خارج از این حلقه در حقیقت منطقه نفوذ دیگری است دخالت فعال — نماید.

(**) البته توجه داریم که این مساله بدین مفهوم نیست که آمریکا دیگر از تاکتیکهای سابق استفاده نمیکند. طبیعی است سرانجام برای حفظ منافعش و در صورت لزوم، از این تاکتیکها استفاده خواهد کرد. بنابراین مطلب فوق بدین معنی است، که تا جائیکه امکان دارد سعی میکند از شیوه جدید استفاده نماید.

(***) این خط درست نقطه مقابل خط میلی است، که آمریکا از ترس بر دیگی کشورهای تحت سلطه به اردوگاه شرق، از هر گونه تغییری در سیستم‌های تحت سلطه جلوگیری میکرد، و در نتیجه ادامه چنین خطی به حمایت از رژیم همسای دیکتاتوری منجر میشد.

میگویند کمونیست. به مجاهدین هم کمونیست میگویند. آخر تاکسی باید در مقابل این تهمتها و فریبکاریها سکوت کرد. بس سکوت چکار کنم."

* * *

۹— گزارشی از تقلب آشکار در حین شمارش آراء

"هنگام رای گیری و شمارش آراء به حوزه ۲۵۲ سیرستان روشنگر رفتم. در مورد نحوه شمارش آراء علنا و خیلی آشکارا تقلب میکردند. یکی از آقایان در ازای هر اسم ارکاندیدهای حزب جمهوری اسلامی یک میز ولی در مورد کاندیداهای مشترک مجاهدین و بالاخص مسعود رجوی با صراحت میگفتند: اینها کمونیست هستند ولش کن و... وفقط در ازای هر چند تا رای یک خط میکشیدند. شکننده آورا اینکه آنها در مورد آقای ساعرکانوزیان فکر میکردند استان ارمنی هستند. ورای های اورا هم ثبت نمیکردند. ولی وقتی که من گفتم که او مسلمان است، جلوی اسم ایشان نیز چندین مربع (☒) زدند که مثلا اینشخص رای آورده است."

www.iran-archive.com

مجاهد شهید فاطمه امینی چگونه در زیر شکنجه به شهادت رسید؟ (آخرین قسمت)

حماسه یک پایداری بزرگ

۲۵ مرداد چهارمین سالروز شهادت مجاهد شهید فاطمه امینی

* * *

در شماره‌های گذشته واقعیت‌هایی از مبارزه یک خواهر مجاهد را با رکوکردیم. موضع یدکولوژیک سیاسی او را در مقدم موضع‌گیری او را در برابر منحرفین چپ بوضوح پا فشرد. تسلیم ناپذیریش را در شرایط سخت شکنجه و استنطاقات گوناگون در سراسر دوره انقلاب متوجه گشتیم. خستگی‌ناپذیر او را می‌توان با زجوئی او را که از دست دژخیمان ساواک در رفته بود ارائه کردیم. اما در شماره گذشته سلامت مطلق بودن با سالروز شهادت او را در مجاهد سعید مبارز موفقیت نیافتیم به آخرین قسمت زندگی خواهر مجاهد اشاره کنیم. اینک آخرین ملاقات‌های قهرمانانه فاطمه امینی.

* * *

حماسه پرشور زندگی انقلابی فاطمه زمانی باوج خود رسید که به سازمان پیوست. در این زمان بود که دیگر شور و شوقش برای مبارزه و پیشبرد اهداف سازمان حد نمی‌شناخت. سراپای وجود خود را با شعله عشق به پیکار گشت و چندان از این عشق سرشار بود که همه کسانی که حتی یکبار با او دیدار داشته‌اند عظمت و شکوه آن را احساس کرده‌اند. او در هیچ شرایطی از مبارزه و تلاش و حرکت باز نایستاد و بیاد می‌آوریم زمانی را که سر روی تخت بیمارستان در حالی که توانائی کمترین حرکتی را حتی عدا خوردن نداشت، از طریق یکی از برادران که او را در همان ایام بستری کرده بودند، پیامی به همرزمان پیروش فرستاد که حاوی نکات امینی بسیار مهم بود.

فاطمه یکی از مقاومترین انقلابیون و افتخار بزرگ خلق قهرمان ایران بویژه زنان مبارز میهن ماست. پس از ۵ ماه و نیم شکنجه کلیه اطلاعاتش سالم ماند. تا آخرین لحظه حیاتش محفظه‌های مهم سازمانش را نگفت و نام خواهران و برادران مجاهد شی را فاش نکرد. گفته می‌شود که او در لحظه دستگیری آدرس سه خانه تیمی را می‌دانسته است. فاطمه در طول بازجوئی و شکنجه بطور کلی از صحبت نامبردگان امتناع می‌کرد و اغلب جواب آنها را نمی‌داد. و این بیش از هر چیز خشم شکنجه‌گران را نسبت به وی برمی‌انگیخت. مقاومت قهرمانانه فاطمه در برابر شکنجه‌ها و اوج اعتلای شخصیت انقلابی او بود که پس از عبور از کوره گدازان ۱۲ سال مبارزه شکستگی ناپذیر بدان نقطه رسیده بود. مبارزه صد تا به پیروزی که طی آن همه هستی خود را وقف راه خدا و خلق کرده و هر لحظه آمادگی بیشتری برای سرودش کشیدن بار سختی‌های آن پیدا می‌کرد.

طوبی لنفسی اذ ذلت الی ربها فرضیا و عزت بجنبها بؤسها (نامه ۴۵ نهج البلاغه)

(خوشی بحال آنکه تعهدات خویش را با انجام رساند و بار سختیهای آن را بر دوش کشید .....).

او چنان در مبارزه و سازمان حل شده بود و چنان با عقاید و اهداف مقدس و انقلابی خود وحدت داشت که لحظه‌ای جدا شدن از آنها و از یاد بردن این آرمانها در حتی سخت‌ترین شرایط ممکن برایش متصور نبود. آخر او بخاطر همین آرمانها رنج می‌برد و برای تحقق آنها مبارزه می‌کرد و در همان راه شکنجه می‌دید و بالاخره برای پیشبرد همین عقاید، مرگ انقلابی را برگزید و شهید شد.

خاطره برپشقل ارهمان برادری که او را در بیمارستان شهربانی دیده بود بسیار شورانگیز است. "شب عید ۵۲ بود. در آن شب یکی از برادرانی که در اتاقی دیگر بود و بشدت شکنجه دیده بود بشهادت رسید. از ساعتها قبل صدای ناله‌ای از اتاق مجاور بگوش ما می‌رسید. صبح پس از تحویل سال من بطور مخفیانه و از پشت پرده با راوان به فاطمه تبریک گفتم". فاطمه در پاسخ من چنین گفت:

"برادر! عید حقیقی ما زمانی است که خلقها بردشمنان خود پیروز شود و ظلم و بهره‌کشی رخت بربندد. باید آرزو پیروز باشی..."

فاطمه زنی بسیار متواضع، صمیمی، پرشور، دقیق، فعال، قاطع و خلاصه جامع تمام خصوصیات و منشهای انقلابی توحیدی بود. در میان کسانی که به نحوی با او در ارتباط بوده‌اند کمتر کسی است که تحت تأثیر خصائل و ویژگیهای عالی انسانی و اخلاقی او قرار نگرفته باشد.

خانواده‌های شهدای مجاهد بین خلق ایران هرگز خاطره صمیمیت و فداکاری فاطمه و نقش مؤثر او را در به ثمر رساندن فریاد اعتراض حق طلبانه‌شان بر علیه کارگزاران جلاد رژیم شاه فراموش نخواهند کرد. او معلم راستین و انقلابی دانش‌آموزان و یار صمیمی آنان در حل مشکلات فکری و عملی آنها بود. مجاهد شهید فاطمه امینی اولین زن انقلابی ایران بود که در پرشکنجه به شهادت رسید. تاریخ مبارزات خلق قهرمان ایران، خاطره پایداری بزرگ این مجاهد پاکباخته را در سینه خود ثبت نموده و نسلهای آینده مبارزان آگاه خواهد کرد.

این شهدای بزرگوار اگرچه در معرض حملات ناجوانمردانه پورتوسی قرار گرفته و اگرچه مرتجعین راست هم اکنون تمام تلاش خویش را برای تشویه زدن و خدشه دار نمودن اعتبار آنان و پایمال کردن خونشان بکار گرفته‌اند. ولی هرگز بر سیمای پاکشان گرد پریشانی و فراموشی نخواهد نشست. چرا که دیدیم آنان در راه تحکیم مواضع و ارزشهای انقلابی توحیدی که مضمون حداعلای رهائی و پیروزی خلق ماست چه صداقت و فداکاری پرشوری از خود نشان دادند و چه سختی‌ها و شکنجه و زجری را تحمل کردند. درست بدین علت است که این شهدا در مشی تکامل و در قله آن جای گرفته‌اند و در دل خلق ما جاودانه گشته‌اند.

حضور فعال زن انقلابی و مجاهد خلق ما در صحنه پیکار انقلابی در دوران سیاه استبداد پهلوی، بار دیگر قالب قدیمی و طبقاتی و جدوجزی را که صرفاً در ادامه مسائل و خانه‌داری و با حدود نمائی هویت بگیر خلاصه می‌شد درهم شکست و وجود انقلابی جدیدی را که بلحاظ کمی معادل نیمی از آحاد انسانی است بر نیروی جنبش انقلابی خلقمان افزود. زن مسلمان ایرانی با تکیه بر این میراث پرافتخار است که راه خود را بسوی رهایی از قدستم مضاعف می‌گشاید و با شرکت فعالانه در پیکار پرشور خود که نمونه‌های شکوهمند آن را در جنبش اخیر ضد دیکتاتوری دیدیم، نقش انقلابی خود را ایفا می‌نماید. و در این میان الگوها و نمونه‌هائی چون زینب را بعنوان اولین منادی آزادی زن در تاریخ جنبش مشعشع در پیشاپیش خود می‌بینند که در دوران تاریک بردگی با ایستادگی حسوانه در برابر مخوف‌ترین جباران زمان و عمل پرشور افشاگرانه در برابر انبوه مردمی که از حقایق دور نگهداشته شده بودند مبدء دار رسالت والایی شد که پس از حسین (ع) بر دوش او بود.

بدینگونه مجاهد شهید فاطمه امینی را بحق بایستی نسل شرف و وجدان انقلابی زن مسلمان عصر ما دانست.

باشد که تمامی زنان پیدار و آزادیخواه جهان و خواهران انقلابی و مسلمان وطن ما همواره با الهام از دستاوردهای این پیشکسوتان راستین خود در راهی که ما خون پاکباخته و همرزمان شهیدش سرخ گشته است بجنبش تازه و ایمان و قاطعیت و روحیه انقلابی پذیر و مصمم‌تر جون او، ایشان را در این مسیر سرو سرو بخشند.

فلسفه بزرگ

فاطمه این مربای بزرگ راه آزادی و دهها و صدها فربانی دیگری که در این راه تقدیم نمودیم و در آینده نیز در صورت لزوم خواهیم داد، همه و همه بهای لازمی هستند برای کسب پیروزی. ما از آن ابتدا هر آنچه را که عزیز و دوست داشتنی بود، برای فدا ساختن در راه خدا و خلق آماده کرده بودیم. چون یقین داشتیم که راه تکامل جز بدین طریق پیش نمی‌رود. "لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ" (هرگز به نیکی‌ها دست نمی‌یابید مگر آنچه دوست دارید انفاق کنید). تکامل همیشه با درگیری همراه بوده است. مبارزه‌ای سخت و آشتی‌ناپذیر که سرانجام پدیده‌های "تطبق بدیر" را پیرورز

بقیه در صفحه ۱۱

"بانوی پاک رهائی"

بایاد: شهید فاطمه امینی

آمد
بانوی پاک رهائی
خشم مجسم مظلومان
پیچیده در ردای صداقت و ایمان
ایستاد
در آستانه‌ی ضیافت گرگان.
کوه بلند پیکر پاکش را
باران زخم پلیدان می‌شست،
از هر شکاف کوه،
جویبار سرخ فام شهامت جاری بود
شطی ز خون
از ابر گیسوان گیودش می‌ریخت
برق نجیب دو چشمانش
پیوند روز و سیاهی بود

* * * * *

گفتند: نام و نشانت؟
گفت:
من یک مجاهدم
فرزند خلق
اهل کدام دیاری؟
گفت:
من زاده‌ی دیار محنت خلقم
پرورده‌ی پلیدی و بدکاری شما
گفتند از کدام ایل و تباری؟
گفت:
بی‌شک، جدا از تبار شمایانم
من،
پژواک خشم خفته‌ی خلقم
همخوابه‌ی مسلسل و نارنجک
آواز من خروش رهائیست
شعرم حدیث درد خلایق
صد بار اگر به تازیانه بکوبیدم
آواز و شعر من جز این نتواند بود.

* * * * *

زان پس
بانوی پاک رهائی
کوه بلند استواری و ایمان
تن را به تازیانه‌ی گرگان داد
خاموش، پرصلابت و مغرور
در راه خلق
در آن ضیافت خونین جان داد.

* * * * *

بانوی پاک رهائی
ای کوه خفته، حلالت باد
رود روان سلام و درود خلق.
افسانه‌ی صلابت تو امروز
لالای کودکان رسته ز بیداد است
شعر بلند صبوری و ایمانت
آواز هر ترانه و فریاد است.
بانوی خفته،
حلالت باد

۵۸/۵/۱۱

از علاقمندان تقاضا می‌شود که کمکهای مالی جهت سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۲۱۷۰ بانک صادرات شعبه کشاورز واریز نمایند. و حواله آن را به دستاد مجاهدین واقع در تهران - خیابان مصدق - پائین‌تر از میدان ولی‌عصر ارسال دارند.

هفته نامه مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال اول - تکشماره - ۱۵ ریال
آدرس تهران - خیابان مصدق
جنبش ملی مجاهدین

مبارزه ضد امپریالیستی (قسمت سوم)

فراماسونری جدید راه خروج امپریالیزم امریکا از بحران را ارائه میکند.

نتایج حاصل از جمعبندیهای کمیسیون سه جانبه

طبیعی است که این بررسی‌ها، در نهایت هدفی جز پیدا کردن راه حل برای خروج کشورهای سرمایه‌داری از بحرانهائی که با آن مواجهند، ندارد. مخصوصی برای امپریالیسم آمریکا که در حقیقت بحران‌های موی الذکر (چه سیاسی و چه اقتصادی) اورا به طور جدی با مشکلات زیادی مواجه کرده بود. طراحان سیاست‌های امپریالیستی، نتایج بررسی‌های خود را در رابطه با مسائلی که با آن مواجه بودند، در زمینه‌های مختلف اعم از داخلی یا خارجی (چه از نظر اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی) حول سه محور زیر بیان نمودند.

الف- در رابطه با کشورهای اروپائی

ب- در رابطه با بلوک شرق

ج- سیاست جدید امپریالیستها در رابطه با کشورهای جهان سوم:

الف- استراتژی جدید آمریکا در رابطه با اروپا:

۱- پذیرش کمونیسم اروپائی

در صورتیکه بتواند به مدرنی علیه نفوذ شوروی تبدیل شود (البته در صورت باقی ماندن این کشورها در درون پیمان ناتو).

همانطوریکه می‌دانیم، آمریکا از همان آغاز، نگران نفوذ شوروی در اروپای غربی بوده است. بدلیل اینکه بخش شرقی اروپا، بطور عمده زیر نفوذ شوروی قرار دارد. و می‌تواند برای نفوذ در قسمت غربی اروپا بعنوان یک پشت جبهه مناسب عمل کند. در همین رابطه آمریکا با اروپای غربی، پیمان ناتو را بوجود آورده. و هم‌روز نیز در جهت تقویت هرچه بیشتر آن تلاش می‌کند. پیدایش حزبایی تحت عنوان کمونیسم اروپائی، که بظاهر سنگ کمونیسم را نیز بسینه می‌زنند. اگرچه برای خیلی‌ها می‌تواند نگران کننده باشد. ولی آمریکا با توجه به ماهیت این حزبان، نه تنها نگرانی گسترش آن نیست، بلکه حاضر میشود برای جلوگیری از نفوذ هرچه بیشتر شوروی در اروپای غربی، کمونیسم اروپائی را بپذیرد. البته در صورتیکه کشورهای مورد نظر، در صورت بقدرت رسیدن چنین کمونیستهائی، در پیمان ناتو باقی بمانند.

۲- پذیرش مسئله تقسیم رهبری با اروپای غربی (بطور خاص آلمان غربی)

و دنبال نکردن خط سیاسی فعلی مبنی بر اینکه امپریالیسم آمریکا بایستی به عنوان قدرت بلامنازع امپریالیستی باشد.

بعد از جنگ جهانی دوم که بطور کلی کشورهای اروپای غربی، متحمل صدمات زیادی شدند. امپریالیسم آمریکا، سرعکس از این جنگ بهره زیادی برد. و جنگ باعث شکوفایی اقتصادیش گردید. با اجرای طرح مارشال و بازسازی اروپا، آمریکا توانست جایهای بسیار محکمی، در میان کشورهای امپریالیستی بدست آورد. تمامی این مسائل باعث شد که امپریالیسم آمریکا به عنوان قدرت بلامنازع امپریالیستی درآید. اما مشکلات اقتصادی آمریکا و بحران تورم رکود از طرفی، و قدرت گیری کشورهای اروپائی بطور خاص آلمان غربی از طرف دیگر هنگام با توسعه کشورهای بلوک شرق، آمریکا را از موضع گذشته سقوط داد. مجموعه عوامل فوق ضرورت را ایجاب می‌کرد که آمریکا در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، و در معادلات بین‌المللی جائی نیز برای کشورهای اروپای غربی باز کند. لیکن می‌بینیم که در استراتژی تازه آمریکا، این مساله مورد توجه واقع شده است.

ب- کمیسیون سه جانبه و مسالهٔ بلوک شرق:

۱- مبارزهٔ همه جانبه و گسترده با بلوک شرق

در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و حقوق بشر و... بجای تکیه بر مسابقه پرخرج تسلیحاتی.

قبل از شکست ویتنام، آمریکا حتی‌الامکان سعی داشت از درگیری و رویاروئی مستقیم با شوروی پرهیز کند. (جنگ سرد). و با حفظ برخوردشان بیشتر بر اساس تشنج زدائی تنظیم شده بود. در همین رابطه نفرسا - آمریکا و شوروی، تمامی جهان را به مناطق تحت نفوذ و سلطه خودشان، تقسیم کرده بودند. (۲) در سالهای آخر جنگ ویتنام بر اثر مشکلاتی که این جنگ برای آمریکا پیش آورد (و به علت برخورد با خط تشنج زدائی). اسالات متحده نتوانست در بسیاری از جریانات دخالت

بقیه در صفحه ۱۱

www.iran-archive.com